



مہر حکماں در عصر ظہور

تالیف : م - ب - علم الہدی

ترجمہ : دکتر جلال برنجیان





تقديم به پیشگاه :

سلطان سریر ارتضی عالم
بر ما سَبَق و ما مَضَى
راضی به قدر و قضا ابوالحسن
علی بن موسی الرضا
علیه آلاف التَّحِيَّة و الثَّنَاء

کمال هستی

در عصر طلایی ظهور

تألیف:

م.ب. علم الهدی

ترجمه و تنظیم:

دکتر جلال برنجیان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَ مِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، وَ مِنْ
السِّدْرَةِ إِلَى حُجُبِ النُّورِ، نَادَانِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ: يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ
عَبْدِي وَ أَنَا رَبُّكَ، فَلِي فَاخْضَعْ، وَ إِيَّايَ فَاعْبُدْ، وَ عَلَيَّ فَتَوَكَّلْ، وَ بِي
فَتَّقْ، فَإِنِّي قَدْ رَضَيْتُ بِكَ عَبْدًا وَ حَبِيبًا وَ رَسُولًا وَ نَبِيًّا وَ بِأَخِيكَ
عَلِيٍّ خَلِيفَةً وَ أَبَا، فَهُوَ حُجَّتِي عَلَى عِبَادِي، وَ إِمَامٌ لِحَلْقِي، بِهِ يُعْرَفُ
أَوْلِيَائِي مِنْ أَعْدَائِي، وَ بِهِ يُمَيِّزُ حِزْبُ الشَّيْطَانِ مِنْ حِزْبِي، وَ بِهِ يُقَامُ
دِينِي، وَ تُحْفَظُ حُدُودِي، وَ تُنْفَذُ أَحْكَامِي، وَ بِكَ وَ بِهِ وَ بِالْأئِمَّةِ مِنْ
وَلَدِهِ أَرْحَمُ عِبَادِي وَ إِمَائِي، وَ بِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَعْمُرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي
وَ تَقْدِيسِي وَ تَهْلِيلِي وَ تَكْبِيرِي وَ تَمْجِيدِي، وَ بِهِ أُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ
أَعْدَائِي، وَ أُورِثُهَا أَوْلِيَائِي، وَ بِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِي
السُّفْلَى، وَ كَلِمَتِي الْعُلْيَا، وَ بِهِ أَحْيِي عِبَادِي وَ بِلَادِي بِعِلْمِي، وَ لَهُ
أُظْهِرُ الْكُنُوزَ وَ الذَّخَائِرَ بِمَشِيَّتِي، وَ إِيَّاهُ أُظْهِرُ عَلَى الْأَسْرَارِ وَ
الضَّمَائِرِ بِإِرَادَتِي، وَ أَمُدُّهُ بِمَلَائِكَتِي لِتُؤَيِّدَهُ عَلَى إِنْفَازِ أَمْرِي وَ إِعْلَانِ
دِينِي؛ ذَلِكَ وَلِيِّ حَقًّا وَ مَهْدِيٌّ عِبَادِي صِدْقًا

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

وقتی مرا به آسمان هفتم، و از آنجا به سدره المنتهی، و از سدره المنتهی به حجابهای نور بالا بردند، خدایم جلّ جلاله به من ندا داد: ای محمد! تو بنده من هستی و من خدای توام. پس تنها برای من خضوع کن، و تنها مرا عبادت نما، و تنها بر من توکل کن، و تنها به من اطمینان داشته باش. زیرا که من از تو، به عنوان بنده و محبوب و رسول و نبی راضی شدم، و برادرت علی را به عنوان خلیفه و باب پسندیدم، که او حجّت من بر بندگانم و امام برای مخلوقات من است. به سبب او - و تنها به سبب او - دوستانم از دشمنانم شناخته شوند. و تنها به سبب او، حزب شیطان از حزب من تمیز داده شود. و تنها به سبب او دین من برپا گردد، و حدود من محفوظ ماند، و احکام من اجرا گردد. و به سبب تو، و به سبب او، و به سبب امامان از فرزندان من

(تنها به سبب شما) بر بندگان خود از مرد و زن رحم می‌کنم.

و به سبب قائم از شما، زمین خود را با تسبیح، تقدیس، تهلیل، تکبیر و تمجید خود آباد سازم، و به سبب او زمین را از دشمنانم پاک سازم، و آن را به دوستانم به ارث رسانم، و به سبب او، سخن و حکم کسانی را که به من کفر ورزیدند، فرو دست قرار دهم، و سخن خود را فرا دست گردانم.

و به سبب او، بندگانم و شهرهایم را به علمم زندگی بخشم. و برای او گنج‌ها و ذخائر را به مشیت خود ظاهر سازم. و اسرار و ضمائم را - به اراده خود - تنها برای او ظاهر سازم. و او را با ملائکه خود امداد دهم، تا او را در جهت اجرای امر من و آشکار ساختن دینم تأیید کنند. او، حقّاً ولیّ من است و براستی « مهدیّ » بندگان من است.

فهرست

۹ * سخن مترجم
۱۶ ۱ - وارستگی‌ها و صلاحیت‌های رهبر الهی
۲۲ ۲ - آمادگی شرایط اجتماعی
۲۷ ۳ - سخنی با فرزندانگان
۳۵ * طلعه
۴۱ * هدف آفرینش
۴۹ بخش اول: کمال زمین از جهت رویش گیاه و نزول باران
۵۷ بخش دوم: قرار گرفتن زمین در اختیار افراد برای کار
 بخش سوم: ظاهر شدن معادن، گنج‌ها، کنز، جمع اموال، تقسیم
۶۱ اموال عمومی به تساوی
۶۹ بخش چهارم: وسعت بلاد و نورانی شدن زمین
۷۵ بخش پنجم: صلح بهائم و سباع و اطاعت آنها از مؤمنین
۸۱ بخش ششم: جوانی اصحاب امام علی ^{علیه السلام}
۸۳ بخش هفتم: طولانی شدن عمر افراد و ازدیاد نسل
۸۷ بخش هشتم: زوال فقر از جامعه
 بخش نهم: زوال امراض بدنی و برومند شدن ابدان و
۹۵ ارواح

- بخش دهم: زوال کینه از دلها و تکامل اخلاق و ایمان ۱۰۳
- بخش یازدهم: تکامل عقول و گسترش علم ۱۰۹
- بخش دوازدهم: نابودی دشمنان خدا و اجتماع بر بندگی خدا .. ۱۱۹
- بخش سیزدهم: ارتباط امام عصر علیه السلام با غیب و حکم به
 واقع ۱۳۵
- بخش چهاردهم: استقرار عدالت و امنیت ۱۴۳
- بخش پانزدهم: نابودی شیطان ۱۵۱
- * سخن آخر ۱۵۵

سخن مترجم :

تکامل و تعالی انسانها به عوامل فراوانی بستگی دارد که از آن جمله ، وجود مربی دانا و توانا و دلسوز به حال انسان ، همراه جامعه‌ای سالم را می‌توان نام برد ، که در پناه آن انسانها به کمال مطلوب دست یابند . ولی تاریخ نشان می‌دهد که اکثر تمدنهای بشری ، به خاطر عدم برخورداری از عوامل رشد و نقایصی در توان اداره جامعه به افول گراییده است . این نقصانها نوعاً به خاطر عدم واجدیتهای لازم برای اداره صحیح و متعادل جامعه ، یا کمبود معنویات و عدم توجه به مبدا فیاض ، یا نقصان نیروهای پروا پیشه و وارسته که هوسها و خواسته‌های شخصی خود را بر منافع عموم مردم ترجیح ندهند ، یا عدم امکانات اجتماعی و ناتوانیهای مالی ، یا عدم ایجاد عدالت اجتماعی و عدم میل بشر به رشد و ترقی بوده است . تمدنهایی که مسلمین نیز تا قرن هفتم و هشتم هجری در جهان بر پا کرده‌اند ، به خاطر عدم واجدیتهای لازمه برای برپائی یک حکومت صالح ، چون دیگر حکومتها دوران اقتدار آنها هم به اتمام رسید و دولتشان سقوط کرد . حتی سفرای الهی نیز گرچه در جنبه هدایت خلق موفقیتهای فراوانی بدست آوردند و ارزشهای الهی را به گوش مردم رسانیدند ، ولی به خاطر فراهم نبودن شرایط لازم و همراهی نکردن امت ، توفیق برپائی جامعه‌ای وارسته به صورت پایدار را بدست نیاوردند ، زیرا جامعه صالح ، آن جامعه‌ای است که مردم خود گناه نکنند و در برپائی عدالت اجتماعی همراه سفرای الهی شوند . قرآن کریم می‌فرماید :

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^(۱)

به تحقیق فرستادگان خود را با نشانه‌های روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان فرود آوردیم تا آن که مردم اقامه قسط و داد کنند .

انبیاء مردم را فرا خواندند که خود در سایه تعالیم الهی ، به اقامه قسط و داد قیام کنند ، و بر هم ستم و عدوان نکنند ، و در سایه این تعالیم ، هم خود و هم دیگران به آسایش و امنیت زندگی کنند ، و به حقوق یکدیگر تجاوز نکنند . ولی هواپرستان از بشر ، برای برتری جویی و استکبار ، سخنان انبیاء را تکذیب کردند و بر علیه آنان قیام نمودند . و آن منادیان الهی را - که بدون هیچ گونه چشمداشت و طمع - تنها جهت ترقی و تعالی بشر اقدام کرده بودند ، در نهایت مظلومیت طرد کردند . ازه بر فرق حضرت زکریا نهادند ، حضرت یحیی را در نهایت مظلومیت کشتند ، ارمیای نبی را در قفس شیران افکندند ، اصحاب رس^(۲) هفتاد پیغمبر خدا را ناجوانمردانه کشتند ، به خاطر چند روز غیبت حضرت موسی عليه السلام بنی اسرائیل - به دنبال شیطنت سامری - بر حضرت هارون وصی حضرت موسی هجوم بردند و بنای قتل او را گذاشتند ، و یهودیان تصمیم بر اعدام حضرت مسیح گرفتند . در دوره اسلام ، نبی مکرم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله پس از بیست و سه سال تلاش و هدایت ، ستیز با دشمنان خدا ، استقرار کلمه توحید در جزیره العرب ، نصب امیرالمؤمنین به عنوان خلیفه الهی و جانشین به حق خود و ارجاع خلق بر در خانه اهل البیت ، چون از این جهان رحلت فرمود ، فرصت طلبان حق تنها

۱- سوره حدید، آیه ۲۵ .

۲- اصحاب رس قومی بودند که در طرف آذربایجان ایران زیر رود آرس زندگی می‌کردند و جشنهای سیزده روز اول سال شمسی از سنن آن قوم می‌باشد .

فرزند او فاطمه زهرا را غصب کردند ، بازوی او را خستند ، پهلوی او را شکستند . همسر او - همان خلیفه خدا در زمین ، امیرالمؤمنین ، یحییٰ بن علی ، امام المتّقین و قائد الغر المحجلین را ریسمان بر گردنش افکندند ، به زور به مسجد بردند ، تیغ بر سرش قرار دادند ، در سایه تیغ از او بیعت خواستند ، و امیرالمؤمنین سکوت کرد ، زیرا عدالت و آئین تنها در سایه شمشیر مستقر نمی شود ، بلکه شمشیر وسیله دفاع از حق است نه عامل استقرار حق ؛ و حکومت صالح جهانی اسلام نیز تنها در پناه شمشیر فراهم نمی آید ، بلکه باید عموم مردم جهان پس از واخوردگی از تمامی ادعاهای دروغین مدعیان کاذب ، رو به سوی حضرت حق کنند و از صمیم جان خواستار حق گردند ، و امیال و هوسهای حیوانی را در راه نیل به کمال انسانی فدا کنند .

طیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک

چو درد در تو نبیند که را دوا بکند

ولی با وجود تمام مخالفت‌های خلق با سفرای الهی ، خداوند متعال از نظر اتمام حجت ، در میان تمام خلایق فرستادگان خود را قرار داده ، تا اگر مردم بخواهند رو به سوی حق آورند ، آنان راهنمایان بشر شوند و دستگیر آنان گردند . خدای مَنان در قرآن می فرماید :

(وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ^(۱))

ما سخن (تکوینی یعنی حجج و فرستادگان خود) را پیوسته

داشتیم ، شاید که ایشان تذکر گیرند .

پس از درگذشت پیغمبر اسلام ﷺ جماعتی فرصت طلب از روش پیشینیان پیروی کردند ، به دلیل بد سرشتی و یا پیروی از خواستهای حیوانی ، با تمام سفارشهای آن حضرت در مورد تمسک به قرآن و عترت مخالفت کردند ، و شمشیرهای بُران بر گردن اوصیای او قرار دادند ، و جملگی

اوصیای او را - یا به شمشیر و یا به سم - به قتل رسانیدند . شمشیر بر فرق مبارک علی مرتضی علیه السلام زدند و پرچم هدایت الهی را سرنگون کردند . ولی خدا به لطف بی کران خود آیندگان را مخدول نداشت و ولایت الهی را به وجود امام مجتبی علیه السلام اقامه فرمود . اما آن بزرگوار را با سم شهید کردند و پیکر مطهر آن حضرت را در میان تابوت تیر باران کردند . باز خدا این عنایت را به وجود گرانقدر حضرت حسین بن علی علیه السلام امتداد داد . دگر بار جمع کثیری از مسلمین - که تعداد آنها را تا پانصد هزار نفر هم گفته اند - به بهانه های کودکانه ، آن حضرت را محاصره کردند ، و او را همراه اتقیا از فرزندان علی مرتضی و امام مجتبی و جناب جعفر طیار و جناب عقیل ، در نهایت جنایت به قتل رسانیدند ، و - برای اولین بار در تاریخ بشریت - خاندان پیغمبری را به عنوان اسیر جنگی به اسارت بردند . خدا به قدرت خود ، حضرت سید الساجدین علیه السلام را در چنگال آن دژخیمان سالم نگهداشت ، تا دگر بار آیندگان را بر حق متعال کلامی نماند . اما آن حضرت را هم با سم شهید کردند ، خداوند این نعمت را از بشر سلب نکرد و به وجود حضرت باقر علیه السلام حجت الهیه را اقامه فرمود . اما آن حضرت را هم به شهادت رسانیدند . خدا لطف خویش را بر بشر اتمام کرد . در حالی که می دانست این بشر به راه نمی آید ، جز افرادی اقل و محدود ، باز وصایت الهیه را به وجود حضرت صادق علیه السلام پیاداشت . ولی آن حضرت به دست منصور دوانقی به شهادت رسید . خدای متعال این نعمت را به کلی سلب نکرد و به وجود ذی جود حضرت کاظم علیه السلام این عطیه عظمی و این موهبت علیا را ادامه داد . ولی آن حضرت ، مقدار زیادی از عمر شریف خود را در زندان هارونی سپری کرد و سرانجام به سم آن پلید به تبار پاک خود ملحق شد . برای آن که خدا ، صفت بی کران لطف عمیم خود را آشکار فرماید ، امامت الهی را به وجود حضرت رضا علیه السلام اقامه کرد . گرچه مأمون عباسی در ظاهر آن حضرت را ولایتعهد خواند ، اما سرانجام آن حضرت را شهید کرد . خداوند این نعمت را سلب نکرد ، و به وجود گرانقدر حضرت محمد بن علی جواد آل

محمد ﷺ بشر را مشمول عنایت دیگری قرار داد . ستمگران، دائرهٔ ظلم و ستم را بر خاندان پیغمبر گسترش دادند . مردم نیز با سکوت و همراهی ، ستم آن ستمگران را تأیید کردند ، اهل البیت را از زندگی در مدینهٔ رسول محروم نمودند ، حضرت جواد را در پایتخت تحت نظر گرفتند و بالاخره آن حضرت را هم شهید کردند . دگر بار فضل الهی از جوشش باز نماند ، و خدا این نعمت را به وجود حضرت هادی سلام الله علیه امتداد داد . ولی با انتقال پایتخت از بغداد به سامرا ، آن حضرت را در پایتخت عباسی تحت نظر گرفتند ، و در لحظه ورود به سامرا ایشان را در « دَارُ الصَّغَالِيك » (گدا خانه) نگهداشتند ، و سرانجام پس از آزارهای فراوان ، آن حضرت را به شهادت رسانیدند . خدای متعال بشریت را مورد عذاب بی کران خود قرار نداد ، گرچه جا داشت که همهٔ بشر جز آل الله ﷺ - را در پی شهادت زهرای اطهر و همسر گرامی او و اطائب از فرزندانش ﷺ - به عذابهای آسمانی ، خستفهای زمینی ، طوفانها هلاک کننده ، بارش سنگهای آسمانی ، غرق کردن در دریاها و زلزله‌های عمومی و ... نابود کند . اما باز به برکت پیغمبر اسلام - که نبی رحمت است و به خاطر گرانقدر آن حضرت ، امت آن پیغمبر ، امت مرحومه می باشد - ، این عنایت را به وجود حضرت عسکری سلام الله علیه به نهایت رسانید ، و آن حضرت را برای منصب امامت و ولایت اقامه فرمود . اما حضرتش را در ابتدای جوانی به شهادت رسانیدند ، و نسبت به این همه لطف بیکران خدای متعال ، نهایت ناسپاسی را بجای آوردند . خدای بزرگ برای آنکه نعمتش را از بشریت تا دامنهٔ قیامت سلب نکرده باشد ، این نعمت را به وجود مسعود حضرت بقیهٔ الله الاعظم حجة بن الحسن علیهم السلام اتمام کرد . البته دست ستمگران را از آن جناب کوتاه فرمود ، ولی اختیار و پاکان را از فیض حجت خود محروم نکرد . و راه توبه و بازگشت را بر بشر مفتوح داشت که اگر بخواهند ، به سوی حق روی آورند ، از تمامی جنایات تاریخی خود دست بردارند ، آمادگی برای اقامهٔ آخرین سفیر الهی را در محضر حق - به صدق و راستی ، نه سخن گزاف و

دروغ - اثبات کنند، ظهور منجی الهی را درخواست کنند، خود را برای پروا پیشگی آماده کنند تا بار آن جامعه صالح را به دوش کشند، و خود گرفتار ظاهر فریبی نفاق پیشگان نشوند. در این صورت، خدا آن حضرت را ظاهر فرماید و بشریت را از این گرفتاری و تباهی برهاند و طومار ظلم و ستم را درهم پیچد. ولی اگر راه پیشینیان را پیش گیرند، بشر از حضور فعال آن حضرت در محرومیت باقی بماند، تا آن زمان که از نسل پاکان، یاران حضرت بقیة الله الاعظم به وجود آیند و آن حضرت را اقامه کنند. خدای متعال وعده فرموده که این کار صورت می پذیرد و آن حجت الهی روزی ظاهر می شود. خدا در قرآن می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ
لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ
خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^(۱)

خداوند به آنانی از شما که ایمان آورده اند و نیکوئیها را بجای می آورند، وعده فرموده است که ایشان را در زمین، جانشینان (خویش) قرار دهد، همچنان که پیشینیان از ایشان را جانشین گردانید و آیینی که برای ایشان پسندیده است، ریشه دار و پایدار سازد. پس از (دوران) ترس ایشان، آرامش و امنیت را برایشان برقرار سازد (تا) مرا بپرستند و برای من چیزی را شریک و انباز قرار ندهند.

باری، تمدن صالح و پایدار آینده جهان، زمانی آشکار می شود که بشریت پس از تجربه تمام راهها و روشهای مختلف از ادعاهای واهی مکاتب

گوناگون به ستوه آید ، و از صمیم جان باور کند که این مکاتب و راه و روشها هرگز نمی‌توانند سعادت مطلوب را برای جوامع بشری به ارمغان آورند ، و از سویدای جان آماده حکومت حضرت مهدی علیه السلام شود . قیام آن بزرگوار ، به اجازه پروردگار ، زمانی آشکار می‌شود که بشر آماده پذیرش آیین حق گردند و شیعیان این خاندان آماده یاری حضرتش شوند . زیرا بخش عمده حکومت آل محمد علیهم السلام بر دوش مردمان است و باید گروهی آماده اقامه آن حضرت گردند . امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن خطبه شمشسته می‌فرمایند :

أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ
قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا
يُفَارُّوا عَلَى كِظَّةِ الظَّالِمِ وَ لَا سَعَبِ الْمَظْلُومِ لِأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا
عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلَهَا .

آگاه باشید ! سوگند به خدائی که میان دانه را شکافت و انسان را آفرید ، اگر نبود اجتماع مردم (در آستانه) من ، و قیام حجت خدا (که) در صورت وجود یاور (لازم است) ، و اگر نبود عهد الهی که خدای تعالی از دانایان گرفته تا بر سیری ظالم و گرسنه ماندن مظلوم راضی نشوند ، هر آینه ریسمان و مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می‌انداختم ، و آخر خلافت را به کاسه نخست آن آب می‌دادم .

باری حجج الهی بدون خواست مردمان اقدام به قیام نمی‌کنند ، چون آئین اسلام در واقع حکومت بر دلهاست ، و حکومت بر تن‌ها به دنبال آن تحقق می‌پذیرد . و آن اسلام در روز واپسین مقبول است که سایه بر جان افکنده باشد نه سایه بر تن ، و در خلوتکده دل مورد پذیرش قرار گرفته باشد نه بر لقلقه زبان . خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید :

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾^(۱)

هیچ اکراه (و فشار روحی) در پذیرش دین نیست.

خدای متعال در پی رهنمود خلق و قرار دادن حجج خود در میان ایشان، به مردم آزادی و اختیار داده است که به حُسن اختیار خود، از صمیم جان به سوی خدا آیند، چنان که می‌فرماید: ﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا﴾^(۲) «ما راه هدایت را بر بشر نشان دادیم، خواه شاکر باشد و راه جوید و خواه کفران کند و به راه نیاید».

حکومت آل محمد ﷺ هم وسیله تحقق آرمانهای پیغمبر اسلام و خواست الهی است، و این مهم جز با رضامندی عموم خلق اقامه نمی‌شود. آن حکومت موعود و آن جامعه مسعود، در تحت لوای آخرین وصی پیغمبر اسلام بر پا می‌شود، چرا که خدا آن حضرت را برای این مهم اقامه فرموده، قدرت و مُکنت لازم را به او ارزانی کرده، خلق را به پیروی از او فراخوانده و ابزار لازم برای این کمال مطلوب را به آن حضرت اعطاء کرده که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- وارستگی‌ها و صلاحیتهای رهبر الهی:

الف - عصمت: خدای متعال، راهنمائی بشر را بر عهده بنده صالح خود حضرت حجة بن الحسن علیه السلام قرار داده است. او یگانه انسانی است که امروز خدای متعال، معصوم بودن او را امضا فرموده است. اوست که از هر پستی و آلودگی، اشتباه کاری و خطا برکنار است، و هیچ پلیدی و ناپاکی در او یافت نمی‌شود. خدای متعال در باره او و پدران گرامی‌اش و ناموس کبریا، صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیها السلام فرموده است:

۱- سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۲- سوره دهر، آیات ۳.

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ
يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً﴾^(۱)

همانا خدا چنین خواسته است که تمامی ناپاکیها را از شما اهل
بیت بزدايد و شما را از همه پلیدیها پاک نماید .

حضرت رضا علیه السلام در دعائی که به یونس بن عبد الرحمن تعلیم فرمودند ، در
فرازهائی از آن در باره حضرت مهدی علیه السلام می فرمایند :

فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ أَصْطَفَيْتَهُ عَلَيَّ
غَيْبِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ
طَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ . اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ
لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا وَ لَا
أَتَى حُوبًا وَ لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَ لَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ
يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ
شَرِيْعَةً .^(۲)

خدایا همانا او (مهدی موعود) بنده توست که او را برای خودت
خالص فرموده‌ای ، و بر غیب و پنهانی خویش برگزیده‌ای ، و او
را از هر گناه دور داشته‌ای ، و از هر عیب و نقصی در امان قرار
داده‌ای ، و از هر پلیدی پاکش فرموده‌ای ، و از هر آلودگی سالم
داشته‌ای . خدایا ما در روز قیامت و همان روز حادثه شگفت ،
شهادت می دهیم که همانا او (حجة بن الحسن) هیچ گناهی
مرتکب نشده و خطائی را بجای آورده و هیچ طاعت و

۱- قرآن کریم ، سوره احزاب ، آیه ۳۳ .

۲- «جمال الاسبوع» ، سید بن طاووس ، در اعمال روز جمعه .

فرمانبرداری را ضایع و نابود نکرده و هیچ حرامی را مرتکب نشده و هیچ فریضه‌ای را واژگون نکرده و هیچ آیین و شریعت را تبدیل ننموده است .

او عصارهٔ انسانیّت و خلاصهٔ فضیلت است . امیرمؤمنان علیه السلام در وصف امام قائم علیه السلام می‌فرمایند :

او هوای نفس را مطیع و تابع هدایت می‌کند ، آنگاه که مردم هدایت را معطوف هوی و هوس نمایند و رأی و نظر را تابع قرآن می‌گرداند ، در حالی که مردم ، قرآن را تابع هوای نفس قرار دهند^(۱) .

خُلِقَ وَ خَوَىٰ اَوْ چُونِ خُلِقَ وَ خَوَىٰ پیامبر صلی الله علیه و آله است و واجد همان والایشها و بزرگوارینهای رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد ؛ همان پیامبر رحمتی که دامنهٔ عطوفتش به همه جا کشیده و موافق و مخالف در برابر خُلق نیکوی او سر تسلیم فرود آورده‌اند .

امیرمؤمنان علیه السلام نگاهی به امام حسین علیه السلام افکند و فرمود :

خداوند از صلب و نسل او مردی را می‌آفریند که همان پیامبر شماست و در خلقت و خوی شبیه اوست ... با خروج او ساکنان آسمانها خوشحال می‌شوند^(۲) .

او زهدی چون زهد امیرالمؤمنین علیه السلام دارد . امام صادق علیه السلام فرمودند :

وقتی قائم ما اهل بیت بپاخیزد ، لباسهای علی علیه السلام را به تن

۱- «بحارالانوار» ، علامهٔ مجلسی ، ج ۵۱ / ۱۳۰ نقل از «ترجمهٔ مکیال المکارم» .

سید محمد تقی اصفهانی ، ترجمهٔ حائری قزوینی ، ج ۱ / ۱۴۹ .

۲- «الغیبه» ، ابن ابی زینب نعمانی ، نقل از «ترجمهٔ مکیال المکارم» ، سید محمد

تقی اصفهانی ، ترجمهٔ حائری قزوینی ، ج ۱ / ۱۱۳ .

می‌کند و روش او را پیش می‌گیرد^۱.

صبر و شکیبائی و تحمل سختی و بردباری، یکی از عوامل مهم در پیشبرد اهداف الهی است. سفرای الهی با سلاح صبر و شکیب، به آرمانهای الهی خود جامه عمل پوشانیده‌اند. امام مهدی علیه السلام نیز الگوی شکیبائی است. در لوحه‌ای که از جانب خدا در ولادت امام حسین علیه السلام بر حضرت زهرا علیها السلام نازل شد در ویژگی امام مهدی علیه السلام دارد:

در او کمال موسی و نورانیت عیسی و صبر و شکیبائی ایوب

وجود دارد^۲.

دامنه مهمان نوازی او، مهمان نوازی ابراهیم خلیل را به یاد می‌آورد. شریف و وضع، غنی و فقیر، دانا و نادان، بزرگ و کوچک بر سرِ خوان احسان او یکسان می‌نشینند. سید بن طاووس می‌گوید: پس از خواندن زیارت امام زمان در روز جمعه بگویید:

نَزَيْلَكَ حَيْثُ مَا أَتَّجَهْتَ رِكَابِي

وَ ضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ^۳

هر جا که فرود آیم و راحله‌ام به هر سو که روان شود، بر تو وارد می‌شوم

و در هر کجای از شهرها باشم، میهمان تو هستم.

خلاصه حضرت مهدی علیه السلام، هم از نظر سجایای انسانی و والائی شخصیت، و هم از نظر دانش و بینش، آن چنان والا گهر است که نمونه‌اش را

۱- «الکافی». کلینی. ج ۱ / ۴۱۱، نقل از «ترجمه مکیال المکارم»: سید محمد

تقی اصفهانی. ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ / ۱۲۹.

۲- «کمال الدین». شیخ صدوق، ج ۱ / ۳۱۰، نقل از «ترجمه مکیال المکارم»،

سید محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ / ۱۸۱.

۳- «جمال الاسبوع». سید بن طاووس، در اعمال روز جمعه، نقل از «ترجمه

مکیال المکارم». سید محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ / ۱۳۹.

جز در میان خاندان معصوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی توان جست . اوست که خدای متعال صلاحیت رهبری او را تأیید فرموده است ، و بیان کرده است که از او جز نیکوئی به افراد نمی رسد . خدای متعال در قرآن می فرماید :

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^(۱)

بازمانده خدا (مهدی) برای شما (مطلق) نیکوئی است اگر در زمره مؤمنان باشید .

یکی دیگر از ویژگیهای مهم در وجود رهبران الهی ، بزرگواری و قدر شناسی آنان می باشد . حضرت مهدی علیه السلام - به عنوان وارث انبیا - برخوردار از صفات و سجایای بلند انسانی است که به نمونه‌ای در زیر اشاره می کنیم :
امام صادق علیه السلام فرمودند :

اولین کاری که مهدی علیه السلام انجام می دهد این است که در عالم ندا می کند : «توجه کنید هر کس بر عهده یکی از شیعیان ما قرضی داشته باشد آن را بگوید» ، تا این که دانه سیر و خردل را هم به صاحبان آنها برساند . چه رسد به طلاها و نقره‌ها و املاک زیاد که همه را ادا کند^(۲) .

اولین کاری که آن حضرت در زمان ظهور انجام می دهد ، بر آوردن تمام دیون شیعیان از آغاز امامت امیرمؤمنان علیه السلام تا هنگامه ظهورش می باشد . یعنی یاد انسانهایی را فراموش نمی کند که در طول اعصار و قرون ، دل در گرو حضرتش داشته‌اند و در آرزوی دولت آل محمد علیهم السلام بوده‌اند .

باری او در فضیلتها و والائیهایی هم‌تاست و امروز صدر کائنات است و انسانی کامل و برخوردار از همه ویژگیهای نیکان ؛ و خلاصه «آنچه خوبان

۱- قرآن کریم ، سوره هود ، آیه ۸۶ .

۲- «بحارالانوار» ، علامه محسی . ج ۵۳ / ۳۴ نقل از «ترجمه مکمال المکارم» .

سید محمد تقی اصفهانی ، ترجمه حائری قزوینی . ج ۱ / ۱۷۷ .

همه دارند او تنها دارد» .

ب - دانش : از نظر دانش و بینش ، باید گفت که آن حضرت ، امروز همتای جدش علی بن ایطالب رضی الله عنه است و دانشهای علوی در سینه او موج میزند . دانش او در فهم بشر مرز و اندازه‌ای ندارد .

در اینجا به نقل حدیثی بسنده می‌کنیم و گسترده این سخن را به بخش مربوطه در متن کتاب ارجاع می‌دهیم .

امام موسی کاظم رضی الله عنه در باره علم آل محمد صلی الله علیه و آله فرمودند :

دانش ما امامان بر سه گونه است :

علم به گذشته ، علم به حال و علم به آینده . اما دانش نسبت به گذشته ، همان است که (از جانب خدای متعال) برای ما تفسیر شده است . و اما علم به حال که به وسیله کتابها (و نوشته‌های پیشین که از پیامبر اسلام و حضرت زهرا و ... به ما رسیده است) به دست می‌آید . و اما علم به آینده که آن به وسیله الهام در دل و یا به صورت سخن گفتن (فرشته) در گوش امام می‌باشد . و این برترین دانش ماست . و هرگز پیامبری پس از پیامبر ما نخواهد بود^۱ .

آن حضرت ، گنجینه دانش الهی در زمین است و تمام علوم پیامبران گذشته به آن حضرت ارث رسیده است . او به زوایای این جهان گسترده آگاهی دارد ، راههای آسمان را به گونه‌ای می‌شناسد که دانشمندان امروز ، حتی نسبت به راههای زمینی آن چنان آگاهی ندارند . او دستی بر تمام گیتی دارد و با ساکنان دیگر عوالم چنان سخن می‌گوید که ما با زمینیان سخن می‌گوییم .

ج - قدرت غیبی : برای پیشبرد اهداف معنوی و تحقق بخشی حکومت

۱- «اصول کافی» ، محمد بن یعقوب کلینی ، ج ۱ / ۲۶۴ .

عدل الهی ، دست غیبی لازم است . همچنان که تمام انبیا در کنار واجدیت‌های انسانی ، قدرتهای الهی نیز داشته‌اند ، و با برخورداری از آن قدرتها بر دشمنان حق پیروز شده‌اند . چیرگی حضرت نوح بر کافران ، غلبه حضرت ابراهیم بر آتش نمرودیان ، نجات بنی اسرائیل به دست حضرت موسی از ستم فرعونیان و ... جملگی به مدد‌های غیبی و تواناییهای الهی آنان بوده است . امام زمان علیه السلام نیز واجد تمام تواناییها و معجزات و بیّنات انبیا است . امام صادق علیه السلام فرمودند :

هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیا و اوصیا نیست ، مگر این که خداوند تبارک و تعالی مانند آن را به دست قائم علیه السلام ظاهر می‌گرداند تا بر دشمنان اتمام حجت کند ^(۱) .

۲ - آمادگی شرایط اجتماعی :

الف - نیروهای کارآزموده و بی‌آلایش : یاران حضرت مهدی علیه السلام - همانهایی که حکومت جهانی حضرتش را به دوش خواهند کشید - بزرگوارانی هستند که بسان آنان در تاریخ بشر ، کم پیدا شده است . آنان افراد والاگری می‌باشند که از همه ویژگیهای نیکو بهره‌ای دارند .

امیرمؤمنان علیه السلام در باره یاران امام زمان علیه السلام می‌فرماید :

آنها قومی هستند که با صبر و شکیبائی خود ، بر خدا منت نمی‌نهند و جانبازی خود را در راه حق بزرگ نمی‌شمارند . هنگامی که حادثه‌ای روی دهد و زمینه یأس پیش آید ، دیده‌هایشان را از برق شمشیر جلوه می‌دهند ، و به فرمان

۱- «اثبات الهداة» ، شیخ حرّ عاملی ، ج ۷ / ۳۵۷ نقل از «ترجمه مکمال المکارم» ، سید محمد تقی اصفهانی ، ترجمه حائری قزوینی ، ج ۱ / ۱۹۴ .

امامشان به پروردگار خود تقرب می‌جویند . آنها همگی شیرهای ژبانی هستند که از جنگلهای خود بیرون آمده‌اند . اگر اراده کنند که کوهها را از جای خود برگنند ، بی تردید انجام می‌دهند . آنها به حقیقت توحید خدا راه یافته‌اند . برای آنها در دل شب ، از ترس خدا ، ناله‌هایی است چون ناله مادران داغ پسر دیده ، شب زنده‌داران در دل شب و روزه‌داران در طول روز هستند . گوئی اخلاق و آداب آنها یکی است . دل‌های آنها بر محبت و شفقت و خیر خواهی گرد آمده است^(۱) .

حضرت صادق علیه السلام در توصیف ایشان می‌فرماید :

... مردانی هستند که دل‌های آنها چون قطعه‌های آهن است که هرگز شک و تردید در آنها راه ندارد . آنها در اعتقاد خود نسبت به خدا از سنگ سخت‌تر هستند . اگر به کوهها هجوم ببرند ، آنها را از پای در می‌آورند ، با پرچمهای خود به هیچ کشوری روی نمی‌آورند ، مگر این که آن را فتح می‌کنند . بر فراز اسبهای نجیب خود ، دست بر زین امام علیه السلام می‌کشند و تبرک می‌جویند . آنها به هنگام نبرد ، پروانه‌وار شمع وجود امام علیه السلام را در میان گرفته ، محافظت می‌کنند . و هر چه حضرتش اراده کند آن را برمی‌آورند . مردان شب زنده‌داری هستند که شبها نمی‌خوابند و زمزمه نمازشان چون نغمه زنبوران از کندو به گوش می‌رسد . شبها را با شب زنده‌داری سپری می‌کنند و بر فراز اسبها خدا را تسبیح می‌گویند . آنها در

برابر فرمان امامشان ، از بنده مطیع نسبت به مولایش ، مطیع تر هستند . گوئی دلهای آنها مشعلی نورانی است و آنها از ترس پروردگار خود نگران هستند ...

شعار آنها «یا لثاراتِ الحُسَینِ» (ای خونخواهان حسینی) است . رُعب و وحشت آنها مسافت یک ماه جلوتر از خودشان پیش می‌رود و آنها فوج فوج به سوی مولا(ی خود) حرکت می‌کنند . خداوند به وسیله آنها امام حق را یاری می‌فرماید ...

و نیز امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن حدیث طولانی در وصف بیعت یاران حضرت مهدی علیه السلام چنین می‌فرماید :

... با او بیعت می‌کنند که هرگز :

دزدی نکنند .

زنا نکنند .

مسلمانی را دشنام ندهند .

خون کسی را به ناحق نریزند .

به آبروی کسی لطمه نزنند .

به خانه کسی هجوم نبرند .

کسی را به ناحق نزنند .

طلا ، نقره ، گندم و جو ذخیره نکنند ،

مال یتیم را نخورند ،

در مورد چیزی که یقین ندارند ، گواهی ندهند ،

مسجدی را خراب نکنند .

مشروب (مست کننده) نخورند ،
حریر و خز نپوشند ،
در برابر سیم و زر ، سر فرود نیاورند ،
راه را بر کسی نبندند ،
راه را ناامن نکنند ،
گردِ همجنس بازی نگردند ،
خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند ،
به کم قناعت کنند ،
طرفدار پاکی باشند ،
از پلیدی گریزان باشند ،
به نیکی فرمان دهند ،
از زشتیها باز دارند ،
جامه‌های خشن بپوشند ،
خاک را متکای خود سازند ،
در راه خدا حقّ جهاد را ادا کنند ، و ...

امام مهدی علیه السلام نیز در حقّ خود تعهد می‌کند که :

از راه آنها برود ،
جامه‌ای مثل جامه آنها بپوشد ،
مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود ،
آنچنان که آنها می‌خواهند باشد ،
به کم راضی و قانع شود ،
زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند آنچنان که پر از ستم
شده است ،

خدا را آنچنان که شایسته است بپرستد ،

برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و ...^(۱)

خلاصه یاران مهدی علیه السلام انسانهای والاتباری هستند که نمونه آنها در میان گذشتگان بسیار اندک ، و در میان آیندگان نادر و کمیاب می باشد . اینان هستند که بار مسؤولیت حکومت واحد جهانی را در سرتاسر گیتی بر دوش می کشند و منادیان جهانیان به سوی آیین اسلام و مذهب بر حق تشیع هستند .

ب - امکانات و تواناییهای مالی : یکی از مشکلات مهم هر نظام اجتماعی ، ناتوانیهای مالی آن است . در حکومت امام زمان علیه السلام خدای متعال گنجینه های پنهانی خویش را در اختیار آن حضرت قرار می دهد و در دوران حکومت این امام مشکلی به نام مشکل اقتصادی مطرح نخواهد بود . امام صادق علیه السلام در ترسیم اوضاع مالی آن دوران در ضمن حدیثی می فرمایند :

چون قائم ما به پا خیزد ... زمین گنجهای خود را آشکار می سازد ، به گونه ای که (این گنجها) بر سطح آن دیده می شود . چون فردی از شما برای ادای زکات خود ، در صدد یافتن شخصی (نیازمند) بر می آید ، کسی را نمی یابد که آن (مال) را بپذیرد . مردم به فضل الهی از آنچه به ایشان روزی می فرماید ، بی نیاز می شوند^(۲) .

ج - همگامی مردم با حضرتش : تمدن جهانی حضرت مهدی علیه السلام پس از شکست همه روشها و مکتبها و تمام داعیان اصلاحگریها بر سر کار خواهد آمد . مردمان درمی یابند که این مکاتب ، هرگز نمی توانند سعادت مطلوب را برای بشر به ارمغان آورند ، و تمدن حاکم بر جهان ، از عهده حل نیازهای

۱- «منتخب الاثر» . لطف الله صافی / ۴۶۹ .

۲- «ترجمه اعیان الشیعه» (آشنائی با امام زمان علیه السلام) . سید محسن امین / ۳۴۹ .

واقعی بشریت بر نمی آید . لذا از جان و دل به حکومت آل محمد علیهم السلام روی می آورند . آن حکومت ، بر اساس نیازهای فطری بشر ترسیم می شود ، خواستهای دیرینه انسانها را برآورده می کند ، یاد خدا را در دلها زنده می کند ، در سایه ایمان به حق قلبها آرامش می یابد ، آسودگی بر روان بشریت سایه می افکند ، اضطرابها از بشر رخت بر می بندد . دیگر نه مشکل اقتصادی مطرح است و نه ترس از بیدادگری بیدادگران ، نه مشکل جا و مکان وجود دارد و نه مشکل بیماری و درماندگی . این عوامل ، یک ثبات اجتماعی را به همراه می آورد . و عموم مردم که با مشکلات طاقت فرسای قبل از ظهور درگیر بوده اند ، در مدینه فاضله اسلام آرام می گیرند ، و تمامی بیدادگران و اخلاط لگران و فساد انگیزان نابود می شوند . پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند :

شما را به مهدی بشارت می دهم که در امت من برانگیخته می شود ... زمین را از عدل و داد پر می کند چنان که از ستم و بیداد پر شده باشد ، ساکنان آسمان و زمین از او خوشنود می شوند^(۱) .

سخنی با فرزاتگان :

از عوامل مؤثر در ظهور حضرت بقیة الله الاعظم به دو نکته می توان اشاره کرد:

- ۱ - یکی آمادگی مردم جهان برای قیام آن حضرت
 - ۲ - در خواست از خدای متعال برای آشکار شدن آن حضرت
- لذا بر تمامی فرزاتگان و صاحبان قلم و کلام ، بایسته است که در راه آشنا کردن جهانیان با این حقیقت ، گامهای استوار بردارند ، خلق خفته جهان را با

۱- «غایة المرام» ، محدث بحرانی ، نقل از «ترجمة مکيال المکارم» . سید محمد تقی اصفهانی ، ترجمة حائری قزوینی ، ج ۱ / ۱۸۱ .

این حقیقت آشنا کنند، در میان ملت‌های مختلف، منادی آئین بر حق اسلام و تحقق بخش آرمان جهانی او باشند، با مقالاتی علمی و در قالبی نیکو و آمیخته با شیرینی محبت و لطف، مردم را با این سفر کرده تنها آشنا کنند، خلق را به سوی او متوجه نمایند، زنگارهای اوهام را از اندیشه مردم بردارند، با منطق علمی در جهت حل شبهات جوانان و قشر اندیشمند برآیند، و با غبارگیری از صفحه جان انسانهای مستعد، زمینه ظهور آن حضرت را فراهم کنند. رسول خدا در ضمن خطبه خود در غدیر خم فرمودند:

... مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ
 فَاسْمَعُوا وَاطِيعُوا وَانْقَادُوا أَمْرَ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ
 هُوَ مَوْلَاكُمْ وَ إِيَّاهُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ مُحَمَّدٌ وَلِيِّكُمْ الثَّانِي
 الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيِّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ
 رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَوَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَ
 رَسُولَهُ ... مَعَاشِرَ النَّاسِ ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَ ذُرِّيَّتِي
 مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ ... مَعَاشِرَ النَّاسِ «آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ
 النُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ» «مِنْ قَبْلِ أَنْ تَطْمِسَ وَجُوهًا فَنَرُدَّهَا
 عَلَى أَدْبَارِهَا». مَعَاشِرَ النَّاسِ النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي
 مَسْلُوكِ، ثُمَّ فِي عَلِيٍّ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الثَّانِي الْمَهْدِيِّ،
 الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا... وَ قَدْ بَلَغَتْ مَا
 أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ، وَ عَلَى كُلِّ
 أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَ لِدَا أَوْ لَمْ يُوَلِّدْ، فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ
 الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (إلى آخره) ۱

۱- قرآن کریم، سوره النساء، آیه ۴۷.

۲- الاحتجاج، طبرسی، ج ۱ / ۶۳-۵۹.

... ای گروه مردم همانا این آخرین جایگاهی است که در این محلّ اقامت می‌کنم ، پس گوش دهید و فرمان برید و فرمان پروردگارتان را منقاد باشید . همانا خدای عزّ و جلّ او مولای شماست و معبود شماست ، سپس بعد از او ، محمّد سرپرست شماست که پیا خواسته و خطاب کننده برای شماست ، پس از من علی سرپرست شماست و امام شما به فرمان پروردگار شماست ، سپس امامت در فرزندان من از نسل فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسول او را ملاقات می‌کنید ... ای گروه مردم فرزندان (پیغمبران و اوصیای) هر پیغمبر از نسل خود آن پیغمبر است ، ولی فرزندان من (امامان) از نسل علی است . ای گروه مردم «به خدا و رسول او و نوری که با او فرود آمده ایمان بیاورید ، پیش از آن که به گونه‌های شما (از اثر ضلالت) خطّ محو و خذلان کشیم پس آن (گونه‌ها) را به پشتشان برگردانیم» . ای گروه مردم همانا نور از جانب خدا در من قرار داشت ، پس از من در علی است ، سپس در نسل اوست ، تا این که به قائم مهدی برسد که او هر حقّ الهی را می‌ستاند و هر حقّی که از آن ما بوده است ... پس من آنچه را که به تبلیغ آن امر شده بودم ، رسانیدم . و این مطلب ، حجت بر هر حاضر و غائبی است و حجت بر تمام مردم است ، چه در اینجا حاضر بوده و چه حاضر نبوده ، و چه زاده شده و چه هنوز زاده نشده باشد . و باید که این را تمام حاضران به غائبان و پدران به فرزندان خود تا روز قیامت ، اعلام نمایند ...

چنانکه ملاحظه می‌شود ، این وظیفه‌ای است که پیغمبر اسلام در آخرین

روزهای دوران حیات خود، در بزرگترین اجتماع عصر خویش، بر عهده هر عالمی نهاده، و بدین گونه حجت الهی را بر همگان تمام کرده است. و هر که از این مهم سر باز زند، مشمول لعن و خذلان الهی خواهد بود، و حقیقت انسانی او مسخ خواهد شد.

وظیفه دومی که بر عهده همه عالمان و فرزنانگان است، اهتمام هرچه بیشتر آنها در جهت ارجاع مسلمانان و مؤمنان به آئین الهی و شیعیان حضرت مرتضی علیه السلام به آستانه لطف الهی، و درخواست از خدای متعال در جهت آشکار کردن آن حضرت می باشد. باید همه دلسوزان بر آئین مصطفوی، در مسیر دعای بر فرج آل محمد علیهم السلام و تحقق بخشی آرمان انبیا و اولیا قدمهای اساسی بردارند و در این مسیر کوتاهی نکنند، و همگان را نیز با خود همراه کنند. این کار، موجب رضایت حضرت رسول خدا و امیر مؤمنان و ائمه طاهرین علیهم السلام می شود. و بدین وسیله نامشان در زمره منادیان الهی ثبت شده و سعادت دنیا و آخرت را برای خود فراهم می آورند. و این همان وظیفه ای است که بر عهده عالمان و فقیهان و آگاهان مسلمان قرار دارد.

سعید بن جبیر از حضرت سید الساجدین علی بن الحسین علیه السلام نقل می کند که ایشان از پدر گرامی خود امام حسین و ایشان از امیرالمؤمنین و آن حضرت از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می فرمایند که پیغمبر خدا فرمودند:

چون مرگ یوسف علیه السلام نزدیک شد، شیعیان و خاندان خود را جمع کرد، حمد و ثنای الهی بجا آورد، سپس آنها را از سختی آینده برایشان خبر داد، و گفت: در این سختی، مردان را می کشند و شکم زنان بار دار را می درند و کودکان را سر می برند، تا خدا حق را در قائم از فرزندان لاوی بن یعقوب ظاهر کند و او مردی گندمگون و بلند قامت است. حضرت یوسف علیه السلام، صفات او را بر شمرد سفارش کرد که به این

وصیت من متمسک باشید . دوره غیبت و سختی بنی اسرائیل فرا رسید و مدت چهار صد سال در انتظار قیام قائم به سر بردند ، تا آنگاه که مژده تولد او را دریافتند و نشانه‌های ظهورش را دیدند . گرفتاری سخت‌تر شد و با سنگ به آنها حمله شد . و فقیه دانشمندی که (بنی اسرائیل) به احادیث او آرامش می‌گرفتند ، تحت تعقیب قرار گرفت و پنهان شد و آنها را وا گذاشت . به او گفتند : ما در هنگام سختی به گفته‌های تو دلخوش بودیم . آنها را در یک بیابانی برد و نشست ، و حدیث قائم و اوصاف و مژده نزدیک بودن ظهور او را می‌گفت . شب مهتابی بود ، و در همین میان ، موسی علیه السلام بر آنها وارد شد . در این وقت ، تازه جوانی بود و از خانه فرعون بیرون آمده و گردش می‌کرد . از میان موکب خود کناره گرفت و سوار بر استر بود و طیلسان خزی به دوش داشت و نزد آنها آمد .

چون آن دانشمند او را دید ، از صفات او وی را شناخت ، برخاست ، خود را به پای او انداخت و بوسه زد و گفت : ستایش خدا را که نمردم تا ترا دیدم . چون پیروانش چنین دیدند ، دانستند که او ناجی آنها است ، همه به شکرانه خدای عزّ و جلّ بر زمین افتادند . موسی جز این کلمه نگفت که امیدوارم خدای عزّ و جلّ فرج شما را زود برساند . سپس غائب شد و به شهر مدین رفت و نزد شعیب مدتها ماند .

این غیبت دوم برای آنها سخت‌تر از اولی بود ، و پنجاه و چند سال طول کشید ، و گرفتاری آنها سخت شد و آن فقیه دانشمند هم پنهان شد . . کسی را - خدمت او فرستادند و گفتند که ما بر

پنهانی تو نمی‌توانیم صبر کنیم . . آن فقیه دانشمند - به بیابانی
رفت و آنها را خواست ، با گفته‌های خود ایشان را خوشدل
ساخت و به آنها اعلام کرد که خدای عزّ و جلّ به او الهام فرموده
که بعد از چهل سال فرج ارزانی کند .

همه گفتند : « الحمد لله » .

خدا به او وحی کرد که به آنها بگو : چون « الحمد لله » گفتند ،
به سی سال تخفیف دادم .

گفتند : هر نعمتی از خداست .

خدا به او وحی کرد که به آنها بگو : آن را تا بیست سال تخفیف
دادم .

گفتند : جز خدا کسی خیری را نیاورده .

خدا به او وحی کرد که : آن را تا ده سال کم کردم .

گفتند : جلوی بدی را جز خدا نگیرد .

به او خطاب رسید که به آنان بگو : از جای خود حرکت نکنید .

اکنون اجازه فرج شما را دادم .

در این میانه ، موسی علیه السلام نمودار شد . سوار بر الاغی بود

و آن دانشمند خواست که شیعه را بدانچه در باره او بشارت

داده شده‌اند ، آگاه کند - و وظایف شیعه را نسبت او بگوید . .

موسی آمد تا در نزد آنها توقف کرد و بر آنها سلام داد . آن

دانشمند به او گفت : نام تو چیست ؟

گفت : موسی .

گفت : فرزند که ؟

گفت : فرزند عمران .

گفت : او فرزند کیست ؟

گفت : فرزند فاهت بن لاوی بن یعقوب .

گفت : برای چه آمده‌ای ؟

گفت : به رسالت از جانب خدا آمده‌ام .

پس دانشمند برخواست و دست او را بوسید . سپس (موسی) در بین ایشان نشست و آنها را خوشدل کرد و دستورات خود را به آنها داد و آنها را متفرق ساخت و از این هنگام تا غرق فرعون و فرج آنها چهل سال طول کشید^(۱) .

عالمان و فرزندگان شیعه نیز باید بدین مهم اقدام کنند ، خلق را با مهدی آل محمد علیهم السلام آشنا کنند ، قلب شیعه را به وجود او محکم نمایند ، اوصاف و فضائل او را باز گویند ، همه شیعه را بیدار کنند که فرج و گشایش جهانیان به دست مبارک حجة بن الحسن العسکری قرار دارد و آن بزرگوار دوره دوم غیبت خود را سپری می‌کند و برای انجام این مهم آمادگی کافی را دارد ، شیعه را به درگاه خدا ارجاع دهند تا در آستانه الهی عجز و ناله کنند و فرج قائم آل محمد را درخواست کنند . در این صورت ، خدای متعال حضرت بقیة الله را آشکار می‌کند ، و گرنه در همان زمانی که در علم الهی گذشته ، آن حضرت را آشکار خواهد فرمود .

به همین مناسبت بود که دعوت نویسنده را در جهت ترجمه و تنظیم این کتاب را پذیرا شدیم . گرچه خود را صالح بر این کار نمی‌دانیم ، اما ران ملخی است تحفه درویش ، و متاعی است اندک بر آستان عزیز مصر وجود . بدان امید که تمامی صاحبان قلم و کلام و جملگی عالمان و فقیهان و همه اندیشمندان و روشن بینان جامعه شیعه بدین مهم اقدام کنند ، هر یک در

۱- اکمال الدین و اتمام النعمة فی اثبات الغیبة ، محمد بن بابویه قمی ملقب به صدوق ، ج ۱ / ۲۴۸ - ۲۵۰ مترجم .

فراخور توان و سِعه دانش و حدود امکانات خود بدین مهم دست یازند ، همه باورمندان ولایت امیرالمؤمنین را به سوی این سفر کرده هزار و صد و شصت و اندی ساله بخوانند ، دل شیعه را در گرفتاریها به او محکم نمایند و همه را به دعای بر قرَج او دعوت کنند . باشد که خدای متعال بر مردم این عصر و زمان منت گذارد و شیعه امروز را در تاریخ مفتخر کند ، و آن عدالت موعود را در سایه قیام شکوهمند حضرت بقیة الله الاعظم در جهان حاکم فرماید و بشریت را از این تنگنا برهاند .

وی نرگس مست تو صف شکن	ای حلقه زلف تو پُر شکن
وی خال تو چون نافه خُتن	ای چشم تو چون آهوی خُتا
مشک از خط تو یافته ثمن	ماه از رخ تو یافته بها
وافکنده‌ای اندر چه ذقن	صد یوسف دل کرده‌ای اسیر
سائل ز کفّت سیف ذو الیزن	چاکر به درت پُور آبتین
وی کعبه آمال مرد و زن	ای قبله اقبال جمله خلق
باشد به مثل شمع انجمن	در محفل توحید روی تو
ای حجت حق پور بوالحسن	بنگر یکی ز لطف سوی ما

جلال برنجیان

خرداد ماه سال ۱۳۷۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَاصَاحِ الْمُهْدِيِّ أَدْرِكُنِي
 اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُنَا بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ
 بِهَا النُّفَاقَ وَ أَهْلَهُ

طلیعه

سپاس و ستایش بی پایان ، آفریننده یکتا و پدیدآورنده دانا و توانائی را سزد که جهان را به پا داشت و سفره نعمت خویش را با مواهب بی شمار ، پهن فرمود. و حمد و ثنا برای ذات یکتا و بی همتا و حکیم لا یزالى باد که انسان را به موهبت ﴿لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾^(۱) مفتخر کرد و او را برترین مصنوع قرار داد ، و با لطف و مرحمت خود ، از او بر سر سفره آفرینش به بهترین وجه پذیرائی نمود و بر این همه نعمت بر او منت نهاد . خدایی که تنها به آفرینش او بسنده نکرد ، بلکه بدو عقل را ارزانی کرد ، و با منور نمودن روح او به نور علم و عقل انسان را بر همه پدیده ها مزیت و برتری بخشید. و به این هم بسنده نکرد ، بلکه برای رشد و ترقی و تکامل و نیل او به سعادت دنیوی و آخروی و کمال مادی و معنوی و بهره‌وری صحیح از این نعمتهای ارزانی شده ، انسانهای کامل و الگوهای فضیلت و

پیشوایان معصوم و راهنمایان دلسوز را، پی در پی به سوی انسانها ارسال داشت، تا ایشان را از اسارت غرائز و شهوت‌های حیوانی و ناپاکی‌های اخلاقی و زشتی‌های عملی و کژاندیشی‌های اعتقادی و بینش‌های غلط فرهنگی و انحرافات اقتصادی برهانند، و خلاصه بشر را از آنچه مانع رشد و کمال است نجات دهند و به اوج مرتبهٔ **﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾**^(۱) برسانند.

و سلام و صلوات بی شمار، بر کاملترین و برترین سفیر الهی حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بر جانشینان گرامی و اوصیاء گرانقدر و اهل بیت پاکیزه او باد، که در راه تحقق این آرمان مقدس، از هیچ رنج و محنت و بلا و مصیبت و زحمت و مشقت نهراسیدند، و بهترین مصداق برای آیه شریفه **﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾**^(۲) بودند، تا آنجا که از همه چیز خود در این مسیر گذشتند.

و عذاب و لعنت نامحدود خدا بر آنانی که در مقابل صراط مستقیم نبوت محمدیّه و ولایت مطلقهٔ علویّه، راههای انحرافی پدید آوردند، و دست خلائق را از ریسمان محکم و حبل متین و عروة الوثقی جدا کردند، و با دور کردن خلق از انوار پرفروغ ائمه هدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بشریّت را به ظلمت و تاریکی گرفتار کردند، و همه سرمایه‌های خدا داد را به یغما بردند، و مسیر جهان را دگرگون ساختند. و چه زیبا قرآن می‌فرماید: **﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ**

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

۲- قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۳۹.

اللَّهِ كُفْرًا وَ أَهْلُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُؤَارِ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا ﴿١﴾ . آری، آنان که پیامبر خدا را آزدند ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾ (۲) ایشان شقاوت ابدی و عذاب سرمدی و نفرت خالق و خلق را برای خود با این ظلم بزرگ فراهم ساختند و بار سنگین انحراف دیگران را نیز به دوش خود گرفتند ﴿لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلسَاءَ مَا يَزُرُونَ﴾ (۳) .

ولی انسانهای نادان و پلید که از دانش و پاکیزگی روی برگردانیده و طالب جهالت و ناپاکی دیگران بوده‌اند، با تمام تلاش خود، نتوانسته جلوی ارادهٔ خدای توانا در جهت تحقق هدایت بشر و جریان مشیت خدا بر مسیر تکامل انسانهای بیدار و مصمم بگیرند، و این جهان را که در واقع جایگاهی برای هدایت بشر است، از مربیان معصوم و دلسوز خالی کنند .

و با تمام مخالفت‌های مردمان بی‌خرد و ناپاک در جهت اضمحلال ارزشهای انسانی و فراموش شدن حقایق الهی، روزی خواهد آمد که زمین از لوث و جود آنان پاک می‌شود و فراعنه و نمرودیان تاریخ - به ویژه آنانی که خانهٔ وحی را به آتش کشیدند و حریم محور انوار الهیه فاطمه زهرا علیها السلام را شکستند - به سزای کارهای ناشایستشان برسند . باری اگر انسان سرگشته و خسته بداند که راه مستقیم کجاست

۱- قرآن کریم، سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۲۸ .

۲- قرآن کریم، سورهٔ احزاب، آیهٔ ۵۷ .

۳- قرآن کریم، سورهٔ نحل، آیهٔ ۲۵ .

و راهنمای حقیقی کیست و چگونه با آرامش در سایه فرمانبری او به مقصد نهایی می‌رسد؟ و اگر انسان تشنه بداند که آب شیرین و زلال در دست کیست و در کدام نقطه است؟ و اگر دانشمندان و نوابغ بدانند که معماهای لاینحل علمی در فنون و علوم مختلف و تمام حقایق جهان هستی در سایه تعالیم عالیه معلّم دانا و معصوم حلّ و روشن خواهد شد؟ و اگر ما بدانیم که با حکومت پیشوای الهی، اوضاع جهان چگونه خواهد بود، و در سایه حکومت او همه مشکلات بر طرف می‌شود و نابسامانیهای فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و خلاصه تمام مشکلات مادی و معنوی بسامان می‌رسد و همه مواهب طبیعی در خدمت انسانها قرار می‌گیرد و همه افراد بشر یکدل در مسیر عدالت و کمال به حرکت می‌افتند، بطور طبیعی حالت انتظار برای ما و همه افراد پیدا می‌شود، دست دعا به سوی خدا برداشته و تحقّق چنین روزی را از او خواستار خواهیم شد، و از اعماق جان و سویدای دل با قلبی شیدا و سوزان و چشمی گریان، با الحاح و تضرّع می‌گوییم: «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ ... مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي أَرْتَضِيْتَهُ لَهُ»^(۱)

اکنون می‌توان یافت که چرا امام باقر علیه السلام هنگام برشمردن پایه‌های اسلام و آیین خود و پدران گرامی و بزرگوارش می‌فرماید:

۱ - شهادت و اقرار به توحید «لا اله الا الله» .

۲ - شهادت به رسالت پیغمبر اسلام «محمد رسول الله» .

- ۳- اقرار و اعتراف به آنچه پیغمبر ﷺ از نزد خدا آورده است.
- ۴- اقرار و اعتراف به ولایت اولیای خدا و ائمه هدی ﷺ .
- ۵- بیزاری از دشمنان ایشان .
- ۶- تسلیم در مقابل فرامین آنان .
- ۷- کوشش در زمینه عمل به وظایف دینی .
- ۸- ورع و پرهیز از گناهان .
- ۹- انتظار قائم آل محمد ﷺ^(۱) .

لذا انتظار حکومت قطب عالم امکان و عصارة خلقت ، یکی از پایه‌های اسلام و از ارکان آیین اهل بیت می باشد .
و به خوبی سّر این مطلب واضح می شود که چرا امام نهم جواد الائمه علیه السلام در قنوت نماز خود برای فرج آن حضرت دعا می کند^(۲) .
و نیز امام یازدهم حضرت ابامحمد حسن عسکری علیه السلام هم خود برای فرج حضرت بقیة الله دعا می کند ، و هم مردمان ستم‌دیده و به ستوه آمده از ظلم ظالمان را بدان فرمان می دهد^(۳) .
امید آن که مطالعه و دقت در مطالب کتاب ، حالت انتظار را در قلب خوانندگان عزیز زیاده‌تر گرداند ، و شوق برپائی حکومت امام زمان حجة بن الحسن العسکری علیه السلام را در روان آنان افزون کند و در دعای بر فرج آن حضرت کوشاتر گرداند .

مِنَ اللّٰهِ التَّوْفِیْقِ وَ عَلَیْهِ التَّكْلَانِ

م. ب. علم الهدی

۱- اصول کافی ، ج ۲ / ۱۸ باب دعائم الاسلام ح ۱۰ .

۲- بحار الانوار ، ج ۸۴ / ۲۲۵ - ۲۲۶ .

۳- بحار الانوار ، ج ۸۵ / ۲۲۹ - ۲۳۳ .

هدف آفرینش

ذات مقدّس پروردگار، حکیم است و از انجام کارهای لغو و بیهوده، منزّه و بریّ است، و آفرینش موجودات را بر اساس حکمتی مهمّ قرار داده است. این هدف به خدای باری تعالی بر نمی‌گردد، زیرا خدای متعال ناقص نیست تا بخواهد با آفرینش بشر به کمالی دست یابد، بلکه این هدف به موجودات و کمال آنها بر می‌گردد.

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى خَلْقَ الْخَلْقِ حِينَ خَلَقَهُمْ
غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ
مَعْصِيَةٌ مِنْ عَصَاهُ وَ لَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مِنْ أَطَاعَتِهِ^(۱).

اما بعد (از ستایش خدا و و ثنای بر رسول او) پس همانا خدای متعال خلاق را آفرید، و در هنگامی که ایشان را آفرید، از اطاعت و فرمانبری ایشان بی‌نیاز و از نافرمانی ایشان در امان

۱- نهج البلاغة، ترجمه و شرح مرحوم فیض الاسلام، ص ۶۱۱، خطبة ۱۸۴.

بود. زیرا سرپیچی کسی که او را عصیان کند، به او زیانی

نمی‌زند. و اطاعت مطیع به او بهره‌ای نمی‌رساند.

و نیز آن حضرت علیه السلام در ضمن یک خطبه طولانی در باب

توحید حق متعال می‌فرماید:

لَمْ يَتَكَاَهُدْهُ صُنْعُ شَيْءٍ مِنْهَا إِذْ صَنَعَهُ، وَ لَمْ يُؤْذِهِ مِنْهَا خَلْقُ مَا بَرَأَهُ وَ خَلْقَهُ، وَ لَمْ يُكَوِّنْهَا لِتَشْدِيدِ سُلْطَانٍ، وَ لَا لِخَوْفٍ مِنْ زَوَالٍ وَ نُقْضَانٍ، وَ لَا لِإِسْتِغَانَةِ بِهَا عَلَى نِدِّ مُكَائِرٍ، وَ لَا لِإِخْتِرَازِ بِهَا مِنْ ضِدِّ مُثَاوِرٍ، وَ لَا لِإِلْزَادِيَادِ بِهَا فِي مُلْكِهِ، وَ لَا لِمُكَاتَرَةِ شَرِيكِ فِي شَرِكِهِ، وَ لَا لِوَحْشَةِ كَانَتْ مِنْهَا فَأَزَادَ أَنْ يَسْتَأْنِسَ إِلَيْهَا، ثُمَّ هُوَ يُفْنِيهَا بَعْدَ تَكْوِينِهَا، وَ لَا لِسَامٍ دَخَلَ عَلَيْهِ فِي تَضْرِيْفِهَا وَ تَدْبِيرِهَا، وَ لَا لِزَاحَةٍ وَاصِلَةٍ إِلَيْهِ، وَ لَا لِثِقَلِ شَيْءٍ مِنْهَا عَلَيْهِ، وَ لَا لِئَمْلَةٍ طَوَّلَ بَقَائِهَا فَيَدْعُوهُ إِلَى سُرْعَةِ إِفْنَائِهَا، لَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ دَبَّرَهَا بِلُطْفِهِ وَ أَمْسَكَهَا بِأَمْرِهِ وَ أَتَقَنَّا بِقُدْرَتِهِ، ثُمَّ يُعِيدُهَا بَعْدَ الْفَنَاءِ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَيْهَا، وَ لَا اسْتِغَانَةَ بِشَيْءٍ مِنْهَا، عَلَيَّهَا وَ لَا لِانْصِرَافٍ مِنْ حَالٍ وَ حَشَّةٍ إِلَى حَالٍ اسْتِيْنَاسٍ، وَ لَا مِنْ حَالٍ جَهْلٍ وَ عَمَى إِلَى حَالٍ عِلْمٍ وَ التَّمَاسِ، وَ لَا مِنْ فَقْرٍ وَ حَاجَةٍ إِلَى غِنَى وَ كَثْرَةٍ، وَ لَا مِنْ ذُلٍّ وَ ضَعْفٍ إِلَى عِزٍّ وَ قُدْرَةٍ^(۱).

ایجاد کردن هیچ یک از مخلوقات، هنگام آفرینش بر او دشوار

نبود. و آفریدن آنچه آورد و آفرید، او را خسته و وامانده

۱- نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه و شرح فیض الاسلام، خطبه ۲۲۸ ص ۷۵۲.

نساخت . و اشیا را هستی نداد برای استوار کردن سلطنت ، و نه برای ترس از نیست شدن و گم گشتن ، و نه برای کمک خواستن از آنها بر همتائی که پیشی گیرد ، و نه برای دوری گزیدن از دشمنی که (بر او) هجوم آورد ، و نه برای زیاده کردن در پادشاهی خود ، و نه برای غلبه یافتن و فخر کردن شریکی در انبازی با او ، و نه وحشت و ترسی که داشته و خواسته با آنها اُنس گیرد .

پس اشیا را بعد از آفریدن آنها نابود می‌گرداند ، نه از جهت دلتنگی که در تغییر آنها از حالی به حالی و تدبیر امور آنها به او عارض شده باشد ، و نه به سبب این که آسایش و آسودگی به او رو آورد ، و نه از جهت آن که چیزی از آنها بر او گران آید ، طول کشیدن هستی آنها او را ملول نکرده تا وادارش نماید که به تندی آنها را نیست سازد .

لیکن خداوند سبحان نظم اشیا را روی لطف و مهربانی‌اش قرار داد ، و به امر و فرمان خود نگاهشان داشت ، و به قدرت و توانائی خود استوارشان گردانید .

پس آنها را بعد از نابود شدن باز می‌گرداند ، بی آن که نیازی به آنها داشته باشد ، و بی کمک گرفتن به یکی از آنها بر آنها ، و نه از جهت بازگشتن از حال وحشت و ترس به حال اُنس ، و نه از جهت رجوع از نادانی و کوری و گمراهی به دانش طلبیدن ، و نه از جهت درویشی و نیازمندی به توانگری و دارائی ، و نه از جهت زبونی و پستی به ارجمندی و توانائی .

خدای متعال تمام موجودات را براساس لطف بی‌کران خود

جهت نیل به کمال آفرید . البته کمال هر موجودی به گونه‌ای ویژه و خاص خود اوست .

برحسب آنچه از آیات به دست می‌آید ، آفرینش دیگر موجودات برای بهره‌وری انسان است . قرآن می‌فرماید :

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾^(۱)

اوست کسی که آنچه در زمین است ، همه را برای شما آفرید .

و لذا در عرف بشر ، اگر گوسفندی بمیرد و کسی از گوشت او بهره‌مند نشود ، آن گوسفند به کمال مطلوب نرسیده است . و اگر میوه‌ای مأكول انسان نگردد ، آن میوه در سیر کمالی خود حرکت نکرده است . کمال نباتات و حیوانات در این است که مورد استفاده انسان قرار گیرند .

خدای متعال در قرآن مجید می‌فرماید که آنچه در زمین وجود دارد همه را در تسخیر انسان قرار داده است .

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ﴾^(۲)

آیا نمی‌بینی که خدا آنچه در زمین است ، (همه) را مسخر شما

گردانید.

و نیز می‌فرماید :

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾^(۳)

۱- سوره بقره ، آیه ۲۹ .

۲- سوره حج ، آیه ۶۵ .

۳- سوره لقمان ، آیه ۲۰ .

آیا نمی‌بینید که خدا آنچه در آسمان و آنچه در زمین است،
(همه) را مسخر شما گردانید .

و باز می‌فرماید :

﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا
مِّنْهُ﴾^(۱۱)

و آنچه در آسمان و آنچه در زمین است، همه آن را مسخر شما
گردانید .

کمال انسان در این است که موجودات ، مسخر اراده او گردد و
اراده‌اش نافذ در پدیده‌های عالم باشد ، و او نیز اراده خود را در
مسیر اراده خدای متعال قرار دهد ، و آنچه حضرت حق از بشر
خواسته آن را انجام دهد ، و هرچه که او نهی فرموده از آن سر باز
زند . و الا نیروی اتم که در اختیار بشر قرار گرفته ، اگر در مسیر
رضایت خدا به کار آید ، کمال بشر است ، اما اگر به صورت
بمبهای نسل برانداز بر روی مردم مظلوم و بی پناه ریخته شود ، و
یا حیات وحش در خطر افتد ، و یا موجب نابودی مراتع و جنگلها
گردد ، این نیروی مسخر بشر ، نه تنها به کمال خود نرسیده ، بلکه
در مسیر قهقرا حرکت کرده است . پس کمال هر موجودی در این
است که استعدادهای نهفته در او آشکار شود ، این نیروها در مسیر
رشد و تعالی خلایق قرار گیرد ، آسایش و آرامش عمومی را به
همراه آورد ، تمامی موجودات - نه تنها انسانها ، بلکه حیوانات و

نباتات نیز - در سایه این تسخیر، زندگی با آرامش داشته باشند، و در سیر واقعی خود در این عالم به تکامل مطلوب نایل شوند. و این کار، تنها در عصر حکومت امام عصر علیه السلام صورت می پذیرد، و موجودات به کمال مطلوب در آفرینش دست می یابند. زیرا رشد و کمال، عواملی می خواهد که آن عوامل، بطور کامل در هیچ دوره ای - حتی در عصر انبیای عظام - جمع نبوده است. زیرا ستمگران بر انبیا و اوصیای انبیا چیره شدند، و مانع انجام اهداف عالیّه آنان گردیدند، حیات هستی را در معرض مخاطره قرار دادند، فساد را در برّ و بحر گستردند، و مسیر هستی را از سیر کمالی خود منحرف کردند. به ویژه در عصر اسلام، که با غضب خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام، بیچارگی و درماندگی را از صدر اسلام تا به امروز رقم زدند، و حکم نابودی بشریت را تا به امروز صادر کردند، و باب رحمت الهی را - که قرار بود از آستانه اهل البیت به جهانیان برسد - مسدود کردند. اینان احکام خدا را که در کتاب خود برای احیای بشر صادر شده بود، واژگونه در جهان جلوه دادند. تنها گروهی اندک به لطف الهی بر آستانه اهل البیت راه یافتند، و در زمره شیعیان و دوستان این خاندان قرار گرفتند. جز آنها دیگر خلائق از لطف عمیم الهی محروم شدند. چه نسلی که نابود شد، چه ناموسها که به باد رفت، چه خونها که به ناحق ریخته شد، و چه مالها که تلف شد. ولی خدای متعال، به لطف بیکران خود، آخرین خلیفه خود را در پرده غیبت مستور داشت، و او را برای اقامه حکومت الهیه ذخیره فرمود و در کتاب مقدّس

خود قرآن مجید ، به همگان وعده داد که :

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ
لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ
بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^(۱).

خداوند به آنانی از شما که ایمان آورده‌اند و نیکوئیها را بجای
می‌آورند ، وعده فرموده است که ایشان را در زمین جانشینان
(خویش) قرار دهد - همچنان که پیشینیان از ایشان را جانشین
گردانید - و آیینی که برای ایشان پسندیده است ، ریشه‌دار و
پایدار سازد . پس از [دوران] ترس ایشان ، آرامش و امنیت را
برایشان برقرار سازد [تا] مرا بپرستند و برای من چیزی را
شریک و انباز قرار ندهند .

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

آری ، بنا به نصوص آیات و روایات ، در عصر حکومت پر
برکت بقیه الله الاعظم است که تمام موجودات عالم خلقت به
کمال می‌رسند ، بر تمام روی زمین گیاه می‌روید ، آسمان در نهایت
رحمت ، باران فرو می‌ریزد ، معادن و گنوز ظاهر می‌شوند ، بلاد
وسعت پیدا می‌کند ، زمین نور باران می‌شود ، حیوانات با یکدیگر
صلح می‌کنند و در تحت فرمانروایی انسانها خواهند بود ،

حیوانات برای انسانها خطرناک نخواهند بود، دانش و بینش رشد می‌یابد، عبودیت نفس به اتمام می‌رسد، ظلم و ستم برچیده می‌شود، اموال در مسیر حق قرار می‌گیرند، عمرها طولانی می‌شود، امراض جسمی و روحی زایل می‌شود، بت و بت پرستی برچیده می‌گردد، حقایق پنهان در سطر به سطر قرآن و کلمه به کلمه آن آشکار می‌شود. خلاصه، تمام استعدادهای بدنی و روحانی انسان به فعلیت می‌رسد و در مسیر عبادت و بندگی قرار می‌گیرد. و اگر یک انسان، استعداد نیل به کمالات علمی در فنون مختلفه را داشته باشد، به آنها می‌رسد. بنابراین حکومت امام عصر علیه السلام تحوّل اساسی و عمیق از نقص به کمال برای ما سوی الله است.

برای بررسی این موضوع ناگزیریم در چند بخش به آیات و احادیث اشاره کنیم.

بخش اول

کمال زمین از جهت رویش گیاه و نزول باران

نزول برکات خدا بر بشر، به عوامل گوناگونی بستگی دارد که یکی از عوامل مهم آن، بندگی و درستکاری بشر است. خدای متعال می‌فرماید:

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ
مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ)^(۱)

اگر اهل شهرها ایمان بیاورند و پروا پیشه کنند، ما برکاتی از آسمان و زمین را بر ایشان می‌گشاییم. ولیکن آنان (حقایق ایمانی را) دروغ انگاشتند، پس ما ایشان را، به دلیل کارهایی که کردند (به سختی و عذاب) گرفتیم.

بشر گناه می‌کند و فرامین خدا را زیر پا می‌گذارد. لذا حضرت حق، نِعَمَت‌های خویش را از بشر به خاطر گناهان ایشان سلب

۱- قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۹۶.

می‌کند . و بالاترین گناه ، انکار خدای متعال و تکذیب انبیا و اوصیای انبیا است . تنها در دوران حضرت بقیّة الله الاعظم است که در این گناهان بسته می‌شود ، بشر رو به صلاح می‌آورد و گوش به فرمان حجّت خدا می‌دهد و در مسیر بندگی خدا - آن چنان که خدا خواسته - می‌افتد . و لذا از برکات خالق منان در حیات دنیوی بهره‌مند می‌شود ، و برکات آسمانی و نعمت‌های زمینی بر او نازل می‌گردد .

در ضمن حدیث الاربعمائه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که

فرمودند :

بِنَا يَفْتَحُ اللَّهُ وَ بِنَا يَخْتِمُ اللَّهُ ، وَ بِنَا يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَ بِنَا يُثَبِّتُ ، وَ بِنَا يَدْفَعُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ وَ بِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ ، فَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ مَا أَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَةً مِنْ مَاءٍ مُنْذُ حَبَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ . وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمًا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ أَصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ السَّمْرَاءُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ إِلَى رَأْسِهَا زَبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ^(۱) .

۱- بحار الانوار؛ ج ۵۲؛ ص ۳۱۶

در بحار الانوار؛ جلد ۱۰؛ ص ۱۰۴ عبارت منقوله به این صورت است : «علی رأسها زینتها» .

در تحف العقول ، اثر ابن ابی شعبة حرّانی عبارت منقوله به این صورت است : «علی رأسها زنبیلها» .

خداوند دین را به وسیله ما گشود و هم به وسیله ما ختم می‌کند. به وسیله ما خدا آنچه را بخواهد محو می‌کند و هرچه خواهد باقی می‌گذارد. و به وسیله ما سختی زمانه را بر طرف می‌سازد و باران به سبب ما فرو می‌فرستد. پس فریبدهای شما را نسبت به خدا نفریبد. که آسمان باران خود را فرود نمی‌آورد از آنگاه که خدای عز و جل آن را باز دارد. و اگر قائم ما قیام کند، آسمان باران خود را فرو می‌ریزد و زمین نباتات خود را بیرون می‌دهد و کینه‌ها از دل بندگان خدا زایل می‌شود و درندگان و حیوانات (اهلی) با هم صلح می‌کنند (و حیوانات اهلی از درندگان نمی‌گریزند)، تا جائی که زنی که می‌خواهد راه عراق و شام را بییماید، همه جا قدم بر روی سبزه و گیاهان می‌گذارد و زینتهای خود را بر سر دارد (و کسی طمع به آن نمی‌کند)، و نه درنده‌ای به او حمله می‌آورد و نه او را درندگان به وحشت می‌آورند.

و نیز از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده که فرمودند :
... فَكَذَلِكَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلْبٍ^(۱)
مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ النَّاسِ يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَ يَعِصِمُهُ
أَنْصَارَهُ وَ يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ وَ يُظْهِرُهُ عَلَى الْأَرْضِ ، حَتَّى
يُدِينُوا طَوْعًا وَ كَرْهًا . يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا وَ
بُرْهَانًا .

يَدِينُ لَهُ عَرَضُ الْبِلَادِ وَ طَوْلُهَا حَتَّى لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ وَ

لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ .

وَتَصْطَلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ تُنْزِلُ
السَّمَاءُ بَرَكَاتَهَا وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ ...

... و (اوضاع) این چنین خواهد بود ، تا آنکه خدا در آخر الزمان
و دوران شدت روزگار و عصر نادانی مردمان ، مردی را
برانگیزد ، و او را به فرشتگان خود یاری فرماید ، و یاران او را
(از خطا) نگاه دارد ، و او را به نشانه‌های خود یاری دهد ، و او را
بر تمام زمین چیره فرماید ، تا این که (مردم) از روی میل و (یا
ظالمان) از روی اکراه دین را بپذیرند . زمین را از عدل و داد و
نور و برهان پر کند ، شرق و غرب زمین از آیین او پیروی کنند ،
تا آن که کافری باقی نماند مگر این که ایمان آورد ، و گناهکار و
پلیدی نماند مگر این که صالح شود . در حکومت او درندگان با
هم صلح می‌کنند و زمین نباتات خود را خارج می‌کند و آسمان
برکات خود را می‌بارد و (زمین) گنجهای خود را آشکار می‌کند.

و نیز در روایت دیگری راوی از امام معصوم علیه السلام نقل می‌کند :

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ أَرْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ
بِهِ السُّبُلُ ، وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى
أَهْلِهِ . وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ دِينٍ حَتَّى يَظْهَرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا
بِالْإِيمَانِ . أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ : ﴿ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي
السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴾ (۲) وَ

۱- بحار الانوار؛ ج ۵۲، ص ۲۸۰.

۲- سوره آل عمران، آیه ۸۳.

حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ ﷺ . فَحِينَئِذٍ
تَظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي بَرَكَاتِهَا . وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ
مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِيُصَدِّقْتَهُ وَ لَا لِيُرِّهَ ، لِشُمُولِ الْغِنَى
جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ .

ثُمَّ قَالَ : إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ . وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتِ هُمْ دَوْلَةٌ
إِلَّا مَلِكُوا قَبْلَنَا ، لِيَأْتِيَ قَوْلُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا : إِذَا مَلِكْنَا
سِرْنَا بِهِ مِثْلَ سِيرَةِ هُؤُلَاءِ . وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى : ﴿ وَ
الْغَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾ .

زمانی که قائم قیام نمود ، به عدالت حکم می کند . و در روزگار
او ظلم و ستم از میان می رود ، و راهها امن می شود . و در این
هنگام ، زمین برکات خود را بیرون می دهد و هر حقی به
صاحب حق داده می شود . و پیروان هیچ دینی باقی نمی مانند ،
مگر این که اظهار مسلمانی می کنند و با ایمان شناخته می شوند .
نشیده‌ای که خداوند می فرماید : ﴿ و برای او است آنچه در
آسمان و زمین است که به میل و اکراه تسلیم می شوند ، و به
سوی ما باز می گردند ﴾ و میان مردم به حکم داوود و حکم
محمد ﷺ حکومت می کند . و در این هنگام ، زمین گنجهای
خود را ظاهر می کند و برکاتش را آشکار می سازد . و مردی از
شما جائی برای صدقات خود و انفاقهای خویش پیدا نمی کند ،
به خاطر همگانی شدن بی نیازی میان مؤمنان .

سپس حضرت فرمود : دولت ما آخرین دولت‌هاست ، و هیچ

خاندانی باقی نمی‌ماند که برای آنان دولت و سلطنتی باشد مگر این که پیش از ما به سلطنت می‌رسند ، تا هنگامی که ما بر سر کار آمدیم و روش دولت ما را دیدند ، نگویند : اگر ما به سلطنت می‌رسیدیم مانند ایشان عمل می‌کردیم . و این است (معنی) سخن خدا که می‌فرماید : ﴿سَرَّانِجَامِ کَارِ ، اَز اَنِ پَرَوَایِشِگَانَ اَسْتِ﴾ .

در روایت دیگری حضرت باقر علیه السلام فرمودند :

يُقَاتِلُونَ وَاللَّهِ حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ وَ لَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ ، وَ حَتَّى يُخْرِجَ الْعَجُوزَ الضَّعِيفَةَ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ ، وَ لَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ ، وَ يُخْرِجَ اللَّهُ مِنَ الْأَرْضِ بَذَرَهَا وَ يَنْزِلَ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرَهَا ...^(۱)

به خدا سوگند (یاران مهدی) می‌جنگند ، تا آنجا که خدا به یکتائی شمرده شود و کسی به او شرک نرزد ، و تا آن که پیر زنی ناتوان از مشرق به قصد مغرب خارج می‌شود و کسی جلوی او را نمی‌گیرد ، و خدا از زمین بذرها را بیرون می‌آورد و از آسمان باران آن را فرو می‌فرستد ...

این موضوع به قدری مسلم و قطعی است که خدای متعال در دیگر کتب آسمانی نیز این موضوع را بیان فرموده است .
سید بن طاووس در کتاب «سعد السعود» گوید که من در صحف ادریس نبی علیه السلام یافتم (که نوشته بود) :

... وَ أَنْزَلُ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ، وَ تَزْهَرُ الْأَرْضُ
بِحُسْنِ نَبَاتِهَا وَ تَخْرُجُ كُلُّ ثَمَارِهَا وَ أَنْوَاعَ طَيِّبَاتِهَا^(۱) .

... و برکات از آسمان و زمین فرو می‌ریزم . و زمین با گیاهان و
سبزه خود نزهت می‌گیرد ، و (هر درختِ ثمردار و عطر آگینی)
میوه‌های خود و بوهای خوش خود را بیرون می‌دهد .

دیگر نه طبیعت سرکشی خواهد کرد ، نه زلزله‌ای خانه برانداز
پیا می‌شود ، نه سیل‌های مهیب جاری می‌گردد ، نه آسمان تازیانه
کوبنده طوفان خویش را بر خانه‌ها خواهد کوفت ، نه دریاها
طغیان می‌کند ، و نه آتشفشانها پیا می‌گردد . زیرا دوران عصیان
سپری شده ، زمان طغیان گذشته و عصر تاریک غیبت به اتمام
رسیده است . باران می‌بارد اما به نرمش ، باد می‌وزد اما به آرامش ،
و زمین می‌گردد اما به آسایش . در تمامی گیتی ، طراوت و لطافت
پدید می‌آید ، و ظهور لطافت صنع الهی در آن عصر خواهد بود .
طراوت گلها ، لطافت باران ، ظرافت پرندگان و زیبایی آسمان ، در
آن عصر به کمال خود می‌رسد . به هر کجا که انسان پای نهد ، جز
سبزی و نرمی و لطافت و ظرافت نخواهد دید .

بخش دوم

قرار گرفتن زمین در اختیار افراد برای کار

خداوند متعال ، زمین را برای آن آفریده که بشر روی آن کار کند و از استعدادِ رویش زمین استفاده نماید ، با بهره‌گیری از منابع طبیعی و امداد از تأییدات الهی به عمران و آبادانی زمین پردازد ، و در محیط طبیعت - آن سان که خدا خواسته است - به کار و تلاش پردازد . آنگاه در سایه این کوشش ، خود نیز از مواهب الهی بیشتر بهره‌مند گردد . این بدان معنی نیست که خدای متعال در این کار خود عاجز از این اقدامات باشد، بلکه بنا بر اصل اختیار و آزمایش، چنین بنا گذاشته است که نظم بخشی از طبیعت را بر عهده انسان بگذارد ، تا در این راستا انسانها نیز آزموده شوند . و اگر از مسیر رضایت حق سر باز زدند ، بیچارگی و بدبختی را خود برای خود رقم زنند .

خداوند در قرآن می‌فرماید :

﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ ضَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ

مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا
فَاَسْتَغْفِرُوا لَهُ ثُمَّ تُوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ﴿٦١﴾

و برادر ایشان صالح را به سوی قوم ثمود به رسالت فرستادیم .
(صالح به قوم خود) گفت : ای قوم من خدا را بپرستید ، برای
شما معبودی جز او نیست ، اوست که شما را از زمین آفرید و
برای عمارت و آباد کردن زمین برگماشت ، پس شما از خدای
خود آمرزش بطلبید و به درگاه او پناه برید و از لغزش و گناهان
توبه کنید که البته خدای من نزدیک است و اجابت کننده
(دعاها) است .

ولی تاریخ نشان می دهد که افساد بشر در طبیعت بیش از
اصلاح بوده ، و چون اقدامات بشر ، نوعاً تنهی از دو اصل " دانش " و
" انصاف " می باشد ، لذا اقدامات آبادانی ، یا بر اثر بی دانشی و
عدم احاطه کامل ، یا فسادش بیش از صلاح شده است و یا منافع
شخصی و اغراض گروهی ، مسیر طبیعت را در جهت بهره‌وری
گروهی اندک ، سوق داده و بسیاری از انسانها را از حق حیات
طبیعی محروم نموده است .

در دوران پر برکت حضرت مهدی علیه السلام است که تمام زمین به
حکم یک شهر خواهد شد ، و از ساختمانهای به هم پیوسته
برخوردار می شود ، و زمین برای عمران و آبادانی در دست بندگان
صالح خدا قرار می گیرد . چنان آبادانی در زمین پدید می آید که با
نیازهای واقعی بشر مطابقت داشته ، و حقوق واقعی بشر در این

قرار گرفتن زمین در اختیار افراد ... / ۵۹

عمران نادیده نماند. از عماراتی که آسایش همسایگان را به خطر اندازد، خبری نخواهد بود. و از بزرگراهائی که موجب ملالت اطرافیان آن مسیرها گردد، نشانی نمی‌توان جست. حتی ناودانهای خانه‌هایی که برگذراهای عمومی می‌ریزند، مسدود می‌گردد. فاضلابهای شهری، حیات مردم کم‌توان را به خطر نخواهد انداخت. از صداهای مهیب جتها و هواپیماهای غول پیکر که خواب و آسایش را از اطرافیان فرودگاه سلب می‌کنند، نشانی نخواهد بود. دیگر از دودهای تولید شده از خودروها که آسایش شهروندان را به خطر افکند، خبری نخواهد بود. راههای سراسری میان کشورها کشیده می‌شود. تمامی دشتهای خشک و بی‌آب و علف سرسبز خواهد شد. کویرهای تفتیده به جنگلهای سرسبز و با درختانی انبوه بدل می‌گردند. چشمه‌های خوشگوار در تمامی زمین جاری می‌گردد، رودها و آبشارها پر آب خواهند شد. سرزمینهای کم‌آب با بارانهای آسمانی و رودهای زمینی آبیاری می‌شوند. نه از گرماهای سخت غیر قابل تحمل، خبری هست و نه از سرمای جان‌سوز.

ابی خالد کابلی گوید: حضرت باقر علیه السلام فرمودند:

وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾. فَمَنْ أَخَذَ أَرْضًا مِنْ الْمُسْلِمِينَ فَعَمَرَهَا فَلْيُؤَدِّ خَرَاஜَهَا إِلَى الْإِمَامِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، وَ لَهُ مَا أَكَلَ مِنْهَا حَتَّى يَظْهَرَ الْقَائِمُ عليه السلام مِنْ أَهْلِ بَيْتِي بِالسَّيْفِ، فَيَحْوِيهَا وَيَخْرِجُهُمْ عَنْهَا كَمَا حَوَاهَا رَسُولُ

اللَّهُ ﷻ إِلَّا مَا كَانَ فِي أَيْدِي شِيعَتِنَا فَإِنَّهُ يُقَاتِعُهُمْ عَلَى
مَا فِي أَيْدِيهِمْ وَيَتْرُكُ الْأَرْضَ فِي أَيْدِيهِمْ».

در کتاب علی علیه السلام یافتیم (که نوشته بود) «همانا زمین از آن خداست، آن را به هر که از بندگان که بخواهد به ارث خواهد داد، و سرانجام کار، از آن پرواپیشگان است». هر یک از مسلمانان زمینی را بگیرد که آن را آباد کند، باید خراج آن را به امام از اهل بیت من بدهد. و بر اوست آنچه را که از (منافع) آن زمین می خورد. تا آن که قائم علیه السلام از ما اهل بیت به شمشیر قیام کند و بر زمین چیره شود. پس آن زمینها را در اختیار می گیرد و ایشان را از آن زمینها اخراج می نماید، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنها را در اختیار گرفت، مگر آن زمینهایی که در دست شیعیان ما باشد. پس او آن زمینها را در میان ایشان تقسیم می کند و زمین در اختیار شیعیان ما قرار خواهد گرفت.

چه خوش زمان وصال و چه خوش زمان ظهور

چه خوش صلاهی عدالت، چه خوش کرشمه نور

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مَنَهَجَهُ»

«خدایا در فرج او شتاب کن و امر قیامش را آسان

نما و راه او را گشاده گردان.»

زود درآ و شبستان ما منور کن هوای مجلس روحانیان معطر کن

ستاره شب هجران نمی فشاند نور به بام قصر برآ و چراغ مه بر کن

بخش سوم

ظاهر شدن معادن، گنج ها، جمع اموال، تقسیم اموال عمومی و بیت المال به تساوی

در دوران دولت آل محمد علیهم السلام تمامی عوامل فساد آفرین و ستمگر را حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه از میان می برد؛ نه کسی بر زمینی ها می تواند ستم کند، نه فردی حق ظلم بر پرندگان را دارد، نه به شخصی اجازه آزار درندگان بیابان داده می شود و نه گروهی می توانند حیات موجودات دریایی را در معرض مخاطره قرار دهند. جملگی کائنات به سرور می آیند، همگان شادان می شوند، مردمان خوشدل و خندان می گردند، حتی موجودات وحش نیز در سایه حکومت عدل گسترش به آرامش و آسایش دست می یابند.

خوشا به حال آن مردمانی که آن دوران را درک کنند، و در آن زمان، در کنار عصارة هستی حضرت مهدی علیه السلام عدالت اجتماعی اسلام را ببینند. در دوران قیام شکوهمند مهدی آل محمد علیهم السلام

راهها امن می‌گردد و دزدی و تباهی از میان می‌رود . نه کمبود وجود دارد که کسی دست به دزدی بیالاید ، نه قوانین دست و پاگیر در امر ازدواج باقی می‌ماند که موجب بی‌عفتی شود ، نه از عوامل پرخاشگری اثری می‌ماند که افراد ناخواسته بر هم درشتی کنند . نه پدر و مادر را حقّ گزاف گوئی بر فرزندان خواهد بود و نه کودکان را اجازهٔ مخالفت با پدران و مادران . نه شوهر بر زن خویش درشتی می‌کند و نه زن مخالفت امر شوهر . دامنهٔ الفت بدانجا می‌رسد که گویا همسایگان اعضای یک خانواده هستند . در کشور مهدی آل محمد شهروندان از همدیگر و مردم از حکمرمایان و حکمرانان از مردم در امان خواهند بود.

از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده که گوید : شنیدم که

رسول خدا ﷺ می‌فرمودند :

إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ كَانَ عَبْدًا ضَالِحًا ، جَعَلَهُ اللَّهُ حُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ ، فَدَعَا قَوْمَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَمَرَهُمْ بِتَقْوَاهُ ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ ، فَغَابَ مِنْهُمْ زَمَانًا حَتَّى قِيلَ مَاتَ ، أَوْ هَلَكَ بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ ، ثُمَّ ظَهَرَ وَ رَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ .

أَلَا وَ فِيكُمْ مَنْ هُوَ عَلَى سُنَّتِهِ ، وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَكِّنَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ آتَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا وَ بَلَغَ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ .

وَ إِنَّ اللَّهَ سَيَجْرِي سُنَّتَهُ فِي الْقَائِمِ مِنْ وُلْدِي وَ يَبْلُغُهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا ، حَتَّى لَا يَبْقَى سَهْلٌ وَ لَا مَوْضِعٌ مِنْ

ظاهر شدن معادن ... / ۶۳

سَهْلٍ وَ لَا جَبَلٍ وَ طَيْئُهُ ذُو الْقَرْنَيْنِ إِلَّا وَ طَيْئُهُ ، وَ يَظْهَرُ اللَّهُ
لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ مَعَادِنَهَا ، وَ يَنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ يَمَلَأُ
الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا^(۱) .

همانا ذوالقرنین بنده صالحی بود . خدای عزّ و جلّ او را حجت
بر بندگانش قرار داد . قوم خود را به سوی خدای عزّ و جلّ فرا
خواند و ایشان را به پروا پیشگی از او فرمان داد . آنها بر فرق او
زدند . پس او از میان ایشان روزگاری پنهان شد تا آن که گفتند:
او مرده است یا هلاک شده و به کدام سرزمین رفته است . سپس
آشکار شد و به سوی قوم خویش برگشت . پس بر فرق او
کوبیدند .

و همانا در میان شما کسی هست که بر روش او می باشد . و
همانا خدای عزّ و جلّ زمین را در تمکین او قرار داد و به او از هر
چیزی اسبابی عطا فرمود ، و او به مشرق و مغرب دست یافت .
و همانا خدا به زودی روش او را در قائم از فرزندان من جاری
می سازد ، و او را به شرق و غرب می رساند ، تا آن که دشتی و
موضع از دشتی و نه کوهی باقی نماند که ذوالقرنین بدان رسیده
باشد ، مگر این که او نیز بدانجا پای نهد . و خدا گنجهای زمین
و معادن آن را برای او آشکار می کند ، و او را به ترسیدن
(دشمنان از او) یاری می کند . او زمین را از عدل و داد پر
می کند . همچنان که از ستم و بیداد پر شده باشد .

از مفضل بن عمر روایت شده که گفت : از حضرت صادق علیه السلام

شنیدم که می فرمود :

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا ، وَ اسْتَعْنَى
الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ ، وَ ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ ... وَ تُظْهِرُ
الْأَرْضَ كُنُوزَهَا حَتَّى تَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا ، وَ يَطْلُبَ
الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ ، لَا يُوجَدُ
أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ ، اسْتَعْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ
فَضْلِهِ ^(۱) .

چون قائم ما قیام کند ، زمین با نور پروردگارش روشن گردد ، و
مردم از نور خورشید بی نیاز گردند ... و زمین گنجهای خود را
آشکار می کند به طوری که مردم آنها را روی سطح زمین
می بینند . و مردی از شما فرد مستمندی را می جوید که به او
انفاق کند و زکات مال را از او بپذیرد ، ولی کسی را پیدا نمی کند
که آن مال را از او بگیرد ، زیرا مردم به آنچه خدا به آنان از
فضل خود ارزانی می کند ، بی نیاز شده اند .

طبیعی است که بی نیازی مردم از نور خورشید در عصر ظهور،
به معنی زوال خورشید و فواید آن نیست ، همچنان که امروزه با
کشف برق و بهره وری مردم از روشنائی چراغها در شب ، از نور
ماه در شبها بی نیاز شده اند . اما این بی نیازی از نور مهتاب در
شبها، به معنی بطلان فواید ماه نمی شود ، بلکه این بی نیازی تنها
در جهت نور ماه برای روشنائی می باشد .

از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده که فرمودند:

... فَكَذَلِكَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ ... وَ
تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَتَهَا وَ تُنَزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَاتَهَا وَ تَظْهَرُ لَهُ
الْكُنُوزُ ... ۱

... و (اوضاع) این چنین خواهد بود تا آنکه خدا در آخر
الزمان ، مردی را برانگیزد ... و زمین نباتات خود را خارج
می‌کند و آسمان برکات خود را می‌بارد و (زمین) گنجهای خود
را آشکار می‌کند.

از جابر از حضرت ابا جعفر امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند :

إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ ، قَسَمَ بِالسُّوْيَةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ ،
فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ . وَ
إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يُهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِيٍّ . وَ يَسْتَخْرِجُ
التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ غَارٍ بَانِطَاكِيَّةٍ . وَ
يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ ، بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ
بِالْإِنْجِيلِ ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ
بِالْقُرْآنِ . وَ يُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ
ظَهْرِهَا ، فَيَقُولُ لِلنَّاسِ : تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ
سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ ، فَيُعْطِي شَيْئًا لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ . وَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ
عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا ، كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ شَرًّا ۲.

هرگاه قائم ما اهل بیت قیام کند ، اموال را به مساوات تقسیم

۱- بحار الانوار : ج ۵۲ ، ص ۲۸۰ .

۲- بحار الانوار : ج ۵۲ ، ص ۳۵۱ .

می‌کند ، و در میان مردمان عدالت را برقرار می‌دارد . پس هر که او را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده ، و هر که او را عصیان کند خدا را عصیان نموده است . و همانا او « مهدی » نامیده شده ، زیرا به امور پنهان هدایت می‌شود . و تورات و دیگر کتابهای خدای عزّ و جلّ را از غاری در انطاکیه خارج می‌کند . و میان اهل تورات ، به تورات و میان اهل انجیل ، به انجیل و میان اهل زبور به زبور ، و میان اهل قرآن به قرآن حکم می‌کند . اموال دنیا از درون زمین و از برون آن برای او جمع می‌شود . آنگاه به مردم می‌گوید : بیایید به سوی چیزی (اموال) که به خاطر آن قطع ارحام کردید و خونها را به حرام ریختید ، و به خاطر آن ، حرامهای خدای عزّ و جلّ را مرتکب شدید . و او (اموال را) چنان می‌بخشد که کسی قبل از او نبخشیده باشد . و زمین را از عدل و داد و نور پر می‌کند ، چنان که از ظلم و بیداد و پلیدی پر شده باشد .

و باز از جابر از حضرت ابا جعفر امام باقر علیه السلام نقل شده که

فرمودند :

أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ الْقَائِمُ عليه السلام بِأَنْطَاكِيَّةٍ فَيَسْتَخْرِجُ مِنْهَا التَّوْرَةَ ... وَ يُعْطِي النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَ يَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَ يَسْوِي بَيْنَ النَّاسِ ... وَ يُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلُّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرِهَا ، فَيَقَالُ لِلنَّاسِ : تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ الْمُحَارِمَ ، فَيُعْطِي عَطَاءً لَمْ يُعْطِهِ

أَحَدٌ قَبْلَهُ^(۱) .

اول کاری که قائم علیه السلام می کند در انطاکیه است . پس تورات را از آنجا خارج می کند ... و به مردم در سال دو بار انعام می فرماید و در هر ماه دو بار ارزاق را ارزانی می کند و میان مردم مساوات را برقرار می دارد ... و اموال دنیا از درون زمین و از برون آن برای او جمع می شود . پس به مردم گفته می شود : بسایید به سوی چیزی که به خاطر آن قطع ارحام کردید و خونها را به حرام ریختید و به خاطر آن حرامهای خدای عزّ و جلّ را مرتکب شدید . و او (اموال را) چنان می بخشد که کسی قبل از او نبخشیده باشد .

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند :

مَوْسَعٌ عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يُنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ .
فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حُرِّمَ عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزُهُ ، حَتَّى يَأْتُوهُ بِهِ وَ
يَسْتَعِينُ بِهِ^(۲) .

(الآن) بر شیعیان ما توسعه (در حکم) داده شده است که از آنچه در دستشان است ، به نیکی اعطا کنند . پس هرگاه که قائم ما قیام کند ، بر هر صاحب گنجی گنج او حرام می شود ، تا آن که آن گنج را به سوی آن حضرت ببرد ، و به وسیله آن ، حضرتش را یاری کند .

راوی از امام معصوم علیه السلام نقل می کند :

۱- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۹۰ .

۲- وسائل الشیعة ؛ ج ۱۶ ؛ ص ۳۸۱ .

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ أَرْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ ... وَ
حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَحِينَئِذٍ
تَظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي بَرَكَاتِهَا ...

زمانی که قائم قیام نمود ، به عدالت حکم می‌کند . و در روزگار
او ظلم و ستم از میان می‌رود ... و میان مردم به حکم داوود و
حکم محمد ﷺ حکومت می‌کند . و در این هنگام ، زمین
گنجهای خود را ظاهر می‌کند و برکاتش را آشکار می‌سازد ...

خداوند چنین مقدر داشته است که آن بهشت زمینی را ، در
دورانِ مسرتِ آفرینِ آخرینِ خلیفه‌اش حضرت مهدی ﷺ آشکار
فرماید ، تا بوی گل و سنبل ، تمام فضا را عطرآگین کند ، و درختان
سر بر فلک کشیده ، سایه خویش را بر زمین بگسترانند ، و آهوان و
پرندگان در پیشه زارانش به جست و خیز و پرواز پردازند ، تا
همگان ، توانِ خلیفه الهی را در زمین مشاهده کنند .

ای عید من ، ای بهار روحانی	ای ماه من ، ای نگار بی همتا
نوروز توئی و نو بهاران تو	کز طلعت تو جوان شود دنیا
چون از خم زلف ، چهره بنمائی	خورشید برآید از شب یلدا
بگشای کمر که تا کمر بندد	در خدمت تو در آسمان جوزا
افلاک مطیع تو به یک فرمان	آفاق مسخرت به یک ایما
شخص تو جهان پیر بُرنا کرد	از دانش پیر و طالع بُرنا

بخش چهارم

وسعت بلاد و نورانی شدن زمین

خدای متعال ، این جهان را - با این گستردگی و بزرگی - فقط برای نمایش نیافریده است . و این همه سیارات و منظومه‌ها و تیّرات را عبث خلق نفرموده ، و این زمین پهناور - با این امکانات - را تنها برای بهره‌وری جانوران و حشرات و گیاهان و حشی خلق نفرموده است . آفریدگار مهربان ، وعده فرموده که این طبیعتِ سرکش را در اختیار بشر قرار دهد ، و خلائق را از منافع آنها بهره‌مند فرماید . کویرهای تفتیده و صحراهای پهناور خشک و بیابانهای انباشته از رملهای روان را ، روزی به گلستانهای پر طراوت تبدیل خواهد کرد . و این هستی را در پناه ولیّ خود حضرت بقیّة الله الاعظم به چنان جهان زیبا و تبدیل می فرماید که مردگان در آن عصر ، آرزوی زندگانی دنیائی را خواهند نمود . در آن روز ، تمام گریختگان از دایره تنگ این جهان ، چنان زمین و آسمان را پهناور و پر نعمت خواهند دید که دگر بار میل به باز

گشت به این جهان را می‌کنند ، نه کسانی که در عذاب الهی معذب هستند ، بلکه آنانی که در نعمت‌های خداوندی متلذذ می‌باشند .

امیرالمؤمنین علیه السلام در فرازی از خطبه خود می‌فرمایند :

وَلْتَعْرِضَنَّ عَلَيْنَا الدُّنْيَا بَعْدَ شِمَائِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى
وَلَدِهَا . وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ : ﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ
أَسْتَضِعُّوْا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ
الْوَارِثِينَ ﴾^(۱)

دنیا دگر بار - پس از سرپیچی آن - به سوی ما روی می‌آورد به
سانِ ماده شتر بدخوئی که فرزندان را می‌گزد ، اما به سوی
فرزندش روی می‌آورد . سپس حضرت در ادامه این خطبه
(این آیه را تلاوت کردند که خدای متعال می‌فرماید) : « و ما
چنین اراده کردیم که بر ناتوان شدگان زمین منت گذاریم و
ایشان را امامان قرار دهیم و ایشان را وارثان (زمین) کنیم » .

جهان همیشه به کام ظالمان نخواهد ماند ، زمین چنین تنگ و
تاریک نخواهد بود ، خوبان همیشه مطرود نخواهند ماند ، و پاکان
همیشه تنها و بی‌کس نخواهند بود .

مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید

که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید

از مفضل بن عمر روایت شده که گفت : از حضرت صادق علیه السلام
شنیدم که می‌فرمود :

۱- ترجمه و شرح نهج البلاغه ، مرحوم فیض الاسلام ، ص ۱۱۸۰ ، حکمت ۲۰۰ ؛
شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید معتزلی ، ج ۱۹ ، ص ۲۹ .

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا . وَ اسْتَعْنَى
الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ ... وَ يُبْنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ
مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ ، وَ يَتَّصِلُ بُيُوتُ الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَا
وَ بِالْحَيْرَةِ ، حَتَّى يَخْرُجَ الرَّجُلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى بَغْلَةٍ
سَفْوَاءٍ^(۱) يُرِيدُ الْجُمُعَةَ فَلَا يُدْرِكُهَا^(۲) .

چون قائم ما قیام کند ، زمین با نور پروردگارش روشن گردد و
مردم از نور خورشید بی نیاز گردند ... و در پشت کوفه (نجف)
مسجدی را بنا می‌کند که هزار در خواهد داشت . و خانه‌های
کوفه به نهر کربلا و به حیره متصل می‌شود ، تا این که مرد در
روز جمعه با استری کوچک و تندرو به قصد نماز جمعه خارج
می‌شود ، ولی به نماز نمی‌رسد .

* ابو بصیر در ضمن حدیثی گوید :

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ دَخَلَ الْكُوفَةَ . وَ أَمَرَ بِهَدْمِ الْمَسَاجِدِ
الْأَرْبَعَةِ ، حَتَّى يَبْلُغَ أَسَاسَهَا . وَ يُصَيِّرُهَا عَرِشًا كَعَرِشِ
مُوسَى . وَ يَكُونُ الْمَسَاجِدُ كُلُّهَا جَمَاءً لَا شَرَفَ لَهَا ، كَمَا كَانَ
عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ يُوسِّعُ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ
فَيَصِيرُ سِتِّينَ ذِرَاعًا وَ يَهْدِمُ كُلَّ مَسْجِدٍ عَلَى الطَّرِيقِ ...^(۳)
هنگامی که قائم ما قیام کرد ، چهار مسجد را در کوفه منهدم
می‌کند . و هیچ مسجد مُشرفی را نمی‌گذارد ، جز این که کنگره

۱- بغلة سفواء : خفیفه سریعه .

۲- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۳۰ .

۳- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۳۳ .

و اِشْرَافِ آن را خراب می‌کند ، و به حال ساده و بدون اِشْرَافِ می‌گذارد ، همچنان که در عصر رسول خدا ﷺ چنان بود . شاهراه بزرگ را توسعه می‌دهد که عرض آن هفتاد ذراع می‌گردد . و هر مسجدی را که در راه عمومی واقع است ، خراب می‌کند ...

و نیز از مفضل بن عمر روایت شده که گفت : از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود :

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بَنِي فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ
أَلْفُ بَابٍ وَ اتَّصَلَتْ بُيُوتُ الْكُوفَةِ بِنَهْرٍ كَرْبَلَاءِ .^۱

هنگامی که قائم آل محمد قیام کرد ، در پشت کوفه (نجف اشرف) مسجدی را بنا می‌کند که هزار در خواهد داشت و خانه‌های کوفه به رُود کربلا متصل می‌شود .

همچنین از مفضل بن عمر روایت شده که گفت : از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود :

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا ، وَ اسْتَعْنَى
الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ ، وَ ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ ...^۲

چون قائم ما قیام کند ، زمین با نور پروردگارش روشن گردد ، و مردم از نور خورشید بی‌نیاز گردند ، و تاریکی زایل می‌شود ...

از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده که فرمودند:

... فَكَذَلِكَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلْبٍ

۱- بحار الانوار: ج ۵۲: ص ۳۳۷.

۲- بحار الانوار: ج ۵۲: ص ۳۳۷.

وسعت بلاد و ... / ۷۳

مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلِ مِنَ النَّاسِ ، يُؤَيِّدُهُ اللّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَ
يَعَصِمُ أَنْصَارَهُ وَ يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ ، وَ يُظْهِرُهُ عَلَى الْأَرْضِ
حَتَّى يُدِينُوا طَوْعاً وَ كَرْهاً يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ
نُوراً وَ بُرْهَاناً يُدِينُ لَهُ عَرْضَ الْبِلَادِ وَ طُولَهَا حَتَّى لَا يَبْقَى
كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ ...^(۱)

... و (اوضاع) این چنین خواهد بود تا آنکه خدا در آخر الزمان و
دوران شدت از روزگار و عصر نادانی مردمان ، مردی را
برانگیزد و او را به فرشتگان خود یاری فرماید و یاران او را (از
خطا) نگاه دارد و او را به نشانه‌های خود یاری دهد و او را بر
تمام زمین چیره فرماید تا این که (مردم) از روی میل و (یا
ظالمان از روی) اکراه دین را بپذیرند . زمین را از عدل و داد و
نور و برهان پُر کند ، شرق و غرب زمین از آیین او پیروی کنند
تا آن که کافر باقی نماند مگر این که ایمان آورد ...

و نیز از جابر از حضرت ابا جعفر امام باقر علیه السلام نقل شده که
فرمودند :

إِذَا قَامَ قَائِمٌ أَهْلَ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ ...
وَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُوراً كَمَا مِلَّتْ ظُلماً وَ جَوْرًا
وَ شَرًّا^(۲).

هرگاه قائم ما اهل بیت قیام کند اموال را به مساوات تقسیم
می‌کند و در میان مردمان عدالت را برقرار می‌دارد ... و زمین را

۱- بحار الانوار: ج ۵۲ ، ص ۲۸۰ .

۲- بحار الانوار: ج ۵۲ ، ص ۳۵۱ .

از عدل و داد و نور پر می‌کند چنان که از ستم و بیداد و پلیدی
پر شده باشد .

دوران حکومت مهدی علیه السلام آن چنان پر نور و سرور است که امام
مجتبی علیه السلام به نقل از امیر مؤمنان صلوات الله علیه فرمودند :
خوشا به حال آن که روزگار او را دریابد و کلامش را بشنود^(۱) .

معلقات سبعة بابل در عهد باستان بر شهرهای کشور حضرت
مهدی علیه السلام رشک خواهد برد و بهشت شداد در آن عصر چون
روستایی کوچکی در برابر شهری بزرگ خواهد شد .

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

بخش پنجم

صلح بهائم و سباع و اطاعت آنها از مؤمنین

در دوران حکومت مهدی آل محمد علیهم السلام تمامی عوامل فساد آفرین و ستمگر از میان می‌رود؛ نه کسی بر زمینی‌ها می‌تواند ستم کند، نه فردی حقّ ظلم بر پرندگان را دارد، نه به شخصی اجازه آزار درندگان بیابان داده می‌شود، و نه گروهی می‌توانند حیات موجودات دریایی را در معرض مخاطره قرار دهند. در آن دوران همگان شادان می‌شوند، مردمان خوشدل و خندان می‌گردند، حتی موجودات وحشی نیز در سایه حکومت عدل گستر حضرتش به آرامش و آسایش دست می‌یابند. گرگ و میش در کنار هم می‌زیند، و حیوانات رام بشر می‌گردند، و مارها و عقربها به کودکان خرد سال نیز ستم نمی‌کنند.

از جابر از حضرت ابا جعفر امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ، لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ، حَتَّى سِبَاعُ الْأَرْضِ وَ سِبَاعُ

الطَّيْرِ تَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ ، حَتَّى يَفْخَرَ الْأَرْضُ ،
عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ : مَرَّ بِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ
الْقَائِمِ .

گویا که من اصحاب قائم را می بینم که بر آنچه در شرق و غرب
است احاطه نموده اند . و چیزی از اشیا نیست مگر این که مطیع
ایشان است . حتی درندگان زمین و پرندگان وحشی ، خشنودی
ایشان را در هر چیزی می طلبند ، تا این که زمینی بر زمین دیگر
مباهات می کند که امروز مردی از اصحاب قائم بر من عبور
کرد .

در کتاب الاربعمائة از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمودند :

وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ
الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ
أَصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ
إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ إِلَى رَأْسِهَا
زَيْلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ .

و اگر قائم ما قیام کند آسمان باران خود را فرو می ریزد و زمین
نباتات خود را می رویاند و کینه ها از دل بندگان خدا زایل
می شود و درندگان و حیوانات (اهلی) با هم صلح می کنند (و
حیوانات اهلی از درندگان نمی گریزند) تا جائی که زنی که
می خواهد راه عراق و شام را بیاید همه جا قدم بر روی سبزه و
گیاهان می گذارد و در حالی که زینتهای خود را بر سر دارد

صلح بهائم و سباع و ... / ۷۷

(کسی طمع به آن نمی‌کند) و نه درنده‌ای به او حمله می‌آورد و

نه او را درندگان به وحشت می‌آورند .

و نیز از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده که فرمودند :

... فَكَذَلِكَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلْبٍ

مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ النَّاسِ ... حَتَّى لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ

وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ وَ تَصَطَّلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ ...

... و (اوضاع) این چنین خواهد بود تا آنکه خدا در آخر الزمان و

دوران شدت از روزگار و عصر نادانی مردمان ، مردی را

برانگیزد ... تا آن که کافر باقی نماند مگر این که ایمان آورد و

گناهکار و فرد پلید نماند مگر این که صالح شود . در حکومت

او درندگان با هم صلح می‌کنند و زمین نباتات خود را خارج

می‌کند و آسمان برکات خود را می‌بارد و (زمین) گنجهای خود

را آشکار می‌کند ...

و این از بشارتهای الهی در میان تمام امم است که حیات و

آرامش واقعی در عصر طلایی ظهور آخرین خلیفه پیغمبر خاتم در

آخر الزمان به وقوع می‌پیوندد . سید بن طاووس در کتاب «سعد

السعود» گوید که من در صحف ادریس نبی علیه السلام یافتم (که نوشته

بود):

... وَ أَلْقَى فِي تِلْكَ الزَّمَانِ الْأَمَانَةَ عَلَى الْأَرْضِ ، فَلَا يَضُرُّ

شَيْءٌ شَيْئًا وَ لَا يَخَافُ شَيْءٌ مِنْ شَيْءٍ ، ثُمَّ تَكُونُ الْهَوَامُّ وَ

الْمَوَاشِي بَيْنَ النَّاسِ ، فَلَا يُؤْذِي بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ أَنْزَعُ
 حُمَةً كُلَّ ذِي حُمَةٍ مِنَ الْهُوَامِّ وَ غَيْرِهَا ، وَ أَذْهَبُ سُمَّ كُلِّ مَا
 يَلْدَعُ ، وَ أَنْزَلُ بَرَكَاتٌ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ...^(۱)

... در آن زمان امانتداری را در روی زمین برقرار می‌سازم . پس
 هیچ چیز به چیز دیگر زیان نمی‌رساند و هیچ چیز از چیز دیگر
 نمی‌ترسد . و خزندگان و چهارپایان در میان مردم می‌گردند و
 هیچ یک به دیگری زیان نمی‌رساند . و حرارت (تب آفرینی) را
 از هر حرارت آفرین (و تب زای) از گزندگان و غیر ایشان را از
 میان می‌برم . و اثر سم حیوانات نیشدار را بدون اثر می‌گذارم .
 و برکات از آسمان و زمین فرود می‌آید ...

این موضوع در ادوار پیشین ، سابقه کوچکی دارد . مثلاً در
 دوران حضرت نوح علی نبینا و آله و علیه السلام در زمانی که سوار کشتی
 بودند ، حیوانات در کنار هم در صلح و آرامش زیستند . علامه
 مجلسی در بحارالانوار ، ضمن خبری گوید :

آنگاه که (خدای متعال) نوح را امر کرد که از هر جفت
 (حیوانات) دو تا را با خود حمل کند . نوح عرض کرد : من با
 (وجود) شیر و گاو چه کنم ؟ و با (وجود) بزغاله و گرگ چه
 کنم ؟ و با (وجود) کبوتر و گربه چه کنم ؟

(خدای متعال) فرمود : چه کسی دشمنی را در میان این
 حیوانات افکنده است ؟

(نوح) عرض کرد : تو ، ای پروردگار من .

(خدای تعالی) فرمود: پس من میان ایشان الفت و دوستی

می‌افکنم، تا با هم دشمنی و ضدیت نکنند^(۱).

لذا این کار برای خدای متعال آسان است که در دوران ظهور حضرت بقیة الله الاعظم، میان تمام حیوانات در سراسر گیتی الفت افکند.

آن چنان که از بعضی نصوص روایی بر می‌آید، اینگونه عداوت و دشمنی که میان حیوانات وجود دارد، ذاتی آنها نبوده، بلکه بعداً در آنها پیدا شده، و منشاء آن عصیان و تباهی بنی آدم بوده است. صدوق در کتاب علل الشرایع خود به إسناد از حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

كَانَتْ الْوُحُوشُ وَالطَّيْرُ وَالسَّبَاعُ وَكُلُّ شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُخْتَلِطًا بَعْضُهُ بِبَعْضٍ. فَلَمَّا قَتَلَ ابْنُ آدَمَ أَخَاهُ، نَفَرَتْ وَفَزَعَتْ، فَذَهَبَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَى شَكْلِهِ^(۲).

حیوانات و پرندگان و درندگان و هر چیزی که خدای عز و جل آفریده، گروهی از آنان با گروه دیگر آمیخته بودند. زمانی که فرزند آدم (قابیل) برادر خودش (هابیل) را کشت، اینان متنفر شدند و زاری کردند. پس هر چیزی به سوی مشابه خود رفت.

چون دگر بار تباهیها در زمان ظهور حضرت بقیة الله الاعظم مام می‌یابد، و قصاص تمام خونهای بناحق ریخته شده، اخذ می‌شود و آثار پلید اعمال زشت بشر از سراسر گیتی محو

۱- بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۶۶.

۲- بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۵ به نقل از علل الشرایع.

می‌گردد، لذا دگر بار گیتی به آرامش نخستین خود باز می‌گردد و
گرگ و میش در کنار هم خواهند زیست .

بخش ششم

جوانی اصحاب امام علیهم السلام

خدای متعال طرح نوی جهان را به دست توانای حضرت بقیة الله الاعظم در سراسرگیتی بپا می‌دارد. و بار این مسؤولیت را بر دوش جوانانی سعادت‌مند قرار می‌دهد که به یاری کردن حجّت خدا ممتاز گشته‌اند، زیرا قدرت تحوّل‌پذیری جوانان بیشتر از پیران، و فرمانبری آنان نسبت به فرامین الهی افزون‌تر، و پای بندی ایشان به متاع اندک دنیا کمتر است.

از حکیم بن سعد از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمودند:

أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ كَحْلِ
الْعَيْنِ وَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ وَأَقْلُّ الزَّادِ الْمِلْحُ^(۱).

یاران مهدی، همه جوان هستند. و در میان آنان پیری نیست، مگر به اندازه سرمه در چشم و نمک در توشه. و کمترین توشه، نمک است.

آن پیر کهن هزار و صد و شصت و اندی ساله در طلعت نو و

چهره‌ای جوان ظهور می‌کند، و گِرد وجود او را جوانان می‌گیرند،
و دنیای پیر فرسوده را جوان می‌کنند.

ای چرخ کهن به طلعت نو	از روی تو خور گرفته پرتو
بندی به کمند تو میجرّه ^۱	نعلی ز سمند تومه نو
ای بنده درگه تو شاهان	وی چاکر درگه تو خسرو
چرخ ار نه به کام تو زند دور	گامی بزن و به بام او شو

بخش هفتم

طولانی شدن عمر افراد و ازدیاد نسل

از آرزوهای دیرینه بشر در تمام ادوار، دستیابی به عمری طولانی، و حیاتی همراه با سلامت مزاج و فراخی روزی بر روی این کره خاک است. و از موضوعهای مهم تحقیقاتی دانشمندان زیست شناس و امور درمان، افزایش عمر طبیعی انسان می باشد. مراکز تحقیقاتی فراوانی در سرتاسر جهان، به این مهم پرداخته اند که با کشف داروها و اختراع وسایل و دستگاههای پیشرفته در جهت جراحی و درمان بیماران و... عمر طبیعی انسان را بالا برند. گرچه اینان در کاهش میزان مرگ و میرهای ناشی از عدم رعایت بهداشت و کنترل بیماریهای همه گیر موفقیت‌هایی به دست آورده‌اند؛ اما هنوز نتوانسته‌اند عمر طبیعی بشر را افزایش به سزائی بدهند. از سوی دیگر با توسعه هر چه بیشتر تمدن فساد زای امروزی و گسترش صنایع شیمیایی، ضایعات ناشی از این صنایع در محیط زیست افزایش می یابد، و حیات انسان و حیات

وحش را تهدید می‌کند. پیدایش بیماریهای نو به نو، گسترش آلودگی محیط زیست، افزایش ضایعات رادیواکتیو و تشعشعات مضر و زباله‌های اورانیوم، حیات محدود را برای انسانها در معرض تهدید جدی قرار داده است. و با ارتکاب مفسد اخلاقی توسط مردم، زمینه پیدایش میکربها و باکتریهای مهلک در جهان روز افزون می‌شود که گزارش‌های مستند پزشکی، نمایانگر این موضوع می‌باشد. از سوی دیگر، روال حاکم بر جهان در قرون اخیر این نکته را نشان می‌دهد که افزایش عمر و سلامت زیست، ارتباط مستقیم با سیاستهای حاکم بر جهان دارد. و اضطرابات فزاینده در جوامع کنونی و اختلالات شایان توجه در مسیر اصلاحات جهانی، این مهم را هر چه بیشتر آشکار می‌کند که سلامت و رفاه در سایه یک حکومت واحد جهانی امکان پذیر است که اداره آن را انسانهای صالح به عهده گرفته باشند. و این مهم، جز در سایه حکومت حضرت بقیة الله الاعظم متحقق نخواهد شد. در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام است که آلودگی زدوده شده و فساد و فساد آفرینی برچیده می‌شود، چه فسادهای شخصی، چه تباهیهای اجتماعی و چه آلودگی محیط زیست. خدای متعال به برکت آن حضرت و دم مسیحایی او، بیماران را شفا می‌بخشد، مرضهای صعب‌العلاج را درمان می‌کند، و عمر طولانی نصیب بشر سازد، به گونه‌ای که فرد، هزار فرزند خویش را در حیات دنیوی خود می‌بیند، خواه فرزندان شخصی و خواه نوادگان او.

طولانی شدن عمر افراد و ... / ۸۵

از مفضل بن عمر روایت شده که گفت : از حضرت صادق علیه السلام
شنیدم که می فرمود :

إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا ... وَ يُعَمَّرُ
الرَّجُلُ فِي مُلْكِهِ حَتَّى يُوَلِّدَ لَهُ أَلْفَ ذَكَرٍ ...

چون قائم ما قیام کند ، زمین با نور پروردگارش روشن گردد...
و عمر انسان در آن زمان، آن چنان طولانی شود که هزار پسر
برای او زاده شود ...

بخش هشتم

زوال فقر از جامعه

قرآن کریم ، یکی از عوامل اصلی فقر و ناداریِ مردمان را کفران نعمتها و ناسپاسیِ بشر نسبت به عنایات خدای متعال می داند ، چنان که می فرماید :

﴿ وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴾^(۱)

خدا قریه‌ای را مثال می‌زند که در امان و اطمینان بودند ، و روزی ایشان هر روز از همه جا می‌رسید . پس به نعمتهای خدا کفر ورزیدند ، پس خدا لباس گرسنگی و ترس را بر تن ایشان کرد ، به جزای آنچه که (خود) ساخته بودند .

باید خاطر نشان کرد که نعمتهای خدای متعال ، تنها نعمت مادی نیست ، بلکه نعمتهای معنوی و روحانی به درجاتی از

۱- قرآن کریم ، سوره نحل ، آیه ۱۱۲ .

نعمت‌های مادی مهم‌تر هستند. از مصادیق بارز نعمت‌های معنوی، حجت‌های الهی و سفرای حق (پیامبران و امامان علیهم‌السلام) می‌باشند. چنان‌که در ذیل آیه «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»^(۱) «سپس روزی که ایشان از نعمتها سؤال می‌شوند». روایات فراوانی از لسان وحی رسیده است که منظور از نعمت در این آیه، ولایت علی بن ابیطالب است، همان ولایتی که پیغمبر خدا در روز غدیر خم، امیرالمؤمنین و فرزندان معصوم او را تا دامنه قیامت به مقام ولایت و امامت نصب فرمود. لذا کفران این نعمت، مسلمانان را از قرون نخست دچار تنگناهای گوناگون کرد. حضرت زهرا علیها‌السلام در خطبه‌ای که به مناسبت ملاقات زنان مدینه از آن بزرگوار در بستر بیماری ایراد کردند، می‌فرمایند:

أَمَّا لَعْمُرِي لَقَدْ لَقَحْتُ، فَظِرَّةٌ رَيْثًا تُتَّجُّ ثُمَّ اِخْتَلَبُوا مِلاَّ
 الْقَعْبِ دَمًا عَظِيماً وَ دُعَاةً مُبِيداً «هُنَالِكَ يَخْسِرُ
 الْمُبْطِلُونَ» وَ يَعْرِفُ التَّالُونَ. غِبَّ مَا أَسَسَ الْأَوْلُونَ ثُمَّ
 طَيَّبُوا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفُساً وَ أَطْمَنُّوا لِلْفِتْنَةِ جَاشِئاً وَ أَبْشَرُوا
 بِسَيْفٍ ضَارِمٍ وَ سَطْوَةٍ مُعْتَدٍ عَاشِمٍ وَ بِهِرَجٍ شَامِلٍ وَ
 أَسْتَبْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ يَدْعُ فَيْئَكُمْ زَهِيداً وَ جَمْعَكُمْ حَصِيداً
 فَيَا حَسْرَةً لَكُمْ وَ أَنِي بِكُمْ وَ قَدْ عَمِيَتْ عَلَيْكُمْ ...^(۲)

بدانید به جان خودم سوگند، شترِ خلافت باردار شده، منتظر باشید چندان نمی‌گذرد که نوزاد خود را به دنیا می‌آورد. سپس

۱- قرآن کریم. سوره تکوین، آیه ۸

۲- الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، بخش احتجاجات فاطمه زهرا علیها السلام.

به جای کاسه شیر ، کاسه‌های پر از خون تازه و سم کشنده را بدوشید «و آن زمان است که طرفداران باطل گرفتار خسران می‌شوند». آری سرانجام دنباله روها عاقبت کاری را که پیشوایانشان پایه‌گذاری کردند ، خواهند فهمید . از این پس به دنیای خود دل خوش کنید ، ولی برای امتحان و فتنه پر اضطراب اطمینان داشته باشید که در انتظار شماست . و بشارت باد بر شما به شمشیرهای برنده و سلطه تجاوزگران ستمگر و خونخوار ، و زمام گسستگی جامعه و حکومتی مستبد از ناحیه ظالمان ، حکومتی که ثروتهای شما را بر باد می‌دهد و جمعیت شما را درو می‌کند ! افسوس بر شما ! و چه راه نجاتی برای شماست ، در حالی که حقیقت بر شما مخفی مانده !؟

و این گرفتاری همچنان پاگیر مردم خواهد بود ، تا دیگر بار حجت خدا اقامه شود ، مردم به سوی او رو آورند ، از کرده‌های خود و گذشتگان خود توبه کنند ، و امر را به آل محمد علیهم‌السلام واگذارند. آنگاه که مهدی آل محمد علیهم‌السلام بر منصب حکومت تکیه زند ، از فقر نشانه‌ای نخواهد بود ، نه اینکه عده‌ای سیر بخوابند و در کنارشان انسانهایی فراوان به گرسنگی شب و روز را سپری کنند، نه از احتکار خبری خواهد بود و نه از جنایات اقتصادی ، نه زورگویی اقتصادی خواهد بود و نه انحصار تولید ، زیرا در آن عصر طلائی همگان از همه نعمت‌های الهی بهره‌مند خواهند بود .

شکوفایی اقتصادی در دوران حکومت امام مهدی علیه‌السلام به گونه‌ای است که در گذشته تاریخ بی سابقه بوده است. تمام قوای

زمینی و آسمانی ، دست بر دست هم می دهند تا تمامی ذخایر هستی را آشکار کنند ، و قدرت لایزال الهی را در گستردگی نعمت و بخشش بر همگان بنمایاند ، میان مُلک و ملکوت هماهنگی پیدا می شود و زمینی ها در همان مسیری قدم می زنند که آسمانیها در آن اقدام می نمایند و تمام عالمیان همه در یک جهت قرار می گیرند و آن جهت بندگی خداست . و لذا مواهب مادی و معنوی نیز به برکت اینگونه بندگی در تحت ولایت حجت خدا حضرت بقیة الله بر بشر فرو می ریزد .

از مفضل بن عمر روایت شده که گفت : از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود :

إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ ... يَسْطَلِبُ
الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ لَا يُوجَدُ
أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ ، أَسْتَعْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ
فَضْلِهِ ^(۱) .

چون قائم ماقیام کند ، زمین با نور پروردگارش روشن گردد ...
و مردی از شما فرد مستمندی را می جوید که به او انفاق کند و
زکات مال را از او بپذیرد ، ولی کسی را پیدا نمی کند که آن مال
را از او بگیرد ، زیرا مردم به سبب آنچه خدا به آنان از فضل
خود ارزانی می کند ، بی نیاز شده اند .

از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند :

يُقَاتِلُونَ وَاللَّهِ حَتَّى يُوحَدَ اللَّهُ وَ لَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ ... وَ

يَخْرِجُ النَّاسَ خَرَاجَهُمْ عَلَى رِقَابِهِمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ وَيُوسِّعُ
عَلَى شِيعَتِنَا...^(۱)

به خدا سوگند ، سپاهیان مهدی آنقدر می ستیزند تا آن که خدا
به یکتائی پرستیده شود و برای او شرک آورده نشود ... و مردم
خراج خود را بر دوش خود به سوی مهدی می برند و به شیعیان
ما توسعه (در حکم) داده می شود ...

باز از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند :

إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ وَ دَخَلَ الْكُوفَةَ ، بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ ظَهْرِ
الْكُوفَةِ سَبْعِينَ أَلْفَ صِدِّيقٍ ، فَيَكُونُونَ فِي أَصْحَابِهِ وَ
أَنْصَارِهِ وَ يَرُدُّ السَّوَادَ إِلَى أَهْلِهِ ، هُمْ أَهْلُهُ . وَ يُعْطَى النَّاسَ
عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ ، وَ يَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ . وَ
يَسْوِي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ . وَ يَجِيءُ
أَصْحَابُ الزَّكَاةِ بِزَكَاتِهِمْ إِلَى الْمَحَاوِجِ مِنْ شِيعَتِهِ ، فَلَا
يَقْبَلُونَهَا فَيَقْرُونَهَا^(۲) وَ يَدُورُونَ فِي دُورِهِمْ ، فَيَخْرُجُونَ
إِلَيْهِمْ ، فَيَقُولُونَ : لَا حَاجَةَ لَنَا فِي دَرَاهِمِكُمْ^(۳) .

هرگاه قائم آشکار شود و داخل شهر کوفه گردد ، خدای متعال
از منطقه نجف هفتاد هزار صدیق را آشکار می کند . پس ایشان
در زمرة اصحاب و یاران او خواهند بود و شهرها به اهالی
(واقعی) شهرها باز می گردد و ایشان اهل آن هستند . به

۱- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۴۵ .

۲- ای وضع الدراهم فی الصرة

۳- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۹۰ .

مردمان عطایا در سال دو بار ارزانی می‌کند. و در هر ماه، دو نوبت مایحتاج عمومی را میان ایشان تقسیم می‌کند. و میان مردم مساوات را برقرار می‌کند، تا حدی که محتاج به زکات دیده نمی‌شود. و مردمان زکات خود را پیش شیعیان می‌آورند، ولی ایشان آن را نمی‌پذیرند. و زکات داران، زکاتها را در میان کیسه‌ها قرار می‌دهند، و در جاهای مختلف می‌گردند و پیش افراد می‌برند، ولی ایشان می‌گویند: ما نیازی به پولهای نقره شما نداریم.

راوی از امام معصوم نقل می‌کند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ أَرْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ...
فَحِينَئِذٍ تَظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي بَرَكَاتِهَا، وَ لَا يَجِدُ
الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِمِصْرَتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ، لِشُمُولِ
الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ^(۱).

زمانی که قائم قیام نمود، به عدالت حکم می‌کند و در روزگار او ظلم و ستم از میان می‌رود... و در این هنگام زمین برکات خود را بیرون می‌دهد و مردی از شما در آن هنگام جایی را برای صرف صدقات و انفاقهای خود نمی‌یابد به خاطر همگانی شدن بی نیازی در میان مؤمنان.

چنین نیست که همیشه توانگری، طغیان و سرپیچی از فرمان خدا را همراه داشته باشد و همواره ثروت فراوان پلیدی را به ارمغان آورد و قدرت، در هر حال، فساد آفرین باشد. آری، اگر

۱- بحارالانوار: ج ۵۲: ص ۳۳۸ به نقل از الارشاد.

ثروت در دست فردی پلید قرار گیرد ، نابکار قدرت را به دست آورد و منقطع از خدا شود و حقایق معنوی و سجایای اخلاقی را به زمین نهد ، در آن فساد می آفریند . در منطق قرآن ، استغناء از خدا موجب طغیان دانسته شده ، نه نَفْسِ دَارَائِي . « استغناء » یعنی اینکه : فرد گمان کند که همه آنچه در دست اوست ، تمام را خود - بدون مدد غیر - به دست آورده ، چنان که قارون^(۱) چنین گمان داشت . وقتی که گروهی از قوم قارون به او گفتند که در زمین فساد نکن که خدا فسادگران را دوست نمی دارد ، قارون در جواب گفت : این ثروتها را با علم و دانش خود به دست آورده‌ام . قرآن کریم چنین نقل می فرماید :

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ ... لَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي ...^(۲)

همانا قارون از قوم موسی بود که بر ایشان ستم کرد . و ما به او گنجهای ارزانی کردیم به صورتی که بر دوش بردن کلیدهای آن - گنجها - مردان قوی را خسته می کرد . آنگاه که قوم او به او گفتند ... در زمین فساد جویی مکن که خدا فسادگران را دوست نمی دارد ، گفت : من ، منحصرأً به سبب دانش خود ، به

۱- قارون ، فردی از قوم حضرت موسی بود که خدای متعال به او مکننت فراوانی ارزانی داشته بود . اما عاقبت در اثر فراموشی خدا و عدم صرف اموال خداداد در مسیر رضایت حق ، او همراه خانه و کاشانه اش به زمین فرو رفت .

۲- قرآن کریم ، سوره قصص ، آیات ۷۸ - ۷۶ .

این اموال دست یافته‌ام ...

همواره چنین نیست که ثروت فساد آورد . در تاریخ گذشته خدای متعال قدرت و مکنتهائی را در اختیار بندگان صالح خود قرار داده ، و آنان تمام آن نعمتها را در مسیر صلاح و خیر عمومی صرف کرده‌اند ، همچون حکومت طالوت بر جالوت و مکتب ذوالقرنین بر سراسرگیتی و مکتب سلیمان در منطقه عربی . خدای متعال ، اصحاب و یاران و شیعیان حضرت بقیة الله علیه السلام را - در کنف حمایت خویش - از اشتباه کاری باز می‌دارد ، و ایشان را به سعادت‌های خود مفتخر می‌کند ، تا با دستیابی به حکومت در سراسرگیتی ، ظلم و عدوان نکنند .

امام باقر علیه السلام فرمودند :

يُقَاتِلُونَ وَاللَّهِ حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ وَ لَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ ... وَ
يُوسِّعُ عَلَى شِيعَتِنَا وَ لَوْ لَا مَا يُدْرِكُهُمْ مِنَ السَّعَادَةِ
لَبَغَوْا...^(۱)

به خدا سوگند ، سپاهیان مهدی آنقدر می‌ستیزند تا آن که خدا به یکتائی پرستیده شود و برای او شرک آورده نشود ... و مردم خراج خود را بر دوش خود به سوی مهدی می‌برند و به شیعیان ما توسعه (در حکم) داده می‌شود . و اگر ایشان را سعادت نصیب نشود ، هر آینه ستم می‌کنند ...

بخش نهم

زوال امراض بدنی و برومند شدن ابدان و ارواح

خدای متعال، نظام جهان را به گونه‌ای قرار داده که اگر بشر در مسیر معین شده توسط انبیای عظام قدم برندارد، و به فرایض الهی - که بخشی از آن، فراهم کننده سلامت جسمی انسان‌هاست - عمل نکند، تازیانه قهر الهی آنان را در برابر اعمال زشتشان می‌گیرد، و گرفتار بلیات و مشکلات و امراض و ناتوانیها می‌کند. در لسان شرع رسیده است که: «صُومُوا تَصِحُّوا»^(۱) روزه بگیرید تا سلامت شوید.

انبیا بشر را از نوشیدن مسکرات و خوردن گوشت‌های حرام باز داشته‌اند. و ایشان را به صلهٔ ارحام فرا خوانده‌اند، که هم موجب افزایش قدرت مادی و توانائی اجتماعی می‌شود، و هم سلامتی و طول عمر را به همراه می‌آورد. انبیا بشر را به سوی خدا دعوت کرده‌اند، زیرا یاد خدا درمان همهٔ اضطرابهاست. خدای متعال

۱- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۵۵، کتاب الصیام، باب فضل الصوم.

می فرماید :

﴿الَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^(۱)

همانا به یاد خدا دلها آرام می‌گیرد .

خدای متعال توسط انبیا عظام و اوصیای ، ایشان بشر را به معنویات فرا خوانده ، تا در سایه انجام فرایض و عمل به این دستورات ، آسایش جسم و جان و سلامت تن و روان برای بشر - به دلیل فراهم گردد . ولی بشر روی خواستهای حیوانی و دنائت اندیشه - به فرامین الهی گوش فرامنداده ، و در بی بند و باری را به روی خود گشوده است که ثمره آن مرگهای ناگهانی ، بلاهای جسمی و روحی ، ضعفهای بنیه و ناتوانیها و ... می باشد . اما در تحت حکومت حق و لوای حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله فرجه ، فرامین خدا اجرا می شود . و بشر - پس از هزاران سال زمام گسیختگی - دو باره به سوی خدا روی می آورد و طوق بندگی نفس را که از زمان عصیان ابلیس برگردن موجودات مختار افتاده ، بر زمین می نهد . و بجای عبادت نفس ، خدا را عبادت می کند . و یکی از ثمرات این عبادت خالصانه ، سلامت جسم و روان است ، که این موضوع در جامعه معنوی زمان ظهور امام زمان علیه السلام صورت می پذیرد .

از حضرت علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام نقل شده که آن

حضرت فرمودند :

إِذَا قَامَ قَائِمًا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْغَاهَةَ ، وَ
جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ ، وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ
أَرْبَعِينَ رَجُلًا ، وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا^(۱) .

هرگاه قائم ما قیام کند ، خداوند عزّ و جلّ از شیعیان ما بیماری
را برطرف می‌سازد ، و دل‌های آنان را همچون پاره‌های آهن
می‌گرداند ، و به هر مردی از آنها نیروی چهل مرد می‌دهد ، و
آنها حاکمان زمین و رؤسای اجتماع خواهند شد .

و از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند :

حَدِيثُنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ ، لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ
نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ مُؤْمِنٌ مُتَّحِنٌ أَوْ مَدِينَةٌ حَصِينَةٌ . فَإِذَا وَقَعَ
أَمْرُنَا وَ جَاءَ مَهْدِينُنَا ، كَانَ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَتِنَا أَجْرِي مِنْ
لَيْثٍ وَ أَمْضَى مِنْ سَنَانٍ ، يَطَأُ عَدُوَّنَا بِرِجْلَيْهِ وَ يَضْرِبُهُ
بِكَفَّيْهِ . وَ ذَلِكَ عِنْدَ نُزُولِ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ فَرَجِهِ عَلَى
الْعِبَادِ^(۲) .

همانا حدیث ما دشوار دشواری پذیر است . و کسی آن را
متحمل نمی‌شود ، جز فرشته مقرب یا پیغمبر فرستاده شده یا
مؤمنی که دل او به ایمان آزموده شده باشد یا شهری که دژ و
بارو داشته باشد . پس هرگاه که مهدی ما بیاید ، هر مرد از
شیعیان ما ، از شیر دلیرتر و از نیزه چابک‌تر است . دشمنان ما
را زیر پای خود خرد می‌کند و با کف دست به او ضربت می‌زند.

۱- بحارالانوار : ج ۵۲ : ص ۳۱۷ .

۲- بحارالانوار : ج ۵۲ : ص ۳۱۸ .

و این در هنگام نزول رحمت خدا و گشایش او برای بندگان است .

ابو بصیر گوید : حضرت صادق علیه السلام فرمود :

مَا كَانَ يَقُولُ لَوْ طُ عليه السلام : «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي
إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ» ^(۱) إِلَّا تَمَنَّى لِقُوَّةِ الْقَائِمِ عليه السلام . وَلَا ذَكَرَ
إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ . فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ
رَجُلًا ، وَإِنَّ قَلْبَهُ لِأَشَدُّ مِنَ الْحَدِيدِ . وَلَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ
الْحَدِيدِ لَقَطَعُوهَا ، لَا يَكْفُونَ سَيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ ^(۲) .

لوط پیغمبر این سخن را که «اگر برای من قدرتی بود و یا اگر می توانستم به سوی رکن شدید چنگ زنم» ، فرمود ، مگر این که آرزو می کرد قدرت قائم علیه السلام را داشته باشد ، و یا شدت اصحاب او را واجد گردد . پس به مردی از اصحاب آن حضرت ، قدرت چهل مرد ارزانی می شود . و قلب او از آهن شدیدتر خواهد بود . و اگر ایشان بر کوههای آهن عبور کنند ، آن کوهها را قطع می کنند . و شمشیرها را به زمین نمی نهند ، تا این که خدای عز و جل خشنود گردد .

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند :

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عليه السلام وَأَصْحَابِهِ فِي نَجْفِ الْكُوفَةِ ، كَأَنَّ
عَلَى رُؤُسِهِمُ الطَّيْرُ ، قَدْ فُنَيْتَ أَرْوَادُهُمْ وَخُلِقَتْ ثِيَابُهُمْ ،

۱-سوره هود ، آیه ۸۰ .

۲-بحارالانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۲۷ .

قَدْ أَثَرَ السُّجُودُ بِجِبَاهِهِمْ ، لُيُوثُ بِالنَّهَارِ ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ ،
كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبْرُ الْحَدِيدِ ، يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ
رَجُلًا ، لَا يَقْتُلُ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا كَافِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ . وَقَدْ وَصَفَهُمُ
اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوَسُّمِ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ بِقَوْلِهِ : ﴿ إِنْ فِي ذَلِكَ
لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ﴾^(۱) .

گویا من به سوی قائم علیه السلام و اصحاب او می‌نگرم که در نجف
کوفه هستند . (از ژولیدگی) گویا بر سر ایشان پرنده‌ای است . به
تحقیق توشه‌های ایشان نابود شده و لباسهای ایشان کهنه ، و بر
پیشانی ایشان آثار سجود ظاهر است . شیران روز و زاهدان
شب هستند . گویا قلبهای ایشان از پاره‌های آهن است و به هر
مردی از ایشان قدرت چهل مرد ارزانی می‌شود . کسی یکی از
ایشان را نمی‌کشد ، مگر این که کافر یا منافق باشد . و خدای
متعال ، ایشان را به نشانه داری (در پیشانی) در کتاب گرانقدر
خویش توصیف کرده است (که می‌فرماید) : «همان در این
نشانه‌هایی برای نشانه‌داران (در پیشانی) می‌باشد» .

عبدالملک بن اعین گوید :

قُتُّ مِنْ عِنْدِ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فَأَعْتَمَدْتُ عَلَى يَدَيْ ، فَبَكَيْتُ
وَ قُلْتُ : كُنْتُ أَرْجُو أَنْ أَدْرَكَ الْأَمْرَ وَ بِي قُوَّةٌ . فَقَالَ :
أَمَا تَرْضَوْنَ أَنَّ أَعْدَائَكُمْ يَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا ، وَ أَنْتُمْ
آمِنُونَ فِي بُيُوتِكُمْ . إِنَّهُ لَوْ كَانَ ذَلِكَ أُعْطِيَ الرَّجُلُ

۱- سوره حجر ، آیه ۷۵ .

۲- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۸۶ .

مِنْكُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا ، وَ جُعِلَ قُلُوبُكُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ .
لَوْ قَذَفْتُمْ بِهَا الْجِبَالَ فَلَقَتْهَا . وَ أَنْتُمْ قُؤَامُ الْأَرْضِ وَ
خُرَانِهَا .^(۱)

از نزد حضرت باقر علیه السلام برخواستم ، پس به دستان خود تکیه
کردم و گریستم ، و گفتم : من امیدوار بودم که امر (شما را) درک
کنم در حالی که توانائی (جسمی) داشته باشم . آن حضرت
فرمودند : آیا خشنود نیستید که دشمنان شما یکدیگر را
می‌کشند ، در حالی که شما در خانه‌های خود در امنیت هستید؟
همانا اگر آن (امر) برپا شود ، به هر مردی از شما قدرت چهل
مرد داده می‌شود ، و قلبهای شما چون پاره‌های آهن می‌گردد
که اگر به آن (قلبها) بر کوهها بکوبید ، تکه تکه می‌شوند . و شما
به پادارندگان زمین و گنجینه داران آن خواهید بود .

جابر گوید : حضرت صادق علیه السلام فرمودند :

إِنَّ اللَّهَ نَزَعَ الْخَوْفَ مِنْ قُلُوبِ شِيعَتِنَا وَ أَسَكَنَهُ قُلُوبِ
أَعْدَائِنَا . فَوَاحِدُهُمْ أَمْضَى مِنْ سَنَانٍ وَ أَجْزَى مِنْ لَيْثٍ ،
يَطْعَنُ عَدُوَّهُ بِرُمْحِهِ وَ يَضْرِبُهُ بِسَيْفِهِ وَ يَدُوسُهُ بِقَدَمِهِ .^(۲)

همانا خداوند (در زمان قیام قائم ما) ترس را از دل‌های شیعیان
ما زایل می‌کند ، و در دل دشمنان ما می‌افکند . پس هر یک از
آنها ، از نیزه چابک‌تر و از شیر دلیرتر هستند ، به طوری که
دشمن ما را به نیزه خود می‌زنند و به شمشیر خود مضروب

۱- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۳۵ .

۲- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۳۶ .

زوال امراض بدنی و ... / ۱۰۱

می‌کنند ، و زیر پاهای خود ، آنها را له می‌کنند .

امام صادق علیه السلام فرمودند :

يَكُونُ شِيعَتُنَا فِي دَوْلَةِ الْقَائِمِ عليه السلام سَنَامَ الْأَرْضِ وَ حُكَّامَهَا
يُعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا ^(۱) .

در دولت قائم علیه السلام شیعیان ما ارکان زمین و حاکمان آن خواهند بود . به هر یک از ایشان ، قدرت چهل مرد داده می‌شود .

و نیز امام باقر علیه السلام فرمودند :

أَلْقِيَ الرَّعْبُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا مِنْ عَدُوِّنَا . فَإِذَا وَقَعَ
أَمْرُنَا وَ خَرَجَ مَهْدِيُّنَا ، كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرِي مِنَ اللَّيْثِ
وَ أَمْضَى مِنَ السَّنَانِ ، يَطَأُ عَدُوَّنَا بِقَدَمَيْهِ وَ يَقْتُلُهُ
بِكَفِّيهِ ^(۲) .

در دلهای شیعیان ما ترس از دشمنان ما افکنده شده است .
پس هرگاه امر ما واقع شود و مهدی و مهدی ما خروج کند ، هر یک از
ایشان از شیر دلیرتر و از نیزه چابک‌تر خواهد بود ، که دشمنان
ما را زیر پای خود خرد می‌کند و با کف دست ، او را به قتل
خواهد رسانید .

جریر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت از پدرشان از
حضرت علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام نقل فرمودند که آن
حضرت فرموده‌اند :

۱- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۷۲ .

۲- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۷۲ .

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْغَاهَةَ وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ^(۱).

هرگاه قائم قیام کند ، خداوند عزّ و جلّ از هر مؤمنی بیماری را برطرف می‌کند ، و دو باره نیروی او را به او باز می‌گرداند .

از حضرت امام باقر^(علیه السلام) نقل شده که فرمودند :

مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي غَاهَةٍ بَرِيءٌ ، وَ مِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِيٌّ^(۲).

هر کس قائم ما اهل بیت را درک کند ، اگر بیماری داشته باشد ، بهبودی می‌یابد . و چنانچه ضعیف باشد ، نیرومند می‌گردد .

۱- بحارالانوار؛ ج ۵۲؛ ص ۳۶۴.

۲- بحارالانوار؛ ج ۵۲؛ ص ۳۳۵.

بخش دهم

زوال کینه از دلها و تکامل اخلاق و ایمان

یکی از آثار حضور فعال سفرای الهی ، زنده شدن سجایای انسانی در میان خلائق است . زیرا تأثیر مشاهده حسی به درجاتی بیشتر از شهود عقلی است . و انبیا تنها به گفتن حقایق بسنده نکرده‌اند ، بلکه با فعل خود ، افراد را به انجام فرایض و ملکات اخلاقی و ایمانی فرا خوانده‌اند . عظمت داستان کربلای حضرت سیدالشهدا علیه السلام ، تنها در مسیر دفاع از حق نیست ، بلکه یک مکتب زنده اخلاقی است که حضرتش در طول مسیر حرکت به کربلا و در سرزمین کربلا ، آنها را آشکار فرمود . درس گذشت را با پذیرش توبه جناب حرّ بن یزید ریاحی آموخت ، درس ایثار را در آب نخوردن خود به انسانها نشان داد ، درس غیرت را با نفرستادن زنان به میدان آشکار کرد ، با اجازه برگشت به اصحاب و خانواده ، حقیقت ایمان و واجدیت راهبری الهی را نشان داد ، با اجازه میدان رفتن فرزند دل‌بند خود پیش از همه ، عدم وجود هوی و هوس را در

روان پاک خود نمایان کرد و حقیقت عصمت را بر جهانیان علنی فرمود، با حضور در کنار پیکر پاکِ غلامِ سیاه - همچون حضورش در کنار بدنِ فرزندِ دل‌بند خود علی اکبر - حقیقت برابری اهل ایمان را آشکار کرد، با خطبه‌های غرّا و دعوت مردم به پروا پیشگی از خدا و ترس از عقاب او، حقیقتِ دعوت انبیا را آشکار کرد، با برپائی نماز در آن صحنه خطرناک، حقیقت اقامه نماز را به جهانیان آموخت، و با قرآن خواندن بر سر نیزه، تفاوت قیام خود را با تمام قیامهای پر خاشک‌گرانه آشکار فرمود.

باری با خانه نشینی حجج الهی، بشریت نعمت‌های فراوانی از دست داد که از آن جمله، فقدانِ الگوی عملی در حقایق عقلی و فکری بود. در دوران حاکمیت آل الله ﷺ و حکومت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه، دیگر بار خُلق و خوی محمدی در میان خلائق آشکار می‌شود، و نمونه تمام عیار احمدی ﷺ در جهان نمایان می‌گردد. به برکت او، کینه‌ها از دلها رخت برمی‌بندد، رأفت و شفقت جای آن را می‌گیرد، اخلاقیات در میان مردمان زنده می‌شود، روح ایمان در جامعه بارور می‌گردد، و دیگر بار نمونه تمام عیار برادری و الفتی که انبیا خلق را به آن دعوت کرده‌اند، ایجاد می‌شود. به گونه‌ای که مسیحیان جز در زمان عیسای مسیح، چون آن را ندیده، و جهانیان - جز در زمان حیات رسول خدا ﷺ - نمونه آن را مشاهده نکرده باشند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

زوال کینه از دلها و ... / ۱۰۵

... إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَامِلَةُ^(۱) وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ^(۲).

... آنگاه که قائم قیام کند ، رفاقت و دوستی خاصی پیدا می‌شود. و مرد به سوی کیسه و جیب برادر (ایمانی) اش می‌رود، و از آن نیاز خود را برمی‌دارد و (برادر دینی اش) او را منع نمی‌کند .

در حدیث جامع الاربعائة از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمودند :

... وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا ، لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ ...^(۳) .
... و اگر قائم ما قیام کند ، آسمان باران خود را فرو می‌ریزد و زمین نباتات خود را بیرون می‌دهد ، و کینه‌ها از دل بندگان خدا زایل می‌شود ...

ابو خالد کابلی نقل می‌کند که از حضرت باقر علیه السلام فرمودند :

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ ، فَجَمَعَ بِهِ عُقُوبَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ^(۴) .

هرگاه قائم قیام نمود، دست خود را روی سر مردم می‌گذارد، و بدان وسیله عقلهای آنان جمع می‌شود، و اخلاقشان کامل می‌گردد.

۱- المزاملة : الرفاقة و الصداقة الخالصة

۲- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۷۲ .

۳- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۱۶ .

۴- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۳۶ . در " کمال الدین " عبارت به این صورت است :
«اللَّهُ يَدُهُ» .

زید زراد گوید : به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم :

فَحْشَى أَنْ لَا نَكُونَ مُؤْمِنِينَ . قَالَ وَ لِمَ ذَاكَ ؟! فَقُلْتُ : وَ ذَلِكَ إِنَّا لَا نَجِدُ فِيْنَا مَنْ يَكُونُ أَخُوهُ عِنْدَهُ آثَرٌ مِنْ دِرْهِمِهِ وَ دِينَارِهِ ، وَ نَجِدُ الدِّينَارَ وَ الدَّرْهَمَ آثَرٌ عِنْدَنَا مِنْ أَخٍ قَدْ جَمَعَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ مُوَالَاةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام . قَالَ : كَلَّا إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ وَ لَكِنْ لَا تَكَلِّمُونَ إِيمَانَكُمْ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمُنَا . فَعِنْدَهَا يَجْمَعُ اللَّهُ أَحْلَامَكُمْ ، فَتَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ . وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْأَرْضِ مُؤْمِنُونَ كَامِلُونَ ، إِذَا لَرَفَعْنَا اللَّهُ إِلَيْهِ وَ أَنْكَرْتُمُ الْأَرْضَ وَ أَنْكَرْتُمُ السَّمَاءَ . بَلْ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ، إِنَّ فِي الْأَرْضِ فِي أَطْرَافِهَا مُؤْمِنِينَ ، مَا قَدَّرُ الدُّنْيَا كُلُّهَا عِنْدَهُمْ تَعْدِلُ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ . وَ لَوْ أَنَّ الدُّنْيَا يُجْمَعُ مَا فِيهَا وَ عَلَيْهَا ذَهَبَةٌ حَمْرَاءُ عَلَى عُنُقِ أَحَدِهِمْ ، ثُمَّ سَقَطَ عَنْ عُنُقِهِ ، مَا شَعَرَ بِهَا أَيُّ شَيْءٍ كَانَ عَلَى عُنُقِهِ وَ لَا أَيُّ شَيْءٍ سَقَطَ مِنْهَا ، هَلْوَانَهَا عَلَيْهِمْ ^(۱) .

ما می ترسیم که مؤمن نباشیم . آن حضرت فرمود : چرا چنین می گوئید؟! عرض کردم : زیرا ما در میان خود ، کسی را نمی بینیم که برادر ایمانی اش برای او از پول نقره و طلایش ارزشمندتر باشد . ما طلا و نقره را از برادر ایمانی خود بیشتر دوست می داریم ، با اینکه میان ما و میان او ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام مشترک است . آن حضرت فرمودند : چنین نیست ، شما مؤمن هستید . ولی ایمان شما کامل نیست ، تا این

زوال کینه از دلها و ... / ۱۰۷

که قائم ما خروج کند و خدا حلمهای (عقلهای) شما را گرد آورد. پس مؤمن کامل گردید. و اگر مؤمنان کامل در زمین نمی‌بودند، هرآینه خدا ما را به سوی خود بالا می‌برد، و شما انکار آسمان و انکار زمین می‌کردید^(۱). بلکه سوگند به خدائی که جانم در دست قدرت اوست، همانا در زمین و در اطراف آن مؤمنانی هستند که ارزش دنیا در نزد آنان به قدر بال پشه‌ای است. و اگر دنیا و آنچه در داخل آن و آنچه روی آن است، از طلای سرخ جمع شود و برگردن یکی از ایشان آویخته شود، سپس از گردن او فرو افتد، نمی‌فهمد که چه چیزی بر گردن او بوده است و برای چه چیز از گردن او افتاده است. (این موضوع) به خاطر کم ارزشی دنیا آن برای ایشان است.

این همان وعده الهی است که خدا در میان خلائق توسط انبیا و اوصیای انبیا صلی الله علیه و آله اعلام فرموده است که در دوران مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله حقیقت آیین احمدی آشکار می‌شود، و کمالات به نهایت می‌رسد. سید بن طاووس در کتاب «سعد السعود» گوید که من در صحف ادریس نبی علیه السلام یافتم (که نوشته بود):

... وَ أَلْقِي الرَّأْفَةَ وَ الرَّحْمَةَ بَيْنَهُمْ فَيَتَوَاسَوْنَ وَ يَسْتَسِمُونَ
بِالسَّوِيَّةِ ، فَيَسْتَعْنِي الْفَقِيرُ وَ لَا يَعْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضًا ، وَ
يَرْحَمُ الْكَبِيرُ الصَّغِيرَ وَ يُوقِّرُ الصَّغِيرَ الْكَبِيرَ ، وَ يَدِينُونَ
بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ وَ يَحْكُمُونَ...^(۲)

۱. علامه مجلسی در توضیح این جمله می‌نویسد: "انکار زمین و آسمان". به دلیل مشاهده آثار غریبه در آنها است که قبل از آن قضیه ندیده بودند. (بحارالانوار،

ج ۶۷، ص ۳۵۲).

۲. بحارالانوار؛ ج ۵۲؛ ص ۳۸۵.

... رأفت و ترحم را در دل آنها جای می‌دهم ، به طوری که
مواسات و برادری میان آنها برقرار گردد ، و آنچه دارند، به طور
مساوی میان خود قسمت کنند . فقرا بی نیاز می‌شوند، و کسی بر
دیگری برتری ندارد. و بزرگ بر کوچک ترحم می‌کند و کوچک
بزرگ را احترام می‌کند . و همه به دین حق متدین می‌شوند، و
طبق دستورات آن رفتار می‌کنند و حکم می‌نمایند ...

بخش یازدهم

تکامل عقول و گسترش علم

خدای متعال در دولت حقه آل محمد صلی الله علیه و آله دریاهای بیکران از دانشهای درونی و فطری را به روی بشر باز خواهد فرمود ، و انسانها ، به مقاماتی بالا و والا نائل خواهند شد .

از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند :

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ ، فَجَمَعَ بَيْنَ
عُقُولِهِمْ وَكَمَّلَتْ بَيْنَهُمْ أَخْلَامَهُمْ^(۱) .

هرگاه قائم ما قیام نمود ، دست خود را روی سر مردم می‌گذارد، و بدان وسیله عقلهای آنان جمع می‌شود ، و افکارشان کامل می‌گردد .

در عصر طلایی ظهور ، از نظر ارتباطات صوتی و تصویری در جهان ، تغییرات خاصی صورت می‌پذیرد . در آن دوران ، نه تنها

۱- اصول کافی : ج ۱ : ص ۱۹ و بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۲۸ .

شیعیان تصویر آن حضرت را ملاحظه می‌کنند ، بلکه یاران آن حضرت - در هر جای عالم که باشند - همان بدن مبارک حضرتش را می‌بینند . و همان بهره‌ای را که اطرافیان از او می‌برند ، افراد در دور دست نیز همان بهره را خواهند برد .

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند :

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ،
حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يُكَلِّمُهُمْ، فَيَسْمَعُونَ
وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ ^(۱).

قائم ما آن گاه که قیام کند ، خداوند چندان نیرو به گوشها و دیدگان شیعیان ما می‌دهد که میان آنها و قائم ما ، پیک و برید ^(۲) نخواهد بود . پس قائم ما با آنها صحبت می‌کند و آنها هم صدای او را می‌شنوند و به وی نگاه می‌کنند ، در حالی که او در محل خودش می‌باشد .

این مطلب فقط اختصاص به شخص حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام ندارد ، بلکه مؤمنان نیز در هر جای عالم که باشند ، یکدیگر را می‌بینند . نه این که از راه انتقال تصویر ، یکدیگر را ملاحظه کنند ، بلکه گویا که در کنار هم نشسته و با هم سخن می‌گویند .

ابن مسکان گوید : از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که فرمود :

۱- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۳۶

۲- برید به معنی قاصد و پُست است . و مسافتی که برید می‌پیماید ، تقریباً ۱۲ میل است .

تکامل عقول و ... / ۱۱۱

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ ، لَيَرَى أَخَاهُ
الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ . وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ
الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ (۱) .

در زمان دولت قائم ، یک فرد با ایمان که در مشرق باشد،
برادرش را در مغرب می بیند . و آن کس که در مغرب است،
برادرش را که در مشرق می باشد ، می بیند .

آنچه از دانش در عصر همه پیامبران - حتی در عصر اسلام
توسط پیغمبر اسلام و اوصیای گرامی اش علیهم السلام - آشکار شده ، تنها
دو حرف از دانش است . در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام
بیست و پنج حرف دیگر - از بیست و هفت حرف دانش - آشکار
خواهد شد که در گذشته تاریخ سابقه نداشته است . و آن
حضرت، از نوامیس طبیعی ، چیزهایی را ظاهر می فرماید که اصلاً
در اندیشه بشر جای ندارد .

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند :

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا . فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ
حَرْفَانِ . فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ . فَإِذَا
قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا ، فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ
وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ ، حَتَّى يَبَثَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ
حَرْفًا (۲) .

علم ، بیست و هفت حرف است . تمام آنچه پیغمبران آورده اند،

۱- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۹۲ .

۲- بحار الانوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۳۳۶ .

دو حرف است . و مردم هم تا کنون بیش از آن دو حرف را ندانسته‌اند . پس زمانی که قائم ما قیام می‌کند ، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد ، و آن را در میان مردم منتشر می‌سازد ، و آن دو حرف را هم به آنها ضمیمه می‌نماید، تا آن که بیست و هفت حرف (علم) را منتشر می‌کند .

آن حضرت ، تمام دشواریهای دانشهای آشکار شده توسط انبیا و اوصیای انبیا را حلّ و آسان می‌کند ، و گره از روی همه پنهانیهای علمی و مجهولات برمی‌دارد . امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن سفارشهایی به جناب کمیل بن زیاد نخعی می‌فرمایند :

... يَا كُمَيْلَ بْنَ زِيَادٍ ... وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا أَنَا أَفْتَحُهُ . وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَالْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتِمُهُ .

... ای کمیل بن زیاد ... و هیچ علمی نیست مگر این که من آن را می‌گشایم . و هیچ سری نیست مگر آن که قائم علیه السلام آن را پایان می‌دهد .

یاران آن حضرت ، در مسجد کوفه خیمه‌ها می‌زنند ، و حقایق قرآن را - آن چنان که نازل شده است - برای مردمان بیان می‌کنند . در آن دوران دیگر از اختلاف نظرها خبری نیست ، و دیگر جایی برای تناقض گویان نخواهد بود . همه یک گونه سخن می‌گویند و همه به ژرفای حقایق اسلامی - بدون حیرت و جهل - راه می‌یابند . جاهلان دانش نما بر همگان آشکار می‌گردند ، و باتلاقیهای بزرگه

نما رسوا می شوند . از سرچشمه زلال حقایق ، رودهایی پاکیزه به کشتزارهای جانِ انسانها جاری می گردد ، و از اقیانوس موج حقایقِ علوی ، برکه های خوشگوار دانش در اختیار جهانیان قرار می گیرد .

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود :

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ
النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ ، فَأَصْعَبُ مَا
يَكُونُ عَلَى مَنْ حَفِظَهُ الْيَوْمَ لِأَنَّهُ يُخَالِفُ فِيهِ التَّأْلِيفَ ^(۱) .

هرگاه قائم آل محمد قیام کند ، خیمه های نصب می کند برای کسانی که قرآن را - همان طور که نازل شده - به مردم تعلیم کنند . در آن روز ، مشکل ترین کارها برای حافظان قرآن است ، زیرا آن را (از نظر جمع آوری و ترتیب) ، مخالف وضع فعلی می بینند .

حَبَّةُ الْعَرْنِيِّ كَوَيْدٌ : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ ، وَقَدْ ضَرَبُوا
الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلُ . أَمَا إِنَّ قَائِمَنَا
إِذَا قَامَ كَسَّرَهُ وَ سَوَّى قِبَلَتَهُ ^(۲) .

گوئی شیعیانم را می نگرم که در مسجد کوفه خیمه ها زده اند ، و قرآن را - آن چنان که نازل شده است - به مردم می آموزند . وقتی قائم ما قیام کند ، (دیواره های) آن مسجد را خراب می کند

۱- بحارالانوار؛ ج ۵۲؛ ص ۳۳۹.

۲- بحارالانوار؛ ج ۵۲؛ ص ۳۶۴.

و قبله آن را راست می‌گرداند .

و از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند :

كَأَنِّي بِشِيعَةِ عَلِيٍّ فِي أَيْدِيهِمُ الْمَثَانِي يُعَلِّمُونَ النَّاسَ .^۱

گویا من شیعیان علی علیه السلام را می‌بینم که در دست ایشان مثنای
(قرآن) است و مردم را (قرآن) می‌آموزند .

ابن نباته گوید : شنیدم که علی علیه السلام می‌فرمود :

كَأَنِّي بِالْعَجَمِ فَسَاطِطُهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ يُعَلِّمُونَ
النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنزِلُ (الی آخره) .^۲

گویا که من غیر عربها را می‌بینم که خیمه‌های ایشان در مسجد
کوفه است . و به مردم قرآن را - آن چنان که نازل شده -
می‌آموزند .

سطح دانش عمومی آن چنان بالا می‌رود که بانوان در منازل
خود ، به کتاب خدا و سنت پیامبر حکم می‌کنند . چنان که حمران
از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود :

كَأَنِّي بِدِينِكُمْ هَذَا لَا يَزَالُ مُوَلِّيًّا يَفْحَصُ بَدْمِيهِ . ثُمَّ لَا يَرُدُّهُ
عَلَيْكُمْ إِلَّا رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ ... وَ تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي
زَمَانِهِ ، حَتَّى أَنْ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِيَ فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى
وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ .^۳

گویا دین شما را می‌بینم که آغشته به خون می‌گردد (از بس که

۱- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۶۴ .

۲- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۶۴ .

۳- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۵۲ .

دشمنان دانا و دوستان نادان به آن ضربت می‌زنند) و کسی را نمی‌بینم که آن را به حال نخست برگرداند ، مگر مردی از ما اهل بیت ... و در زمان او چنان (به بشر) حکمت (و دانش بی‌آلایش) ارزانی می‌شود که زنان در خانه خود به کتاب خدا و سنت و روش پیغمبر حکم می‌کنند .

محمد بن جعفر از پدر گرامی خود علیه السلام نقل کرده که آن حضرت

فرمود :

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (بَعَثَ) فِي أَقَالِمِ الْأَرْضِ ، فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا
يَقُولُ عَهْدَكَ (فِي) كَفِّكَ . فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَ
لَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ ، فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَ أَعْمَلْ بِهَا
فِيهَا

هرگاه قائم علیه السلام قیام کند ، در سراسر زمین ، در هر سرزمینی مردی را می‌فرستد و به او می‌گوید : فرمان تو در کف دست توست . پس هرگاه چیزی بر تو وارد شد که آن را نمی‌فهمیدی و حکم قضاوتی را در آن نمی‌دانستی ، پس به کف دست خود بنگر و بدانچه در آن است عمل کن ...

خلاصه کلام آنکه خدای متعال به دست توانای حضرت مهدی علیه السلام تمام زمین را از علم و دانش آکنده می‌کند ، و در کنار امنیت و عدالت ، علم و دانش نیز عالم گیر می‌شود .

اصبغ بن نباته گوید : روزی امیر المؤمنین علیه السلام به سوی ما خارج

شد در حالی که دست فرزندش امام حسن علیه السلام به دست او بود و برای ما حدیثی از پیغمبر صلی الله علیه و آله در باره خود نقل فرمود و سپس به معرفی امامان بعد از خود فرمود ، تا آنجا که فرمود :

... وَ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِهِ ... تَأْسِعُهُمُ الْقَائِمُ
الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَ
عَدْلًا بَعْدَ جَوْرِهَا وَ عِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا (الی آخره) .^(۱)

... و پس از حسین ، نه نفر از فرزندان او خواهند بود ... نهمین آنها قائم است که خدای عز و جل به وسیله او زمین را از نور آکنده می کند ، پس از تاریکی آن . و از داد پر می کند ، پس از ستم آن . و از دانش مالمال می کند ، پس از جهل آن .

در دوران حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه ، به دست ملکوتی آن حضرت ، عقلها کامل می شود و مردمان از نعمت کمال عقل بهره مند می شوند . از آنجا که عقل ، وسیله کشف خوبی از بدی و زشت از زیبا است ، لذا با کمال عقل ، افراد بشر ، از پلیدی دوری می جویند و به خوبیها نایل می شوند . و با تکامل عقل ، انسانها به همه کمالات می رسند . در روایات مأثوره از لسان وحی صلی الله علیه و آله آثار کمال عقل به گستردگی طرح شده که ما در نوشته دیگر ، آنها را بررسی نموده ایم . و در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم :

۱ - کمال انسان^(۲) .

۱- بحارالانوار : ج ۳۶ . ص ۲۵۳ .

۲- بحارالانوار : ج ۱ ، ص ۹۶ و ج ۷۸ . ص ۲۳۴ .

۲- کمال ایمان و پیدایش صفات نیکو و تلاش در زمینه عمل به وظایف بندگی^(۱).

۳- ترس از خدا و اطاعت مطلق از حضرتش^(۲).

۴- پاکیزگی اعمال^(۳).

۵- به دست آوردن یقین، قناعت، صبر و شکر^(۴).

۶- آرامش روح و سلامت دین و نیل به غنی^(۵).

۷- محبوبیت نزد خدای متعال^(۶).

۸- مصونیت از هلاکت و نابودی^(۷).

۹- تحصیل رضای الهی^(۸).

۱۰- مبری بودن از آزار دیگران^(۹).

و اینها گوشه‌ای از آثار تکامل عقل است که جملگی آنها در دوران حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام و در میان خلائق آشکار می‌شود.

۱- بحار الانوار: ج ۱، ص ۱۰۹ و ج ۷۸، ص ۲۳۸.

۲- بحار الانوار: ج ۷۷، ص ۱۵۶.

۳- بحار الانوار: ج ۱، ص ۸۷ و ج ۱۰، ص ۱۱۲.

۴- بحار الانوار: ج ۱، ص ۸۷.

۵- بحار الانوار: ج ۱، ص ۱۳۹.

۶- بحار الانوار: ج ۱، ص ۹۶ و ج ۵۷، ص ۳۷۵ و ج ۶۴، ص ۲۸۲.

۷- بحار الانوار: ج ۷۱، ص ۲۲۹.

۸- بحار الانوار: ج ۷۷، ص ۲۸.

۹- بحار الانوار: ج ۱، ص ۱۴۱.

بخش دوازدهم

نابودی دشمنان خدا و اجتماع خلق بر بندگی خدا

هزاران سال است که بشر به خاطر زیر پا نهادن سخن انبیا ، فطرتِ خداپرستیِ خویش را با زنگارهای جهل و گناه پوشانیده است . به جای بندگی در بارگاهِ قدس الهی ، سر تسلیم در برابر پلیدان فرود آورده است . به جای رو نهادن به بابِ عطف و مهر الهی ، دست طمع در برابر هر آزمندی دراز کرده ، و به جای شنیدن سخنِ جانِ فزایِ خدایِ منان ، طوق عبودیتِ خویش را به دست هر تبه‌کاری داده است . ندای پر از مهر و شفقتِ خدا را زیر پا نهاده و دعوتِ شیاطین را لبیک گفته است . به جای آن که تذکراتِ سفرای الهی را پذیرا شود ، تیغِ بُران بر گردن آن سفیران نهاده ، و یا آنان را تکذیب کرده و صفحهٔ تاریخ را به خون پاک پیغمبران و اوصیای ایشان و یاران با وفایشان آلوده است . این شیوهٔ زشت را آیندگان از گذشتگان به ارث برده‌اند ، تا آنجا که تیغِ بُران خود را در میان خاندان برگزیدهٔ پیغمبران و آقای رسولان قرار

دادند ، تمام فشارهای خود را متوجه ایشان کردند . چه بسیار از آن پاکان که کشته شدند ، و چه بسیار که به دار آویخته شدند ، و چه بسیار که از خانه و کاشانه خود تبعید شدند . «فُقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَ سُبِيَ مَنْ سُبِيَ وَ أَقْصَى مَنْ أَقْصَى»^(۱) . در مسجد کوفه تیغ بر فرق امیرالمؤمنین علیه السلام نهادند ، و پیکر پاک حضرت مجتبی علیه السلام را به روی تخته تابوت در کنار قبر جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله تیر باران کردند ، و بدن پاک حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یاران با وفای او را به خاطر جلب رضایت پشیمانان « یزید » قطعه قطعه نمودند .

- چرا؟! -

چون این پاکان و سلاله پاکان ، بشر را به یگانه پرستی فرا می خواندند و از بندگی نفس باز می داشتند . و بسی جای شگفتی است که چگونه بشر ، مصلحان را به مفسدان فروخته ، پاکان را فدای فاسدان کرده ، و بجای بندگی در درگاه خدای متعال - که بی نیاز از گرنش بشر است - دست بیعت و بندگی به انسانهای پلیدی داده ، که منافع آنان در گرو این بندگی هاست؟! -

بشر به خاطر سرپیچی از ندای وجدان و گوش ندادن به فرمان عقل ، گردابی مهیب برای زندگی دنیوی خویش فراهم آورده ، و دنیا و آخرت خویش را تباه کرده است ، و این سرنوشت هر کجرو خیره سر می باشد!! ولی خدای متعال وعده فرموده که در آینده جهان ، بشریت دو باره به سوی حضرت حق روی آورند ندای عقل و وجدان را به گوش جان بشنوند ، و با سخرای الهی هم

جهت شوند ، چنان که فرموده است :

﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ
لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱

همانا زمین از آن خداست . و آن را به آن دسته از بندگانش که
می‌خواهد ، به ارث می‌دهد .

خداوند چنین اراده فرموده که آینده زمین در اختیار بندگان
خدا باشد ، آیین محمد مصطفی ﷺ آیین جهانیان گردد ، راه و
روش حضرت علی مرتضی ﷺ مسیر همه بندگان خدا شود ،
فرامین امامان پاک از نسل فاطمه زهرا علیها السلام دستورالعمل همگان
قرار گیرد ، و نوای «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» بر فراز کعبه و تمام مأذنه‌های جهان
طنین انداز شود ، چون لازمه اصلاح زمین ، همراهی شهادت به
وحدانیت خدا و رسالت پیغمبر اکرم با قبول ولایت
امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد .

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود در ذیل آیه ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي
الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا﴾^۲ گوید :

إِصْلَاحِهَا بِرَسُولِ اللَّهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، فَأَفْسَدُوهَا
حِينَ تَرَكَوْا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام^۳ .

اصلاح زمین به رسول خدا و امیرالمؤمنین شد . آنگاه (مردم)

۱- قرآن کریم . سوره اعراف . آیه ۱۲۸ .

۲- سوره اعراف . آیه ۵۶ و ۸۵ .

۳- بحارالانوار : ج ۳۶ . ص ۱۴۷ .

زمین را فاسد کردند ، آنگاه که امیرالمؤمنین را ترک کردند .

رفاعة گوید : از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود :

« وَ لَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً »
 قَالَ : إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةً أَنَّ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ .^۱

« و برای او آنچه در آسمان و زمین است به میل و اکراه تسلیم

می شود » فرمودند : هنگامی که قائم ما قیام کرد . جایی در

روی زمین باقی نمی ماند ، مگر این که در آنجا صدای شهادت

به « لا إله إلا الله » و « مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ » بلند می شود .

دیگر دوران آیینهای باطل و ادیان منسوخ به پایان می رسد ، و

یک آیین برگیتی حکمتر ما خواهد بود ، همه بر یک روش سلوک

می کنند ، و دنبال یک مذهب خواهند بود . و آن مذهب حتمه اثنی

عشریه است .

ابی بکیر گوید :

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ « وَ لَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً » قَالَ : أُنزِلَتْ فِي
 الْقَائِمِ علیه السلام إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ وَ
 الزُّنَادِقَةَ وَ أَهْلَ الرَّدَّةِ وَ الْكُفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا .
 فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ . فَمَنْ أُسْلِمَ طَوْعاً أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَ
 الزَّكَاةِ وَ مَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمَ وَ يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ . وَ مَنْ لَمْ

۱- سوره آل عمران ، آیه ۸۳

۲- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۴۰

يُسَلِّمُ ضَرْبَ عُنُقِهِ، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ أَحَدٌ، إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ^(۱).

از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام تفسیر این آیه ﴿و برای او آنچه در آسمان و زمین است به میل و اکراه تسلیم می شود﴾ سؤال کردم . حضرت فرمود : این آیه در باره قائم نازل شده است . هنگامی که علیه یهود و نصاری و صابئین و مادی ها و برگشتگان از اسلام و کفار در شرق و غرب کره زمین قیام کند و اسلام را پیش نهاد می نماید ، هر کس از روی میل پذیرفت ، دستور می دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و آنچه هر مسلمانی مأمور به انجام آن است ، بر وی نیز واجب می کند . و هر کس مسلمان نشد . گردنش را می زند ، تا آن که در شرق و غرب عالم ، احدی نماند مگر این که خدا را به یگانگی پرستد .

هشام جو الیقی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در وصف گروهی از اصحاب حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام فرمودند :
... لَا يَأْتُونَ عَلَى أَهْلِ دِينٍ إِلَّا دَعَوْهُمْ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى الْإِسْلَامِ وَإِلَى الْإِقْرَارِ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . وَ مَنْ لَمْ يُقَرَّرْ بِإِسْلَامٍ وَ لَمْ يُسَلِّمْ ، قَتَلُوهُ ، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ... أَحَدٌ إِلَّا أَقَرَّ^(۲) .

... به اهل دیانتی نمی رسند ، مگر این که ایشان را به سوی خدا و به سوی تسلیم حق متعال شدن و اقرار به (نبوت) محمد صلی الله علیه و آله

۱- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۴۰ .

۲- بحار الانوار : ج ۲۷ : ص ۴۳ .

دعوت می‌کنند . و کسی که به یکتاپرستی اقرار نکند و اسلام نیاورد ، او را می‌کشند ، تا آن که در مشرق و مغرب کسی نماند مگر این که اقرار نماید .

حضرت مهدی علیه السلام مردم جهان را با خدا آشنا می‌کند ، یاد خدا را در دلها زنده می‌نماید ، مردم را خدا ترس می‌کند ، سجایای اخلاقی را در میان جوامع گسترش می‌دهد ، دروغگویان و ریاکارها و تزویرگران را رسوا می‌کند ، و خواری و زبونی را برای آنان به ارمغان می‌آورد ، در حالی که هزاران سال است این جانیان ، ذلت را برگردن بندگان خدا قرار داده‌اند و پاکان را ذلیل و پلیدان را عزیز کرده‌اند . حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام عقلها را کمال می‌بخشد . آنگاه - با بیداری نور عقل - انسانها بدی را از خوبی باز می‌شناسند و به گرد زشتی نمی‌گردند . عصر حکومت حضرت مهدی علیه السلام دوران کمال انسانی و عصر رهایی انسانها از بندهای عبودیت نفس و اطاعت پلیدان است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند :

لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ ... فَتَوَدَّيْتُ : يَا مُحَمَّدُ ! هُوَ لِأَيِّ
 أَوْلِيَائِي وَ أَحِبَّائِي وَ أَصْفِيَائِي وَ حُجَجِي بَعْدَكَ عَلَى بَرِيَّتِي ،
 وَ هُمْ أَوْصِيَائُكَ وَ خُلَفَائُكَ وَ خَيْرُ خَلْقِي بَعْدَكَ . وَ عِزَّتِي
 وَ جَلَالِي لِأُظْهِرَنَّ بِهِمْ دِينِي ، وَ لِأُعْلِينَ بِهِمْ كَلِمَتِي ، وَ
 لِأُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي ، وَ لِأُمْلِكَنَّ
 مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ لِأَسْخِرَنَّ لَهُ الرِّيَّاحَ ، وَ
 لِأَذِلَّنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّغَابَ ، وَ لِأَرْقِيَنَّ فِي الْأَسْبَابِ ، وَ

لَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَ لَأَمُدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي وَ
يَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي ، ثُمَّ لَأَدِيمَنَّ مُلْكَهُ وَ لَأُدَلِّنَنَّ
الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ .

وقتی مرا به آسمان بالا بردند ... پس ندا داده شدم که : ای
محمد ! اینان دوستان من و برگزیدگان من و حجتهای من بعد
از تو بر بندگان من می باشند . و جانشینان و خلفا و بهترین
بندگانم بعد از تو هستند . به گرانقدری و بلندای مقامم سوگند
که دین خود را به وسیله آنها بر اوهام بشر چیره می کنم ، و کلمه
خود را به وسیله آنها بلند دارم ، و به وسیله آخرین آنها زمین
خود را از دشمنانم پاک می سازم ، و سلطنت شرق و غرب را به
او می دهم ، و بادهای در اختیار او می گذارم ، و ابرهای سخت را
برای او رام می گردانم ، و در راههای آسمان او را بالا می برم ، و
با لشکر خود او را یاری می دهم ، و به وسیله فرشتگانم او را
کمک می کنم ، تا آن که دعوت مرا آشکار کند و بندگان را بر
عقیده به توحید من گرد آورد . آن گاه سلطنت او را طولانی
می گردانم ، و روزگار دولت او را در میان دوستانم تا روز قیامت
امتداد می دهم .

از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند :

... فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ جَاءَ مَهْدِيُنَا ، كَانَ الرَّجُلُ مِنْ
شِيعَتِنَا أَجْرِي مِنْ لَيْثٍ وَ أَمْضَى مِنْ سَنَانٍ ، يَطَأُ عَدُوَّنَا
بِرِجْلَيْهِ وَ يَضْرِبُهُ بِكَفَيْهِ . وَ ذَلِكَ عِنْدَ نَزُولِ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ

فَرَجِهِ عَلَى الْعِبَادِ .

... پس هر گاه که امر ما فرارسد، و مهدی ما بیاید، یک مرد از شیعیان ما، از شیر دلیرتر و از نیزه چابک‌تر است. دشمنان ما را زیر پای خود خرد می‌کند و با کف دست به او ضربت می‌زند. و این در هنگام نزول رحمت خدا و گشایش او برای بندگان است.

ابو بصیر گوید: در باره سخن خدای متعال که می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^(۱)

اوست کسی که فرستاده خود را به هدایت و دین حق فرستاد، تا آنکه او را بر تمامی دین‌ها چیره کند، و اگر چه مشرکان را ناخوش آید.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ . وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ عليه السلام . فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ ، لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ ، حَتَّىٰ لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ ، لَقَالَتْ : يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَكْسِرْنِي وَ أَقْتُلَهُ .^(۲)

به خدا سوگند که هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نازل نخواهد

۱- بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۱۸.

۲- سوره توبه، آیه ۳۳. سوره صف، آیه ۹.

۳- بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۲۴.

نابودی دشمنان و ... / ۱۲۷

شد ، تا آنکه قائم علیه السلام قیام کند . پس هرگاه که قائم قیام کند ، کافر به خدای بزرگ و مشرک به امام باقی نمی ماند ، مگر این که قیام او را ناخوش دارد . تا آنکه اگر کافر یا مشرکی در میان صخره ای باشد ، آن صخره ، ندا برمی آورد که : ای مؤمن در میان من کافری است ، مرا خرد کن و آن کافر را نابود نما .

دامنه شرک به تمام انواع آن از زمین برچیده می شود که یکی از مصادیق مهم آن ، کنار گذاردن حجّت معصوم الهی و دیگری را به جای آن برگزیدن است . پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله در ضمن خبرهایی که از آزار و اذیت شدن ذریه خود پس از رحلت حضرتش داده ، فرمودند :

أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ إِنَّ ذَلِكَ يَزُولُ إِذَا قَامَ قَائِمُهُمْ وَ عَلَتْ
كَلِمَتُهُمْ وَ اجْتَمَعَتِ الْأُمَّةُ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ (الی آخره) .^۱

جبرئیل به من خبر داد که این (آزارها) هنگامی زایل می شود که قائم ایشان قیام کند ، و (در آن زمان) نام و آوازه ایشان بلندی می گیرد ، و امت بر محبت ایشان هم پیمان خواهند شد .

جابر گوید : حضرت صادق علیه السلام فرمودند :

إِنَّ اللَّهَ نَزَعَ الْخَوْفَ مِنْ قُلُوبِ شِيعَتِنَا وَ أَسَكَّنَهُ قُلُوبِ
أَعْدَائِنَا . فَوَاجِدُهُمْ أَمْضَى مِنْ سَنَانٍ وَ أَجْرَى مِنْ لَيْثٍ .
يَطْعَنُ عَدُوَّهُ بِرُمْحِهِ وَ يَضْرِبُهُ بِسَيْفِهِ وَ يَدُوسُهُ بِقَدَمِهِ .^۲

همانا خداوند (هنگام قیام قائم ما) ترس را از دل های شیعیان ما

۱- بحار الانوار : ۳۷ ، ص ۱۹۲ .

۲- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۳۶ .

زایل می‌کند و در دل دشمنان ما می‌افکند . پس هر یک از آنها از نیزه چابک‌تر و از شیر دلیرتر هستند ، به طوری که دشمن ما را به نیزه خود می‌زنند و به شمشیر خود مضروب می‌سازند ، و زیر پای خود آنها را له می‌کنند .

راوی از امام معصوم علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند :

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ ، وَ أَرْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ
 أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا ، وَ رَدَّ كُلَّ حَقٍّ
 إِلَى أَهْلِهِ ، وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ
 يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ . أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ : ﴿ وَ لَهُ
 أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ
 يُرْجَعُونَ ﴾ وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ
 مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله . فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي
 بَرَكَاتِهَا ، وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِيَصَدَّقْتَهُ وَ
 لَا لِبِرِّهِ لِسُمُولِ الْغَنِيِّ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ . ثُمَّ قَالَ : إِنَّ دَوْلَتَنَا
 آخِرُ الدُّوَلِ . وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكَوْا قَبْلَنَا ،
 لَيْلًا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكَنَا سِرْنَا بِهِ مِثْلَ سِيرَةِ
 هُوْلَاءِ . وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى : ﴿ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾ ^(۱) .

زمانی که قائم قیام نمود ، به عدالت حکم می‌کند . و در روزگار او ظلم و ستم از میان می‌رود ، و راهها امن می‌شود . و در این هنگام ، زمین برکات خود را بیرون می‌دهد ، و هر حقی را به صاحب حق می‌دهد ، و پیروان هیچ دینی باقی نمی‌مانند ، مگر

این که اظهار مسلمانی می‌کنند و با ایمان شناخته می‌شوند . آیا نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: ﴿و برای او آنچه در آسمان و زمین است ، به میل و اکراه تسلیم می‌شود و به سوی ما باز می‌گردند﴾ میان مردم به حکم داوود علیه السلام و حکم محمد صلی الله علیه و آله حکومت می‌کند . و در این هنگام ، زمین گنجهای خود را ظاهر می‌کند و برکاتش را آشکار می‌سازد . و مردی از شما جائی برای صدقات و انفاقهای خود پیدا نمی‌کند . به خاطر همگانی شدن بی نیازی میان مؤمنان .

و سپس حضرت فرمود : دولت ما آخرین دولت‌هاست ، و هیچ خاندانی باقی نمی‌ماند که برای آنان دولت و سلطنتی باشد . مگر این که پیش از ما به سلطنت می‌رسد . تا هنگامی که ما بر سر کار آمدیم و روش دولت ما را دیدند . نگویند : اگر ما به سلطنت می‌رسیدیم مانند ایشان عمل می‌کردیم . و این است (معنی) سخن خدا که می‌فرماید : ﴿فرجام کار از آن پروا پیشگان است﴾ .

در دوران قیام قائم آل محمد علیهم السلام دیگر با کفار مدارا نخواهد شد . زیرا دوران مدارای با کفار ، عصر پیش از ظهور است . و چون آن حضرت آشکار شود ، کافران یا باید آیین حق را بپذیرند یا با ایشان می‌ستیزد . و حتی - چنان که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله از کفار جزیه می‌پذیرفتند - جزیه نمی‌پذیرد . چون خدا اراده فرموده به دست آن حضرت زمین را از کفر پاک کند ، و در روی زمین کافری باقی نماند .

از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند :

ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى الْكُوفَةِ ، فَيَبِيعُ الثَّلَاثَ مِائَةَ وَ الْبِضْعَةَ عَشَرَ
رَجُلًا إِلَى الْآفَاقِ كُلِّهَا ، فَيَمْسَحُ بَيْنَ أَكْتَافِهِمْ وَ عَلَى
صُدُورِهِمْ ، فَلَا يَتَغَايُونَ فِي قَضَاءٍ . وَ لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا
نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ
أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ . وَ هُوَ قَوْلُهُ : « وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ
فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ » وَ
لَا يَقْبَلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الْجِزِيَّةَ كَمَا قَبِلَهَا رَسُولُ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ : « وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ
فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ » .

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يُقَاتِلُونَ وَ اللَّهُ حَتَّى يُوحَدَ اللَّهُ وَ لَا
يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ .^{۱۳۰}

سپس به سوی کوفه باز می‌گردد ، سیصد و اندی مرد را به سوی
شرق و غرب گسیل می‌دارد ، میان شانها و بر سینه‌های ایشان
دست می‌کشد . آنگاه در قضاوت درمانده نمی‌شوند ، و زمینی
باقی نمی‌ماند مگر این که در آن شهادت داده می‌شود که :
«معبودی جز خدا نیست و او را به یکتائی برمی‌شمرم و برای او
شریکی نیست و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرستاده خداست» . و این معنای
سخن خداست که فرمود : «و برای او هر که در آسمانها و زمین
است ، از روی خواست و کراهت ، اسلام می‌آورد و به سوی او

۱- سوره انفال ، آیه ۳۹ .

۲- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۴۵ .

نابودی دشمنان و ... / ۱۳۱

باز می‌گردند». و او جزیه (از کفار) نمی‌پذیرد، آن چنان که پیش از آن رسول خدا جزیه پذیرفت. و این سخن خداست که فرمود: «با ایشان بستیزید، تا این که فتنه‌ای نماند و تمامی دین برای خدا شود».

امام باقر علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند، سپاهیان مهدی آنقدر می‌ستیزند، تا آن که خدا به یکتائی پرستیده شود و برای او شرک آورده نشود.

محمد بن مسلم گفت:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ﴾
قَالَ: لَمْ يَجِبْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ بَعْدُ. إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله
رَخَّصَ لَهُمْ لِحَاجَةِ أَصْحَابِهِ. فَلَوْ قَدْ جَاءَ تَأْوِيلُهَا لَمْ يَقْبَلُ مِنْهُمْ. وَ لَكِنَّهُمْ يَقْتُلُونَ حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ.

به امام باقر علیه السلام گفتم: سخن خدای - عز ذکره - چیست که می‌فرماید: «با ایشان بستیزید تا این که فتنه‌ای نماند و تمامی دین برای خدا شود».

فرمود: هنوز تأویل این آیه نیامده است. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان به خاطر نیاز یارانش رخصت داد. پس اگر تأویل این آیه بیاید، از ایشان پذیرفته نمی‌شود. ولیکن با ایشان می‌ستیزند، تا آن که خدای عز و جل به یکتائی پرستیده

شود و تا این که شرک باقی نماند .

علی بن ابی بصیر گفت :

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام ، وَ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ : إِنَّكُمْ أَهْلُ بَيْتِ
رَحْمَةٍ أَخْتَصَّكُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِهَا . فَقَالَ لَهُ : كَذَلِكَ
وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ . لَا نُدْخِلُ أَحَدًا فِي ضَلَالَةٍ وَ لَا نُخْرِجُهُ مِنْ
هُدًى . إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَجُلًا
مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ . لَا يَزِي مُنْكَرًا إِلَّا
أَنْكَرَهُ .

مردی خدمت حضرت باقر عليه السلام رسید و عرض کرد : شما اهل
بیت رحمتی هستید که خداوند شما را به این منقبت مخصوص
داشته است . حضرت فرمودند : چنین است و خدا را شکر
می‌گوییم . زیرا ما هیچ کس را به گمراهی نینداخته‌ایم و هیچ
کس را از راه هدایت بیرون نبرده‌ایم . دنیا به آخر نمی‌رسد .
مگر این که خدای عز و جل مردی از ما اهل بیت را برمی‌انگیزد
که مطابق کتاب خدا عمل می‌کند ، و کار زشتی را نمی‌بیند ، مگر
این که آن را تقبیح نماید .

از حضرت امام حسن مجتبی عليه السلام نقل شده که فرمودند :

... فَكَذَلِكَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلْبٍ
مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ النَّاسِ ... لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ وَ لَا
طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ ...

۱- بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۷۸ .

۲- بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۸۰ .

نابودی دشمنان و ... / ۱۳۳

... و (اوضاع) این چنین خواهد بود ، تا آنکه خدا در آخر الزمان

و دوران شدت روزگار و عصر نادانی مردمان ، مردی را

برانگیزد ... تا آن که کافری باقی نماند مگر این که ایمان آورد .

و گناهکار و پلیدی نماند مگر این که صالح شود ...

بدان امید که هرچه زودتر نوای قدسی آن حضرت از کنار خانه

کعبه - همان معبد ابراهیمی - بلند شود . و ندای «یا أَهْلَ الْعَالَمِ اَنَا

بِقِيَّةِ اللَّهِ» از کنار کعبه در سراسر گیتی طنین انداز شود ، تا جهانیان

بدانند منشور جهانی انبیا دعوت به توحید است ، و آیینِ بِحَقِّ

اسلام ، بر محور توحید و یگانه پرستی می گردد ، و امام شیعیان

خود بنده راستین خداست ، و قیام خود را از کنار همان خانه ای

آغاز می کند که نبی مکرم اسلام اعلام منشور توحید و یگانه

پرستی خود را از کنار آن آغاز کرد . همان خانه ای که جا به جای

آن، دانه های اشک پیامبران و صالحان و امامان پاک از سالانه

ابراهیم را - که از ترس خدا و امید به مهر خالق منان ریخته - در دل

خود جا داده است . همان خانه ای که بخش بخش اضلاع آن ،

شاهد صدای حزین مولای سفر کرده شیعیان است که در سرتاسر

دوران طولانی غیبت ، دست التجا به سوی خدا دراز کرده و خدا

را در کنار این خانه خوانده و ظهور و فرج خویش را از خدا

خواسته است . همان خانه ای که شاهد دعای شبانه آن عزیز بوده

که خدا را قسم داده و گشایش کار شیعیان خود را درخواست کرده

است . و همان خانه ای که در کنار آن ، پس از قرنها ، صلاهی

مظلومیت جد گرامش حضرت ابا عبد الله علیه السلام را سر می دهد ، و

ندای مظلومیت حضرتش را بر جهانیان اعلام می دارد .

بخش سیزدهم

ارتباط امام عصر علیه السلام با عالم غیب و حکم به واقع

برای پیشبرد اهداف معنوی و تحقق بخشی حکومت عدل الهی، دست غیبی لازم است. تمام انبیا، در کنار واجدیت‌های انسانی و قدرتهای الهی، ارتباط با عالم غیب نیز داشته‌اند و با برخورداری از آن قدرتها و علوم، بر اهریمنیان پیروز شده‌اند. چیرگی حضرت نوح بر کافران، غلبه حضرت ابراهیم بر آتش نمرودیان، نجات بنی اسرائیل به دست حضرت موسی از ستم فرعونیان و ... جملگی گواهی از این ارتباطات می‌دهد. در نظر مردم، رهسپار شدن ایشان همراه حضرت موسی - با زن و فرزند و وسایل زندگی - به طرف دریای نیل، کاری ظاهراً نادرست به نظر می‌رسید. و لذا بنی اسرائیل گفتند که فرعونیان با کمترین زحمت به ایشان می‌رسند و همه را دستگیر می‌کنند. بدین مناسبت بر حضرت موسی علیه السلام اعتراض کردند و کار او را نادرست خواندند. اما حضرت موسی به الهام الهی می‌دانست که تنها راه نجات در کنار رود نیل است، و خدا بنی اسرائیل را از دریای نیل عبور

می دهد و فرعون و فرعونیان را غرق می فرماید .

حضرت بقیة الله علیه السلام نیز واجد تمام تواناییها و معجزات و بینات انبیاست ، و با عالم غیب ارتباط دارد . فرشتگان الهی حقایق و واقعیات را به آن حضرت الهام می کنند ، و از سوی خدای منان ، این بزرگوار مشمول عنایات ویژه ای می گردد . زیرا دامنه اقدامات آن حضرت ، به گستره همه تاریخ است . و کارهایی را که انبیا در دوران حیات خود مرفوق به انجام کامل آن نشدند ، آن حضرت باید یک تنه در جهان پیاده کند . لذا تمامی نیروهای غیبی در اختیار آن حضرت قرار می گیرد .

عبدالله بن عجلان از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند:

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ - حَكَمَ بَيْنَ
النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ فَيَحْكُمُ
بِعِلْمِهِ .

آنگاه که قائم آل محمد - که بر او و ایشان سلام باد - قیام کند ، در میان مردم به حکم داوود حکم خواهد نمود . و محتاج بینه و گواه نخواهد بود . خدا به او الهام می فرماید و او به علم خود عمل می کند .

جابر گوید : از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمودند :

يَمْلِكُ الْقَائِمُ عليه السلام ثَلَاثِمِائَةَ سَنَةٍ وَ يَزْدَادُ تِسْعًا ... وَ تَطْوِي لَهُ
الْأَرْضُ وَ يُوحِي اللَّهُ فَيَعْمَلُ بِالْوَحْيِ بِأَمْرِ اللَّهِ ...

۱. بحار الانوار : ج ۱۴ . ص ۱۴ .

۲. بحار الانوار : ج ۵۲ . ص ۳۹۰ .

ارتباط امام عصر علیه السلام با غیب و ... / ۱۳۷

قائم علیه السلام ۳۰۹ سال حکومت می‌کند ... و زمین برای او در نور دیده می‌شود و خدا به او وحی می‌کند . پس به فرمان خدا به وحی الهی عمل می‌نماید .

البته وحی شدن به آن حضرت ، به معنی وحی نبوت نمی‌باشد ، بلکه در موضوعات و ابتلائات ، به آن بزرگوار ، از سوی غیب الهاماتی می‌شود . چنان که ابو الجارود گوید :

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، أَخْبَرَنِي عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ . قَالَ : يُمَسِّي مِنْ أَخْوَفِ النَّاسِ وَ يُصْبِحُ مِنْ أَمَنِ النَّاسِ ، يُوحَى إِلَيْهِ هَذَا الْأَمْرُ لَيْلَهُ وَ نَهَارَهُ . قَالَ : قُلْتُ : يُوحَى إِلَيْهِ يَا أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام ؟ قَالَ : يَا أَبَا جَارُودٍ إِنَّهُ لَيْسَ وَحْيٌ نُبُوَّةٍ ، وَلَكِنَّهُ يُوحَى إِلَيْهِ كَوَحْيِهِ إِلَى مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ إِلَى أُمِّ مُوسَى وَ إِلَى النَّحْلِ . يَا أَبَا جَارُودٍ ، وَ إِنَّ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ أَكْرَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ أُمِّ مُوسَى وَ النَّحْلِ .

به امام باقر علیه السلام عرض کردم : قربان شما شوم ، به من از صاحب این امر خبر دهید . فرمود : شب می‌کند در حالی که از ناامن‌ترین مردم باشد . و صبح می‌کند در حالی که از امان‌یافته‌ترین ایشان باشد . و این امر شب و روز به او وحی می‌شود . گوید : عرض کردم : ای امام باقر به او وحی می‌شود ؟ فرمود : ای ابا جارود ! آن وحی نبوت نیست ، بلکه خدا به او وحی می‌کند ، همچنان که به مریم دختر عمران و مادر موسی

وحی کرد و همچنان که به زنبور عسل وحی می‌کند . ای ابا جازود ! و همانا قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نزد خدا گرامی‌تر از مریم دختر عمران و مادر موسی و زنبور عسل است .

شیوه حکومت آن حضرت نیز ، با تمامی حکومت‌های جهان تفاوت دارد . در میان سفرای الهی ، تنها نمونه‌های اندکی از نوع حکومت آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود دارد که یکی حکم نمودن آن حضرت به باطن است . در محاکم دوران حضرت بقیة الله الاعظم عَلَيْهِ السَّلَام از پرونده و پرونده سازی خبری نیست . بلکه حقایق واقعی جهان را خدا به حضرت بقیة الله الاعظم الهام می‌کند ، گرچه جنایت پیشگان تمام اسناد و شهود را از میان برده ، و از خود نشانی باقی نگذاشته باشند .

حریر : گفت از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که می‌فرمود :

لَنْ تَذْهَبَ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ آلِ دَاوُدَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً ^۱ .

دنیا تمام نمی‌شود . تا آن که مردی از ما اهل بیت خروج کند که به حکم داوود و خاندان داوود حکومت نماید ، و از مردم بی‌ینه نطلبد .

ابان گفت : از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که می‌فرمود :

لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنِّي يَحْكُمُ بِحُكْمِ آلِ دَاوُدَ ، لَا يَسْأَلُ عَن بَيِّنَةٍ يُعْطِي كُلَّ نَفْسٍ حُكْمَهَا ^۲ .

۱. بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۱۹

۲. بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۲۰

ارتباط امام عصر علیه السلام با غیب و ... / ۱۳۹

دنیا به اتمام نمی‌رسد ، این که مردی از ما خروج می‌کند که به فرمان خاندان داوود حکومت می‌کند و از کسی بی‌تنبه نمی‌طلبد و به هر کس حکم واقعی او را عطا می‌کند .

ابی عبیده نقل می‌کند که حضرت صادق علیه السلام فرمودند :
إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ ، لَا يَسْأَلُ
النَّاسَ بَيِّنَةً .

هرگاه قائم ما قیام کند . به فرمان داوود و سلیمان علیهما السلام حکومت می‌کند و از مردم بی‌تنبه نمی‌طلبد .

حسن بن طریف گوید :

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ
الْقَائِمِ إِذَا قَامَ بِمَنْ يَقْضِي بَيْنَ النَّاسِ ؟ ... فَجَاءَ الْجَوَابُ :
سَأَلْتَ عَنِ الْإِمَامِ . فَإِذَا قَامَ يَقْضِي بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ
كَقَضَاءِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ (الخبز)

به حضرت ابا محمد امام حسن عسکری علیه السلام نامه نوشتم و از ایشان در باره قائم سؤال کردم که هرگاه قیام کند ، چگونه میان مردم قضاوت می‌کند ... پس جواب (نامه به من) رسید که : از امام سؤال کردی . پس هرگاه قیام کند ، در میان مردم به علم خودش قضاوت می‌کند . به سان قضاوت داوود علیه السلام ، که (از افراد) بی‌تنبه نمی‌خواست .

عبدالله بن عجلان گوید : از حضرت صادق علیه السلام فرمود :

۱- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۲۰ .

۲- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۲۰ .

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ ، لَا
يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَ يُخْبِرُ
كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ وَ يَعْرِفُ وَلِيَّهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ ،
قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ : ﴿ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَ إِنَّهَا
لِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ ﴾ .

هرگاه قائم آل محمد ﷺ قیام کند . میان مردم به حکم داوود
حکومت می‌کند و محتاج بیینه نیست . خدا به او الهام می‌کند ،
پس او به علم خود حکم می‌نماید . و به هر قومی از آنچه
اندوخته‌اند ، خبر می‌دهد . و به چهره . دوست خود را از دشمن
می‌شناسد . خدای سبحان فرموده : « و همانا در آن ، نشانه‌ای
برای سیما شناسان است . و همانا آن راه به پا داشته است .

خدای متعال ، حتی یاران امام زمان ﷺ را هم به امدادهای
غیبی خود یاری می‌کند ، و تمام هستی را در مسیر برپائی
حکومت حقّه الهیه با ایشان همراه می‌کند . سنگ و خاشاک ، در و
دیوار ، باد و نسیم ، همه در خدمت حضرت بقیّة الله الاعظم و
یاران گرامی او قرار می‌گیرند ، زیرا که :

توحید گوی او نه بنی آدمند و بس

هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

امروز ، نه تنها بندگان صالح خدا از عصیان بنی آدم رنج
می‌برند ، بلکه تمام موجودات - حتی زمین خشک به ظاهر بی

۱- سوره حجر ، آیه ۷۵ .

۲- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۳۹ .

ارتباط امام عصر علیه السلام با غیب و ... / ۱۴۱

روح هم - از گناهی که بر پشت او توسط آدمیزادگان انجام می شود رنج می برند . اساساً در منطق قرآن ، همه موجودات - اعم از انسان و حیوان و نبات و جماد - تسبیح خدا می کنند ، و در مسیر بندگی خدا حرکت می نمایند . از این نظر ، در دوران حکومت امام زمان علیه السلام تمام هستی به خدمت او کمر می بندند .

حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند :

... ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَمْنَحُ الْقَائِمَ وَ أَصْحَابَهُ أَكْتَا فُهُمْ ،
فَيَقْتُلُونَهُمْ حَتَّى يُفْنُوهُمْ ، حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ يَخْتَفِي فِي الشَّجَرَةِ
وَ الْحَجَرَةِ ، فَتَقُولُ الشَّجَرَةُ وَ الْحَجَرَةُ : يَا مُؤْمِنُ ! هَذَا
رَجُلٌ كَافِرٌ ، فَاقْتُلُهُ . فَيَقْتُلُهُ ...

... سپس خدای متعال ، گردنهای آنان را به قائم و یارانش عطا می کند . پس ایشان با آنان کارزار می کنند . تا آنکه ایشان را نابود می نمایند . تا آنجا که مردی در میان درخت و صخره پنهان می شود . پس درخت و صخره می گویند که : ای مؤمن ! این مرد کافر است ، پس او را نابود کن . آنگاه فرمود مؤمن او را نابود می کند ...

ابا بصیر گوید : در باره گفته خدای متعال که می فرماید :

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ
عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

اوست کسی که فرستاده خود را به هدایت و دین حق فرستاد ،

تا آنکه او را بر تمامی دینها چیره کند ، و اگر چه مشرکان را
ناخوش آید .

امام صادق علیه السلام پس فرمود :

وَاللّٰهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ . وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ
الْقَائِمُ عليه السلام . فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ ، لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ وَ لَا
مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ ، إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ . حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ
مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ : يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ
فَأَكْسِرْنِي وَ أَقْتُلْنِي .

به خدا سوگند که هنوز تاویل این آیه نازل نشده است . و نازل
نخواهد شد تا آنکه قائم علیه السلام قیام کند . پس هرگاه که قائم قیام
کند ، کافر به خدای بزرگ و مشرک به امام علیه السلام باقی نمی ماند ،
مگر این که قیام او را ناخوش دارد ، تا آنکه اگر کافر یا مشرکی
در میان صخره‌ای باشد ، آن صخره ندا برمی آورد که : ای مؤمن
در میان من کافری است . مرا خرد کن و آن کافر را نابود نما .

بخش چهاردهم

استقرار عدالت و امنیت

عصر حکومت حضرت بقیة الله الاعظم دوران اتمام ستمگری است ؛ نه که بر انسانها ستم نمی شود ، بلکه هیچ کس اجازه آزار درندگان بیابان و پرندگان در هوا را نخواهد داشت ، حتی حیات موجودات دریایی نیز در معرض مخاطره قرار نمی گیرد . در روزگار زهائی ، گستره عدالت تا بدانجاست که حتی حیوانات وحشی نیز در سایه حکومت عدل گستر مهدی آل محمد در آرامش و آسایش خواهند زیست .

راهها امن می گردد و دزدی و تباهی از میان می رود . نه کمبود وجود دارد که کسی دست به دزدی بیالاید ، نه قوانین دست و پاگیر در امر ازدواج باقی می ماند که موجب بی عفتی شود ، نه از عوامل پرخاشگری اثری می ماند که افراد ناخواسته بر هم درستی کنند . نه پدر و مادر را حق گزاف گوئی بر فرزندان خواهد بود و نه کودکان را اجازه مخالفت با پدران و مادران . نه شوهر بر زن

خویش درشتی می‌کند و نه زن مخالفت امر شوهر . دامنه‌النت بدانجا می‌رسد که گویا همسایگان اعضای یک خانواده هستند . در کشور مهدی آل محمد شهروندان از همدیگر و مردم از حکمفرمایان و حکمرانان از مردم در امان خواهند بود .

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند :

لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ . إِنَّ
 أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ قَبْلَ خُرُوجِ
 قَائِمِنَا فَمَنْ تَرَكَهَا قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا . فَقِيلَ لَهُ :
 يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ! وَمَنِ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ؟ قَالَ :
 الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ، ابْنُ سَيِّدَةِ الْأِمَاءِ ، يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ
 الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ ، وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ . وَ هُوَ
 الَّذِي يَشُكُّ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ . وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ
 خُرُوجِهِ ، فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وَضَعَ
 مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا ...^۱

کسی که ورع ندارد دین ندارد . و کسی که تقیه نکند ایمان ندارد . همانا گرامی‌ترین شما در نزد خدا ، عمل‌کننده‌ترین شما به تقیه ، قبل از قیام قائم ماست . و هر که قبل از قیام قائم ما تقیه را ترک کند ، از ما نیست . گفته شد : ای پسر رسول خدا ! قائم شما اهل بیت کیست ؟ فرمود : چهارمین فرزند من ، فرزند بانوی کنیزان است . خدا به وجود او زمین را از ستم پاک می‌کند و از هر بیداد منزّه می‌دارد . و او همان کسی است که مردم در

ولادت او شک می‌کنند . و او دارای غیبتی قبل از قیامش می‌باشد . هرگاه خروج کند ، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و ترازوی عدالت میان مردم برقرار می‌گردد . پس کسی به کسی ستم نخواهد کرد .

دامنه عدالت تا حدی است که در اعمال عبادی نیز باید مردم عدالت را رعایت کنند ، و برهم عدوان نکنند . از نظر عقل و نقل ، اقامه واجبات بر مستحبات مقدم است . و اگر میان اقامه واجب و مستحب تعارضی رخ دهد ، تقدّم با واجبات است . لذا باید حجّاج بیت الله الحرام ، راه حجّ را برای کسانی که حجّ واجب بر گردن دارند ، بازکنند . و حقّ تقدّم با کسی است که حجّ واجب به گردن دارد .

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند :

أَوَّلُ مَا يُظْهَرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ أَنْ يَسْلِمَ
صَاحِبُ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ
الطَّوَّافَ^(۱) .

اول چیزی را که قائم از عدالت آشکار می‌کند ، آن است که منادی او ندا می‌دهد که صاحبان (حجّ و طواف) استحبابی ، حجر الاسود و طواف را برای صاحبان (حجّ) واجب واگذارند .

حتی مراکز عبادی نیز نباید مردم را بیازارند . چون عبادتی که موجب آزار مردم شود نقض غرض است . بندگی خدا در صورتی

شکل می‌گیرد که ابزار آزار را برای مردم فراهم نکند. چه بسیار مردمانی هستند که به عنوان عبادت، موجبات آزار مردم را فراهم می‌کنند. در عصر حضرت مهدی علیه السلام مقدّس‌ترین مراکز اسلامی که خانه خداست، هم نباید موجب آزار مردم را فراهم کند. حتی نباید مساجد نیز بر خانه‌های مردم اشراف داشته باشند. از حضرت امام باقر علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی نقل شده که فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ، فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ. وَ لَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَهُ شَرَفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَ جَعَلَهَا جَمَاءً. وَ وَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ. وَ كَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ عَنِ الطَّرِيقِ. وَ أَبْطَلَ الْكَنْفَ وَ الْأَمْيَازِيبَ إِلَى الطَّرِيقَاتِ ...

هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه منهدم می‌کند. و هیچ مسجد مشرفی را نمی‌گذارد، جز این که کنگره و اشراف آن را خراب می‌کند، و به حال ساده و بدون اشراف می‌گذارد (همچنان که در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود). شاهراه بزرگ را توسعه می‌دهد و هر گوشه‌ای را که مانع راههای عمومی شود (و در مسیرهای عمومی واقع است)، خراب می‌کند. و ایوانها و ناودانهای را که در مسیرهای عمومی واقع شده، خراب کرده و آن (ناودانها) را کور می‌کند ...

در آن دوران، سبزیها و میوه‌ها آن چنان زمین را می‌پوشاند که

دیگر احتکار و اندوختن معنا ندارد ، و همگان از این نعمتهای خداداد ، به وفور بهره‌مند می‌شوند .

در کتاب الاربعمئة از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمودند :

وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا ... لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ ، وَ
أَصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ ، حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ
الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ ، لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ ، وَإِلَى
رَأْسِهَا زَبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ ^(۱) .

اگر قائم ما قیام کند ... کینه‌ها از دل بندگان خدا زایل می‌شود ،
و درندگان و حیوانات (اهلی) با هم صلح می‌کنند (و حیوانات
اهلی از درندگان نمی‌گریزند) ، تا جائی که زنی که می‌خواهد
راه عراق تا شام را بییماید ، همه جا قدم بر روی سبزه و گیاهان
می‌گذارد ، و زینتهای خود را بر سر دارد (و کسی طمع به آن
نمی‌کند) . نه درنده‌ای به او حمله می‌آورد ، و نه او را درندگان
به وحشت می‌آورند .

به کارگیری کلمه زن به جای مرد ، در این حدیث ، دلالت
ویژه‌ای دارد . زیرا خطرات وارده بر زنان بیش از مردان است . اما
در عصر امام مهدی علیه السلام دیگر هیچ خطری متوجه افراد نخواهد
شد . و چنان امنیتی در جهان حاکم می‌شود که حتی زنان در
مسافرتی - تنها و بدون همراه ، خواه آشنا و خواه نا آشنا - با
مشکلی مواجه نخواهند شد . از بیان مسافت میان عراق و شام هم
نکته‌ای زیبا دستگیر می‌شود ، چون در عصر امیرمؤمنان علیه السلام

آشفته‌ترین منطقه در کشور آن حضرت ، منطقه بین عراق و شام بوده است ، زیرا معاویه بن ابی سفیان در آن حدود ، جنایات فراوانی مرتکب می‌شد ، اشرار او در آن منطقه هجوم می‌آوردند ، جان و مال مردم را به تاراج می‌دادند ، خونهای مسلمانان را به ناحق می‌ریختند و به ناموس مسلمانان هجوم می‌آوردند ، که تفصیل این مطالب در کتب مستند تاریخی چون «الغارات» و دیگر کتب مندرج است . امیرالمؤمنین علیه السلام در ترسیم امنیت دوران ظهور برای مردمان عصر خویش ، به آشفته‌ترین منطقه آن زمان اشاره می‌کنند . یعنی آشفته‌ترین منطقه زمین ، منطقه امن و امان خواهد شد و دیگر جایی آشفته نخواهد ماند که برای انسانها خطر و ناامنی بیافریند . همچنین حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با ذکر مثال از منطقه خشک و بی‌آب و علف غرب عراق ، عمومیت سبزی و خرمی جهان را بیان فرموده‌اند ، یعنی تمامی زمین سبز و خرم می‌گردد ، درختان پر میوه می‌شوند ، روئیدنی‌ها از زمین می‌رویند ، چهارپایان و درندگان به آرامش در کنار هم می‌زیند . گویی که بهشت زمینی آشکار می‌شود و وزش بادهای عنایت الهی ، تمامی زمین را زنده می‌کند ، نه غم است و نه اندوه ، نه ناامنی است و نه کمبود ، و نه تباهی است و نه پلیدی .

حضرت باقر علیه السلام فرمود :

يُقَاتِلُونَ وَاللَّهِ حَتَّى يُوحَدَ اللَّهُ وَ لَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ ، وَ
 حَتَّى يُخْرَجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تَرِيدُ الْمَغْرِبَ
 وَ لَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ ، وَ يُخْرِجُ اللَّهُ مِنَ الْأَرْضِ بَذْرَهَا . وَ يَنْزِلُ

مِنَ السَّمَاءِ قَطْرُهَا ...^۱

به خدا سوگند ، سپاهیان مهدی آنقدر می ستیزند تا آن که خدا به یکتائی پرستیده شود و برای او شرک آورده نشود ، تا آنجا که پیر زنی ناتوان از مشرق به قصد مغرب خارج می شود ، و کسی مانع او نمی شود . و خدا بذرهای زمین را خارج می کند . و آسمان باران خود را می بارد ...

راوی از امام معصوم علیه السلام نقل می کند :

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ أَرْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ ...^۲

زمانی که قائم قیام نماید ، به عدالت حکم می کند . و در روزگار او ظلم و ستم از میان می رود و راهها امن می شود ...

سید بن طاووس در کتاب «سعد السعد» گوید : من در صحف

ادریس نبی علیه السلام یافتم (که خدای تعالی می فرماید) :

... وَ أَلْقَى فِي تِلْكَ الزَّمَانِ الْأَمَانَةَ عَلَى الْأَرْضِ ، فَلَا يَضُرُّ شَيْءٌ شَيْئاً وَ لَا يَخَافُ شَيْءٌ مِنْ شَيْءٍ ، ثُمَّ تَكُونُ الْهَوَامُّ وَ الْمَوَاشِي بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يُؤْذِي بَعْضُهُمْ بَعْضاً ...^۳

... در آن زمان ، امانتداری را در روی زمین برقرار سازم ، که هرگز چیزی چیزی را تلف نمی کند ، و کسی از چیزی نمی ترسد . سپس جانوران زهدار و چهارپایان در میان مردم می گردند ، ولی هیچ یک به دیگری زیان نمی رسانند ...

۱- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۴۵ .

۲- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۳۸ .

۳- بحار الانوار : ج ۵۲ : ص ۳۸۴ .

بخش پانزدهم

نابودی شیطان

بزرگترین عامل فتنه انگیزی در جهان ، ابلیس لعین است . اوست که در جا به جا تاریخ بشر ظاهر شده ، و مردمان را از راه خدا بیرون برده است . در کنار قایل علیه هابیل به ستیز برخواسته ، و در کنار جملگی کافران و ظالمان علیه حق و عدالت برخواسته است . با همدستی سامری ، بنی اسرائیل را از راه به در کرده و همراه یهودیان شده و قصد جان حضرت مسیح علیه السلام را برداشته . همراه پولس شده و در تحریف آیین حضرت عیسی علیه السلام همراهی کرده ، و در صحنه لیلۃ المبیت در کنار کفار مکه ، به صورت شیخ نجدی ظاهر شده و کفار را در جهت قتل پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم راهنمایی کرده است . در جنگ بدر و أحد در میان سپاهیان کفار قرار گرفته و آنان را بر جنگ با پیغمبر اسلام تحریک کرده . در صحنه غدیر خم آشکار شده و جماعتی را به شیطنت واداشته . در ماجرای سقیفه ، اولین فردی بوده که در شکل مردی

متدین و ظاهرالصلاح آشکار شده و به خلیفه دست بیعت داده ، و خلاصه در تمامی صحنه های کفر و الحاد حضور یافته ، و خلائق را به تبهکاری کشانیده است . با وجود این عامل خطرناک ، اصلاحات جهانی امکان پذیر نمی باشد . از اقدامات مهم دوران حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام آن است که به حیات این دشمن خدا ، خاتمه داده می شود .

اسحاق بن عمّار گفت :

سَأَلْتُهُ عَنْ إِنْظَارِ اللَّهِ تَعَالَى إِبْلِيسَ وَقَتًا مَعْلُومًا ذَكَرَهُ فِي كِتَابِهِ ، فَقَالَ : ﴿ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴾ .^۱

قَالَ : الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ يَوْمُ قِيَامِ الْقَائِمِ ، فَإِذَا بَعَثَهُ اللَّهُ كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ جَاءَ إِبْلِيسُ حَتَّى يَجْتُوَ عَلَى رِكْبَتَيْهِ . فَيَقُولُ : يَا وَيْلَاهُ مِنْ هَذِهِ الْيَوْمِ ! فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ ، فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِكَ : ﴿ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴾ .^۲

از آن حضرت پرسیدم : این که خداوند به شیطان تا وقت معلوم مهلت می دهد که در کتاب خود می فرماید ﴿ تو از مهلت دادگان تاروز وقت معلوم هستی ﴾ این وقت معلوم ، چه زمانی خواهد بود ؟

فرمود : روز قیام قائم ماست . وقتی خداوند او را برانگیزد ، در مسجد کوفه است . در آن وقت ، شیطان - در حالی که با

۱- سوره حجر ، آیه ۲۷ . سوره ص ، آیه ۱۰ .

۲- بحار الانوار : ج ۵۲ ، ص ۳۷۶

زانوهای خود راه می‌رود - به آنجا می‌آید و می‌گوید: ای وای از خطر امروز. آن حضرت پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند. آن زمان، روز وقت معلوم است (که مهلت شیطان به پایان می‌رسد).

این موضوع، نه تنها در اسلام مطرح شده، بلکه انبیای قبل نیز اَمّت خود را به نابودی شیطان در حیات دنیا خبر داده‌اند. سید بن طاووس قدس الله روحه در کتاب «سعد السّعود» گوید که من در صحف ادریس نبی علیه السلام یافتم که در بیان سؤال ابلیس و جواب خدای متعال به او (نوشته بود که ابلیس) گفت: «ای پروردگار من، مرا تا روز قیامت مهلت بده» خداوند فرمود:

لَا ، وَلَكِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ .
فَإِنَّهُ يَوْمٌ قَضِيَتْ وَ حَتَمْتُ أَنْ أَطَهَّرَ الْأَرْضَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ
مِنَ الْكُفْرِ وَ الشَّرْكِ وَ الْمَعَاصِي ... ذَلِكَ وَ قَتَّ حَجَبَهُ
فِي عِلْمِ غَيْبِي ، وَ لَا بُدَّ أَنَّهُ وَاقِعٌ أَيْدِكَ يَوْمَئِذٍ وَ خَيْلِكَ وَ
رَجْلِكَ وَ جُنُودِكَ أَجْمَعِينَ ، فَاذْهَبْ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ
إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ^(۱) .

خیر . تو از مهلت یافتگان تا روز معلوم هستی . پس آن روز ،
روزی است که حکم نمودم و حتم داشتم که در آن روز ، زمین
را از آلودگی ر کفر و شرک و گناهان پاک گردانم ... آن روز وقتی
است که - آن را - در علم غیب خودم پنهان کرده‌ام ، و ناچار به
وقوع می‌پیوندد . در آن روز ، تو و تمام سپاهر سواره و پیادگان و

لشکریانت را نابود می‌گردانم . پس برو که تو تا روز وقت

معلوم، مهلت داده شده‌ای .

البته باید توجه داشت که گرچه شیطان نابود می‌گردد ، ولی مردم، همچنان قدرت بر ارتکاب گناه دارند، و تمایلات نفسانی در ایشان باقی می‌ماند ، و لذا تکلیف و جزا خواهد داشت . لذا با تکامل عقلی انسانها و هدایت امام معصوم علیه السلام ، زمینه آلودگی برچیده می‌شود .

سخن آخر

خدای متعال ، سرانجام این جهان را چنان مقدر کرده که در
عصر حکومت پر برکت بقیة اللہ الاعظم علیه السلام ، موجودات عالم
خلقت به کمال مطلوب دست یابند . یعنی :

در سرتاسر زمین گیاه می روید ،
آسمان در نهایت رحمت می بارد ،
معادن و گنجها آشکار می شوند ،
شهرها وسعت پیدا می کند ،
مرزهای میان سرزمینها برداشته می شود ،
راهها گسترش می یابد ،
خرابیها اصلاح می گردد ،
زمین ، نور باران می شود ،
راههای آسمان گشوده می شود ،
سفرهای فضائی همگانی می گردد ،
میان انسان و طبیعت آشتی برقرار می شود ،
گرگ و میش با یکدیگر می چرند ،

حیوانات وحشی و موذی برای انسانها خطری نخواهند
داشت ،

پاکان عزیز می شوند ،

نابکاران خوار می گردند ،

عدالت بر جهان سایه می گسترد ،

فقر و فلاکت از گیتی رخت برمی بندد ،

بی خانمانی اتمام می یابد ،

گرسنگی از سراسر جهان برچیده می شود ،

زنان و کودکان بی سرپرست ، تحت اداره دولت حضرت

بَقِيَّةَ اللَّهِ عَجْرًا تَعْرِفُهَا قَرَارَ مِي گيرند ،

امراض و بیماریها بهبود می یابد ،

فحشا از گیتی برچیده می شود ،

عفت و پاکدامنی همه گیر می شود ،

به جای صغیر ابلیس ، از همه جانوای قدسیان برمی خیزد ،

به جای باده گساری ، مردمان از سبوی ایمان سرمست

می شوند ،

به جای حرام خواری ، از غذاهای لذیذ بهره می برند ،

به جای نجس نوشی ، آبهای خوشگوار می نوشند ،

حقایق کتمان شده در تاریخ آشکار می گردد ،

گرگانِ میش نما رسوا می شوند ،

حقوق بر باد رفته خلق ، از جانیان باز ستانده می شود ،

قصاصِ خونهای به ناحق ریخته ، گرفته می شود ،

قصاصِ خونِ پاکِ محسنِ زهراى اطهر عليها السلام گرفته مى شود ،
خونِ مطهرِ على اصغرِ قصاص مى شود ،
خونِ پاکِ شهيدانِ کربلا قصاص مى شود ،
حقایقِ بیکرانِ قرآنِ آشکار مى گردد ،
دانش و بینش در جهان افزوده مى شود ،
استعدادهاى نهفته جسمى و روحى انسانها آشکار مى گردد ،
به جای بردگی در برابر فرعونان ، جای خود را به کرنش بر
آستانه خدای جهانیان مى دهد ،

بتکده ها به خانه های توحید مبدل مى شوند ،
و لذتِ بندگیِ خدا در کام جان مردمان مى نشیند .
بنابراین حکومت امام عصر عليه السلام زمانِ تحوّل اساسی و عمیق از
نقص به کمال برای ما سوری الله است .

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا رُؤْيَتَهُ وَ عَجْلُ فَرَجِهِ ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ اَنْصَارِهِ وَ
اَعْوَانِهِ وَ خَوَاصِّ شِيعَتِهِ ، وَ مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ
فِي جُمْلَةِ اَوْلِيَائِكَ ، وَ لَا تَحْرِمْنَا صُحْبَتَهُ بِحَقِّ اَبَائِهِ
الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ .

* * *

۱۵ شعبان المعظم ۱۴۰۹ هجری قمری مطابق با ۳ فروردین ۱۳۶۸
هجری شمسی روز پنجشنبه ساعت ۳/۵ بعد از ظهر . از درگاه احدیت
خواستارم مرا از جمله خدمتگزاران واقعی و ناشرین آثار اجداد گرامش قرار
داده و از راه فضل و منت با عدم قابلیت ، دیدارش را روزی فرماید و امر

ظهور و فَرَجش را اصلاح فرماید ، و این روسیاه بر اثر گناه را ، سگِ
ریسمان به گردنِ دربِ خانهٔ حضرتش قرار دهد ، که او خود ، شاهد و گواه
بر قلب من است که با این منصب اگر پذیرایم باشد ، مفتخرم و به بهای
هستی خود ، آن را خریدارم .

مشهد مقدس

م - ب - علم الهدی

تفصیر

فؤاد کرمانی

کامده حمدش ورای مدرک دانا	حمد سزاوار آن خدای توانا
جَلَّ عَنِ الْكَیْفِ شَانِه و تعالی	ذات و صفاتش ورای عرصه چونست
مخفی و نورش برون ز پرده إخفا	کیست ولیّ خدا سَمِیّ محمّد
نور خدا هرکجا تویی بود آنجا	جلوه او برتر از غیاب و حضور است
گنج تولاش در طلسم تبرّا	شمس رخس در سحاب غفلت خلق است
کرده زهر پرده پشت پرده تجلّی	پرده نشین پرده دار خالق و مخلوق
زهره جبینی که مطلعش دل زهرا	ماه جمالی که مشرقش رخ احمد
مظهر اسماء حق که آمده حسنی	نور حسینی نژاد و بدر حسن روی
نیر والتّجّم و ماه مطلع طاها	مشرق والشمس و شمس مغرب واللیل
و آنکه خلیلش زده است دم ز تولا	آنکه به ذیلش کلیم کرده توسل
محشر صغریست یا قیامت کبری	آنکه ندانم به روزگار ظهورش
گوهر دریای زهد و جوهر تقوی	بحر عمل، موج علم، کشتی حکمت
روح فلک، قلب ملک، مالک اشیا	نور سما، نار ارض، نیر گیتی

میوه کافور پنج شاخه طوبی	چشمه پر نور چار جدول جنت
کوکب تابنده برج عشره ائنا	کشتی فرخنده سیر، سبعة ابجر
ای نبوی صورت ای لقای مزکی	ای علوی سیرت ای جمال مقدس
ای ز فراق تو خون گریسته یحیی	ای به بلای نو مبتلا شده ایوب
بر فرج ای دوست بعد شدت اعدا	منتظرانیم یوم نصر ظهورت
جلوه کند روز یسر با رخ ابهی	کاین شب یلدای عسر ما به سر آید
گرگ و غنم بی شبان چرند به صحرا	پر شود از عدل و داد عرصه گیتی
آیت علیا شوند طینت سفلی	رو به لطافت نهد جهان ز کثافت
خانه منور شود چو دامن صحرا	جلوه کند آفتاب و سایه نماند
حکمت یزدان چنین نموده تقاضا	راست شود کار روزگار به تدریج
آنکه ظهور تو راست مقطع و مبدا	بارخدایا به نور شمس نبوت
مظهر اسمت علی عالی اعلی	بار خدایا به ماه برج ولایت
بار خدایا به این تجلی اسنی	بار خدایا به آن مجلی اعظم
بار خدایا به نور خمسه اسما	بار خدایا به حق تسعه انوار
آیه کبری ببخش و غایت قصوی	دولت اسلام را به ملت اسلام